



مجله هفتگی - شنبه ۶ میزان ۱۳۵۳ -

شماره ۲۷ - ۲۸



والمسلما علیین
کتاب پر لپسی نمبره

وحيات رختان ماکرد جرو د

سمنگای هند

ختم قرآن عظیم الشان در مسجد ارگ ریاست جمهوری خاتمه یافت

ختم قرآن عظیم الشان ضمن نماز تراویح بود شب ۳ میزان خاتمه یافت. دکتر محمد حسن شرق معاون سادات عظمی، عده ای از اعضای کمیته مرکزی و کابینه، بعضی از جنرال ها و صاحب منصبان ارشد در مسجد ارگ ریاست جمهوری شروع شده که به اشتراک بناغلی محمد داود رئیس دولت و صدراعظم بامامت قاری محمد عمر شیب ۲۷ سنبله در مسجد ارگ ریاست جمهوری شروع شده

رئیس دولت و صدراعظم وزیر داخله ترکیه را پذیرفتند

بناغلی محمد داود رئیس دولت و صدراعظم ساعت نه صبح روز ۳۰ سنبله بناغلی اوغوزهان اسبیلرک وزیر داخله ترکیه را در قصر ریاست جمهوری پذیرفتند.

ریاست دفتر ریاست جمهوری اطلاع داد که بناغلی اسبیلرک در این موقع پیام بناغلی فخری کوروتک رئیس جمهور ترکیه را به بناغلی رئیس دولت و صدراعظم تقدیم نمود. در این پیام رئیس جمهور ترکیه مراتب تشکر و امتنان خود، حکومت مردم ترکیه را از موقف افغانستان روی موضوع فیرس به بناغلی رئیس دولت و صدراعظم تقدیم نمود و برای سعادت و ترقیات روز افزون کشور و مردم افغانستان تمنیات نیک ابراز کرده است.

هنگام ملاقات بناغلی فیض محمد وزیر داخله بناغلی وحید عبدالله همین سیاسی وزارت امور خارجه، بناغلی محمد اکبر رئیس دفتر جمهوری و بناغلی فاروق شاهین باش سفیر گبر ترکیه در کابل حاضر بودند.



بناغلی محمد داود رئیس دولت و صدراعظم موقعیکه وزیر داخله ترکیه را در قصر ریاست جمهوری پذیرفتند.

تلگرام های تبریکیه مخابر ه شده است رئیس جمهور موریتانیا تلگرامی عنوانی بناغلی رئیس دولت و صدراعظم مخابر ه نموده است

بناغلی مختار الداده رئیس جمهور موریتانیا هنگامیکه طیاره اش شب ۲۶ سنبله از فضای افغانستان عبور میکرد طی تلگرامی و موفقیت های مزید شخص ایشان و حکومت و مردم افغانستان ابراز نمود.

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه خبر داد که از طرف بناغلی محمد داود رئیس دولت و صدراعظم تلگرام تبریکیه به مناسبت روز ملی عربستان سعودی عنوانی اعلیحضرت ملک فیصل پادشاه آن کشور به ریاض مخابر ه شده است. بناغلی رئیس دولت و صدراعظم طی این تلگرام تمنیات نیک خود، حکومت و مردم دولت جمهوری افغانستان را برای سعادت و موفقیت های مزید اعلیحضرت فیصل، حکومت و مردم دوست و برادر عربستان سعودی ابراز نموده اند.

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه خبر داد که از طرف بناغلی محمد داود رئیس دولت و صدراعظم تلگرام تبریکیه به مناسبت روز ملی کشور مکسیکو عنوانی بناغلی ایچسه ویرالوا زیر رئیس جمهور آن کشور به مشهر مکسیکو مخابر ه گردیده است.

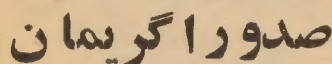
نسبت تجاوز يك هلیکوپتر بر قله و فضایی کشور ما

پاکستان رسماً معذرت خواسته است

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه خبر داد که اخیراً حکومت پاکستان معذرت خود را نسبت به تجاوز يك هلیکوپتر نظامی آن کشور بر قله و فضایی افغانستان رسماً به وزارت امور خارجه اطلاع داده است که تحت غور مقامات مربوطه دولت جمهوری افغانستان میباشد.

مرا جعت کرد

وصول اگریمان



شماره ۲۷ - ۲۸

A black and white photograph of two men in suits sitting on a patterned sofa, engaged in conversation. The man on the left has a mustache and is wearing a striped tie. The man on the right is balding and wearing a patterned tie. A low table is in front of them.

افغانستان میخو اهد که پاکستان حق
تعیین سر نوشت مردمان پشتون و بلوچ
را به رسمیت بشناسد

شاعلی وحید عبداله: خبر این مساعدت
 هادر انی مذاکرات دوستانه و موافقات دو جانبه
 بین افغانستا و دول مذکور صورت گرفته است.
 س- چگونه میتوان یقین داشت که این
 قسمتی از مساعدت عمومی کشور های دارای
 نفت نیست ؟
 ج- شاید باشد ممکن اطلاع داشته باشید
 که یک بانک اسلامی نیز تاسیس می گردد تا به
 کشور های محتاج اسلامی معاونت نماید
 و اساسی آن نیز گذاشته شده ولی آغاز فعالیت

تأمین حق زن یکی از اهداف عالی نظام جمهوری

مامیباشد

سال ۱۹۷۵ بهجت سال بین المللی زنان تعین گردیده تحت شعار مساوات انکشاف و صلح سائز طرف کشور های عضو موسسه ملل متحد تجلیل میگردد .

به منظور سپهگیری فعاله موسسات اطلاعاتی و کلتوری در تجلیل این سال ساعت ۳ بعد از ظهر روز ۲۳ سنبله مجلسی تحت ریاست یو هاند دکتور نوین وزیر اطلاعات و کلتور تشکیل شده بود .

یوهاند نوین در آغاز گفت که موضوع تأمین حقوق زن در تمام ساحات زندگی جامعه یکی از اهداف عالی نظام مرفی جمهوری مامیباشد .

وزیر اطلاعات و کلتور از نهضت نسوان در کشور یاد کرده گفت بار اول به توجه و تدبیر شاعلی محمد داؤد رئیس دولت نسوان در کشور به میان آمده و سعی شده که زنان همدوش مردان مشغول خدمات اجتماعی و ملی گردند این نهضت خوشخانه تطبیق و عملی شد .

وصوف گفت اکنون که موسسه جهانی ملل متحد بهجت یک موضوع مهم و حیاتی به توجه نامین حقوق زنان در جوامع و برقراری علایق موافق به عدالت انسانی بین زن و مرد میگردد سپهگیری خاص تمام مراجع و موسسات علاقمند کشور درین زمینه ضروری میباشند .

وزارت اطلاعات و کلتور بهجت مرجع پیشبرد خدمات اطلاعاتی و کلتوری در کشور آرزومند است به همکاری موسسات مربوط خویش پروگرام جامعی در زمینه وضع نماید تا بتواند بیشتر در تجلیل ازین سال بهجت سال زنان سپم بگردد .

یوهاند نوین بوجود یک سلسله رواجهای منفی در جامعه ما اشاره کرده گفت که باید بیدر صورت باریشه کن ساختن رسم و رواج های

باطل حق زردر جامعه بدون وجود نهضتی تأمین گردد .

وزیر اطلاعات و کلتور ضمن توضیح هدف تشکیل مجلس دیروزی درین وزارت گفت که وزارت اطلاعات و کلتور میخواهد با جلب و گرفتن نظریات صائب و جامع اهل نظر از جمله زنان مشور فعالیت های موسسات مربوط نشراتی و کلتوری خود را توری تنظیم بخشد که سال ۱۹۷۵ یعنی سال زنان بهتر و موثر تر در کشور تجلیل شده بتواند و در ساحه تأمین حقوق زن موافق به عدالت انسانی خدمات ارزنده انجام یابند .

وزیر اطلاعات و کلتور در اخیر گفت اکنون که بناسی از تصویب مورخه ۱۶/۱/۱۹۷۶ شورای اقتصادی واجتماعی ملل متحد سال ۱۹۷۵ بهجت سال بین المللی زنان تعین شده است افقا نستان نیز بهجت یک عضو فعال و وفادار آن برای سپهگیری در تجلیل ازین سال سپم فعال خواهد گشت .

متعاقب آن حاضرین هر کدام در مورد سپهگیری دوایر ، موسسات زنان مشور در زمینه ابراز نظر کردند و همکاری خود را در مورد ابراز داشتند .

درین مجلسی رئیس انجمن رهنمای خانواده بعضی از مدیران لیسسه های دختران مرکز ، نمایندگان وزارت معارف پوهنتون کابل و میرمنو توله و عسکه از اواکین و روسای موسسات نشراتی اشتراک داشتند .

در پایان مجلس متن فیصله نامه شورای اقتصادی واجتماعی ملل متحد در مورد تجلیل سال بین المللی زنان که از طرف وزارت اطلاعات و کلتور تهیه شده بود بحضور توفیق گردید تادر مجلس آینده نظریات خود را در سپهگیری موسسات علاقمند از جمله وزارت اطلاعات و کلتور برای تجلیل ازین سال ابراز دارند .

بنیه درم حله ۶۲



گوشه ای از مجلسی که تحت ریاست یوهاند نوین وزیر اطلاعات و کلتور به منظور تنظیم پروگرام تجلیل از سال بین المللی زنان تالار آذو وزارت ترتیب شده بود .

پلانیهای شهری اکثر ولایات به غرض تطبیق از سال گردیده است

بلکسمت این پلان ها تکمیل و بمنظور تطبیق به محلات مربوط سپرده شده است .

منبع افزود گرچه قسمی از این پلانیها قبلا تهیه و ترتیب گردیده بود اما به منضمه تطبیق گذاشته نشده است اکنون با توجه دولت جمهوری که در هر رشته میل دل گردیده تصمیم گیری اتخاذ شده است تا برای تطبیق پلان های شهری ولایات اقدامات صورت بگیرد .

منبع علاوه کرد پلان جدید مراکز ولایات پروان ، بلخ ، کندز ، بدخشان ، تالقان ، جوزجان ، بغلان ، فراه ، بادغیس ، پکتیا ، هرات ، کندهار ،

یک منبع ریاست عالی اوقاف وزارت عدلیه گفت در دهه اول در هفتاد و هفت مسجد در دهه دوم در چهل و هفت مسجد و در دهه سوم ماه مبارک در سی و نه مسجد ختم های قرآن مجید ضمن نماز تراویح صورت میگیرد .

برای معلومات مزید بشیر یان کابل فرست ختم های قرآن پاک در مساجد نصب گردیده و از طریق رادیو نشر و در روز ناهها بجای میرسد قرار یک خبر دیگر .

خبری ماهورین دوایر دولتی در ماه مبارک رمضان از ساعت ۸ صبح آغاز و تا ساعت دوی

پلانیهای شهری اکثر ولایات کشور از طریق ادریت شهری سازی تکمیل و بفرض تطبیق به ولایات مربوط فرستاده شده است .

همچنان هیات های سیار ادریت شهری سازی بمنظور رهنمایی و خفاندازی پلانیهای تفصیلی مراکز و بعضی از لولسوالی ها بولایات مورد نظر اعزام شده اند .

یک منبع ادریت شهری سازی وزارت فواید عامه ضمن ارائه این مطلب به خبر نگار باختر گفت بمنظور تطبیق پلانیهای شهری در مراکز ولایات و بعضی از لولسوالی های مربوط باختر یک سلسله اقدامات رویدست گرفته شده و ضمنا

ملاقات با وزیر اطلاعات و کلتور

عبات متخصصین آلمانی که به قصد تدویر سیمینار فلم رنگه و تهیه یک فلم رنگه توریستیک از شبر کابل با فغانستان آمده است روز ۲۵ سنبله بسایر هوسانند دکتور نوین وزیر اطلاعات و کلتور ملاقات نمود و بپروان پروگرام کار خود به وزیر اطلاعات و کلتور توضیحات دادند .

یک منبع افغان فلم گفت این سیمینار از طرف کمیته انستیتوت به همکاری افغان فلم دایر شده و در آن تمام اعضای فنی و مسلکی آن شامل شده اند .

منبع علاوه کرده که در جریان سیمینار علاوه از آنکه متخصصین موصوف درباره ساختمان و تهیه فلم رنگه و تفرانس های می دهند یک فلم رنگه مستند از شبر کابل و توسط پرسونل افغان فلم علامتیه می نمایند .

آلمانی با وزیر اطلاعات و کلتور و کمیته انستیتوت جمهوریبت اتحادی آلمان نیز حاضر بودند

سه شنبه روز اول ماه رمضان اعلام شد

روز سه شنبه ۲۶ سنبله مصادف با روز اول ماه مبارک رمضان ۱۳۹۴ هجری قمری بود .

مولوی عبدالصمد رئیس مقام عالی تمیز ساعت دواولم شب سه شنبه اطلاع داد که هلال ماه مبارک صیام در کشورهای اسلامی عربستان سعودی و کویت دیده شده و رئیس تمیز آنجاها شریعا حکم نموده که روز سه شنبه روز اول ماه مبارک رمضان میباشند .

امسال در ماه مبارک رمضان دریک صد و شصت و چهار مسجد جامع و نواحی شهر کابل ختم های قرآن عظیم الشان صورت میگردد .

بعد از ظهر بدون وقفه دوام مینماید .

طبق هدایت مقامات صلاحیتدار به احترام ماه مبارک صیام تجویز شد تا مامورین و کار گران دوایر دولتی موسسات صنعتی و فابریکه ها بهوش هفت ساعت شش ساعت کار کنند .

در ماهورین دولت از ساعت هشت صبح آغاز شده و تا ساعت دوی بعد از ظهر دوام مینماید .

ساعت کار کارگران موسسات صنعتی و فابریکه ها که نیز شش ساعت تعین گردیده مطابق به پروگرام ویلان مرتبه موسسات مربوط تنظیم میگردد .

يک تور بين دستگاہ توليد برق پر ژوه آبپاري غور بند

بکار انداخته شد

بقیه صفحه ۳

وزیر داخله ترکیه ..



ښاغلی فیض محمد وزیر داخله درمیدان هوايي بین المللی کابل از ښاغلی اسلترک وزیر داخله ترکیه استقبال نمودند

قرار یڅخه دیکر به افتخار وزیر داخله ترکیه و خانمش شب سی سنبله دعوتی از طرف ښاغلی فاروق ساهین باش سفیر کبیواکشور در کابل ترتیب شده بود که دوان ښاغلی فیض محمد وزیر داخله، ښاغلی وحید عبدالله معین سیاسی وزارت امور خارجه و بعضی از مامورین عالیترتبه آنوزارت و ارکان وزارت داخله وعده ازسفرای کبیر دول متعابه مقام کابل اشتراک ورزیده بودند *

پس از انجام یک مسافرت رسمی و دوستانه به افغانستان صبح روز ۳۰ سنبله از کابل عزیمت کردند * ښاغلی فیض محمد وزیر داخله ښاغلی عبدالصمد غوث مدیر عمومی سیاسی و دوکتور محبوب رفیق متصدی ریاست تشریفات وزارت امور خارجه بعضی دیگر از مامورین آنوزارت و سفیر کبیر ترکیه در کابل بامهمانان ترکی و دواغ کردند *

خواهد شسده * امر ساختمانی علاوه کرد پروژه آبپاري غور بند که بالمصرف شصت ملیون افغانی به همکاری دولت دوست ما هند پیشی برده میشود شامل سه قسمت میباشد که کار کانال های قسمت اول و دوم آن در دره تنگ و قولیچ نودوینچ فیصد پیشرفته و کار کانال قولیچ که از طریق آن یک ساحه وسیع دیگر تحت آبپاري می آید درآینده شروع خواهد شد. ښاغلی عبدالکریم والی پروان از مامور ساختمانی پروژه آبپاري غور بند دین نهوده درباره اكمال کار باقیمانده باموظفین ملاکړه نمود

امور ساختمانی پروژه آبپاري غور بند تاکنون نود و پنج فیصد پیشرفته است * امر پروژه گفت با اكمال پروژه آبپاري غور بند در قولیچ دوره تنگ اضافه از چهار هزار جریب زمین بابر و کم آب تحت آبپاري می آید. وی افزود در پهلوی آبپاري اراضی یک دستگاہ توليد برق نیز شامل پروژه بود که یک توربین آن به ظرفیت دوصد کیلووات برق اخيرا طور امتحانی بکار انداخته شده و دو توربین دیگر آن به قوه چهارصد کیلووات درآینده نصب و به از تمديد شبکه برای مردم غور بند توزیع

هیات افغانستان تحت ریاست معین سیاسی وزارت امور خارجه در جلسات مجمع عمومی م.م اشتراک میکند

معاون مدیریت امور اقتصادی وزارت امور خارجه ښاغلی محمد یحیی معروفی معاون مدیریت امور ملل متحد و روابط بین المللی وزارت امور خارجه، ښاغلی میر عبدالوهاب صدیق سکرتر اول نمایندگی دایمی افغانستان در ملل متحد ښاغلی عبدالحمید سکرتر دوم نمایندگی دایمی افغانستان در ملل متحد، ښاغلی عبدالرحیم غفور زی اتشه نمایندگی دایمی افغانستان در ملل متحد، ښاغلی همایون شاه آصفی عضو مدیریت امور ملل متحد و روابط بین المللی وزارت امور خارجه

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه خبر داد که هیات جمهورییت افغانستان تحت ریاست ښاغلی وحید عبدالله معین سیاسی وزارت امور خارجه در جلسه بیست و نهم مجمع عمومی ملل متحد اشتراک میکند * ښاغلی عبدالرحمن پژواک سفیر کبیر افغانستان در دهلې جدید بعیت مشاوره هیات افغانی در جلسات مذکور سیم میگردد. اعضای هیات افغانیستان عبارتند از: دوکتور سمدالله غوثی، ښاغلی عبدالقیوم منصور

سفیر کبیر جدید اندونیز یا وارد کابل شد

ښاغلی عبدالکبیر سفیر کبیر جدید اندونیز یا در افغانستان روز ۲۷ سنبله برای انتقال ماموریتش وارد کابل شد. درمیدان هوايي ښاغلی عبدالعلی سلیمان معاون ریاست تشریفات وزارت امور خارجه از وی استقبال کرد *

مدالهای پوهنه به مستحقان آن توزیع شد

مدالهای پوهنه که از طرف ښاغلی رئیس دولت و صدراعظم برای چارنفر معلم ولایت کندهار منظور شده بود طی محفلی توسط ښاغلی سید عبدالرزاق عابدی والی بانها توفیق گردید. صفحه

جمهوریت افغانستان و جمهوریت دیموکراتیک ویتنام به سویه سفارت کبیر امناسبات سیاسی برقرار مینمایند

اند تا از تاریخ ۲۵ سنبله ۱۳۵۳ مطابق به ۱۶ ستمبر ۱۹۷۴ مناسبات سیاسی را بوسیله سفارت کبراین خود برقرار نمایند *

پیشنهاد هیات افغانی در کنفرانس من-طقوی صحی جهان مورد تأیید قرار گرفت

هیات افغانی بریاست پوهاند دکتور محمد ابراهیم عظیم معین وزارت صحیه پس از اشتراک در بیست و چهارمین جلسات کنفرانس منطقوی موسسه صحی جهان متعقد اسکندریه بعد از ظهر روز ۲۴ سنبله به کابل مراجعت کرد. پوهاند عظیم هنگام مواصلت به میدان هوايي بین المللی کابل گفت که در جلسات پیشنهاد هیات افغانی مبنی به کمک موسسه صحی جهان در ساحه تیکه خود کشور های عضو موسسه لازم بداند و همچنان در تهیه و خریداری ادویه لازم برای ضرورت کشور های شان مورد تأیید

قرار داد صدور ۱۵۰۰ تن پنبه محلول ج عقد گردید

قرار داد صدور یک هزار و پنجاه تن پنبه محلول تولید موسسه پنبه و روغن نباتی هلند به اتحاد شوروی روز ۲۲ سنبله بین آن موسسه و نمایندگی وستولا اتورک عقد گردید. بموجب این قرارداد امسال مقدار پنبه متذکره به اتحاد شوروی تحویل داده می شود و مبلغ بیشتر از یک اعشاریه هشت ملیون دالر بدست می آید * قرار داد را ښاغلی حفیظ الله رئیس موسسه پنبه و ښاغلی نکو لایو فناماند وستولا اتورک در کابل امضا نمودند.

رها یشگاه محبوسان خورد سال افتتاح گردید

رها یشگاه محبوسان خورد سال در محوطه مجلس عمومی قوماندانی امنیه ولایت بلخ در شهر مزار شریف دیروز توسط یشاغلی محمد عالم نوابی والی آنجا افتتاح شد . والی بلخ هنگام افتتاح به ابداعات نمر بخشی که در پرتو نظام جمهوری کشور به قصد رفاه و آسایش مردم صورت میگیرد اشاره نموده گفت :

توجه به حال محبوسان و فیصله دوسیه های لاینحل که از سالیان منهای باقی مانده بود و همچنان اصلاح وضع محاسنی از اقدامات مهمی است که در جهت تأمین عدالت صورت گرفته است .

وی افزود خورد سالانی که در اثر ارتکاب جرم بغرض تادیب حبس میشوند در پیوند وضع تربیه و اخلاق شان توجه شده سعی میشود به نیکو کاری متماایل شده و افراد سالمی در جامعه عرض وجود کنند .

یک منبع مجلس گفت : این رها یشگاه دارای مسجد ، درس خانه ، کتابخانه و اتاقهای رها یش میباشد .

ملاقات با بنابر وال کابل

یشاغلی تیودو دایلیوت سفیر کبیر ایالات متحده آمریکا در کابل ساعت یازده قبل از ظهر روز ۲۷ سنبله با دوکتور غلام سخی نووژاد بنابر وال کابل ملاقات نموده و ضمن آن یشاغلی و ابرت کارن معاون سفارت رابوی معرفی نمود .

نمایشگاه عکاسی و فلم جمهوری دیمو کراتیک مردم کور یاد ر کابل نداری دایر گردید

کابل روز ۲۴ سنبله : سفارت کبرای جمهوری دیمو کراتیک مردم کوریا عصر روز ۲۴ سنبله بمناسبت روز ملی آن کشور در تالار کابل ننداری نمایشگاه عکاسی و فلم رادایر نموده بود .

برای مشاهده ازین نمایشگاه معرفت بشفرفتهای جمهوری دیمو کراتیک مردم کوریا



گوشه یی از نما یشگاه عکاسی و فلم جمهوری دیمو کراتیک مردم کوریا در کابل ننداری .

۸ نفر در اثر چپه شدن مو تر هلاک ۱۶۰ نفر مجروح گردیده

و مجروحین ساعت یک شب توسط موظفین ترافیک به شفاخانه ملکی مزار شریف انتقال داده شدند .

یک منبع صحت عامه ولایت بلخ وضع صحنی مجروحین را قناعت بخش خوانده گفت : این حادثه کمک کرده است .

پروژه دوم اخذ قرضه از بانک جهانی ترتیب گردید

باساس هدایت دولت جمهوری پروژه دوم هیات در مدت اقامت خویش در افغانستان اخذ قرضه از بانک جهانی توسط بانک انگلشاف زراعتی ترتیب و به سلسله وزارت پلانیه بانک مذکور ارجاع گردید .

روی این تصمیم یک هیات بانک جهانی برای ارزیابی این پروژه چندی قبل وارد کابل شده و در زمینه بانک انگلشاف زراعتی مذاکراتی انجام داد و ضمناً از بعضی پروژه های زراعتی در ولایات دیدن کرد .

هیات بانک جهانی اخیراً از کابل عزیمت کرده

در اثر چپه شدن یک مو تر گاز ۲۳ سنبله در سړک و افخ بین پل امام بکری و مزار شریف هشت نفر هلاک و شانزده نفر مجروح گردیدند . یک منبع ترافیک ولایت بلخ گفت مو تر گاز نمبر ۱۳۲۱ مزار به دیووری محبوسان خان محمد ساکن ولایت وردک که از علاقه داری چارکت ولسوالی نهر شاهي چانپ مزار شریف در حرکت بود ساعت دوازده و نیم شب ۲۳ سنبله در حصه قریه هشت باغ دهادادی از سړک منحرف گردیده چپه شد که در اثر آن هشت نفر هلاک و شانزده نفر مجروح گردید .

ترافیک بلخ هلاک شدگان را چنین معرفی نمود :

شمس الدین ولد شیرعلی ، نورعلی ولد محمد علی ، میزاعلی ولد حیدر عزیز مراد ولد صاحب نظر ، عبدالعزیز ولد محمد ا حسین ، علی نظر ولد عیسی بای ، ابر شاه ولد کدای ساکنان علاقه داری چارکت وراز محمد ولد ملا ابر ساکن ولسوالی سولگره منبع افزود اجساد هلاک شدگان به اقارب آنها سپرده شد

بین افغانستان و عراق در زمینه همکاری های فرهنگی و مطالعات تاریخی موافقه حاصل شد

بین انجمن افغانستان و جامعه تاریخی و باستان شناسی عراق در زمینه همکاری های فرهنگی و مطالعات تاریخی موافقه حاصل شد .

یک منبع ریاست نشریات و وثوق اطلاعات و کلتور ۲۶ سنبله گفت در نتیجه مذاکراتی که بین

دوایر فرهنگی آنوزاد و هیات دانشمندان عراقی طی اقامت در کابل صورت گرفت هر دو جانب بموافقه رسیدند تا مبادله نشریات و کتب فرهنگی و تاریخی ، رفست و آمد دانشمندان

مورخین ، تدویر کنفرانس های مشترک فرهنگی و تاریخی و تأیید موقف های یکدیگر در اجتماعات و کنفرانس های تاریخی درباره مسائل متذکره بین دولتن صورت بگیرد .

همچنین گفته شده تا مبادله مطالعات و تجارب علمی بین دو انجمن ، توجه مزید به مطالعات مربوط به میراث فرهنگی افغانستان و مطالعات ضروری دانشمندان هر دو جانب در زمینه تحقیق باید تا علایق عمیق تاریخی افغان هاب جهان عرب به همکاری دانشمندان دو کشور بصورت مستقیم مستحکم تر گردد .

منبع علاوه نمود : درین موافقه تذکر رفته ناهردو جانب آغاز همکاری در ساحات با

ستان شناسی و نیز مورد بررسی قرار داده و آغاز همکاری را درین ساحه بعیت جز همکاری در ساحات فرهنگی نشان داده اند .

منبع افزود جانب عراق برای آغاز فوری این همکاری از هیات مورخین و دانشمندان افغانی نیز دعوت نمود .

هیات مورخین عراق که بدعوت وزارت اطلاعات و کلتور بتاریخ هژدهم سنبله بکابل آمده بود دیروز عازم بغداد شد .

موافقتنامه تمدید کورسهای جاپانی عقد گردید

موافقتنامه مبنی بر تمدید کورس های لسان جاپانی روز ۲۳ سنبله بین پوهنتون کابل و سفارت کبرای جاپان در کابل عقد شد .

سال گذشته چنین موافقتنامه جهت تدویر و تدریس لسان جاپانی برای آنانی که کاملاً مبتدی بوده و یا قبلاً مطالعاتی درباره زبان جاپانی می دانستند امضا شده بود که اساس آن کورس دایر و یکده ازان فارغ شده اند .

بموجب این موافقتنامه که آنرا رئیس پوهنتون کابل و سفیر کبیر جاپان امضا کردند کورس های مشابهی امسال نیز دایر میشود و تا سال آینده ادامه می یابد .

کمپاین جمع آوری و خریداری پخته در هلمند آغاز گردید

رئیس عمومی هواایی ملکی و توریزم عازم کانادا شد

دستگاه تیل کشی موسسه برای يك سال به ظرفیت نهایی خود فعالیت خواهد کرد. والی هلمند و رئیس عمومی انکشاف وادی هلمند واری غنای درین موسم هر گونه همکاری ولایت و ریاست انکشاف وادی هلمند را در فراهم آوری تسهیلات در خریداری و جمع آوری پخته به موسسه مذکور ابواب نمودند.

نباتی هلمند طی این مراسم گفت توقع میرود امسال در حدود بیست و دو هزار تن پخته دانه دار از ولایات هلمند، فراه و کندهار جمع آوری گردد که این مقدار با مقایسه سال قبل صد فیصد زیاد میباشد. وی گفت از مقدار پخته حاصل امسال در حدود پانزده هزار تن پخته دانه بدست خواهد آمد که پس از وضع پخته دانه بدری بازم نمودند.

کمپاین جمع آوری و خریداری پخته و فعالیت دستگاه جلاچی و عدل بندی موسسه پخته و روغن نباتی هلمند آغاز گردید. در مراسم آغاز کمپاین پوهاند فضل ربی پژواک والی نیاغلی محمد ناصر کشاورز رئیس عمومی انکشاف وادی هلمند و ارغنداب روسای دوایر مرکزی ولایت هلمند حاضر بودند. نیاغلی حفظ الله رئیس موسسه پخته و روغن

ملاقات تعارفی

نیاغلی سلطان محمود غازی رئیس عمومی هواایی ملکی و توریزم که در راس يك هیات به نمایندگی از حکومت جمهوری افغان نستان در بیست و یکمین جلسات موسسه هوا نوردی بین المللی اشتراک میکند صبح روز ۲۱ سنبله عازم کانادا شد. قرار است این جلسات با اشتراک نمایندگان کشور های عضو از تاریخ دوم میژان در مانتر یال دایر و در آن موضوعات مختلف هوا نوردی جهان مطرح شود.

نیاغلی غازی که ریاست هیات مدیره داریانا افغان هواایی شرکت رائیضه دارد قبل از آغاز جلسات موسسه هوا نوردی بین المللی در راس يك هیات آن موسسه در جلسات سالانه اتحادیه بین المللی حمل و نقل هواایی که آنهم در کانادا دایر میگردد سهیم خواهد گرفت. اعضای هیات هواایی ملکی و توریزم و آریانا افغان هواایی شرکت بعدا عازم کانادا میشوند.

۱۳ میلیون افغانی به زار عان لبلبو تقاوی داده شده است

کود و تخم بدسترس زار عان گذاشته شده است. منبع اضافه کرد طبق قرار داد یک هزار علف عقد شده امسال بیست و دو هزار و چار صد جریب زمین لبلبو بذر گردیده است.

صندوق وجهی بین المللی روز ۳۰ سنبله عازم واشنگتن گردید. هیات افغانی تحت ریاست نیاغلی عبدالله ملکیار سفیر کبیر دولت جمهوری افغانستان در امریکا در جلسات منعقد اشتراک خواهند کرد.

برای انکشاف زرع لبلبو شرکت کنند بفلان بیش از سی هزاره ملیون افغانی به زار عان لبلبو طور تقاوی داده نموده است. یک منبع آن شرکت گفت همچنان مقدار کافی

هیات افغانی در جاسات سالیانه بانک جهانی اشتراک مینماید

یک هیات مشتمل از نیاغلی فضل الحق خالقیار مین وزارت مالیه، نیاغلی محمد حکیم کفیل دافغانستان بانک، نیاغلی زیور گل رئیس خزائن و زوات مالیه و نیاغلی فیض محمد مدیر عمومی تدقیق و مطالعات دافغانستان بانک غرض اشتراک در جلسات سالیانه بانک جهانی و

هیات ارزیابی یونسکو با وزیر معارف ملاقات نمود

هیات ارزیابی یونسکو که به مقصد بازدید پروژه های یونسکو در افغان نستان و مطالعه امکانات مساعدت های مزید آن موسسه با وزارت معارف به کابل آمده است صبح روز ۳۰ سنبله بادوکتور نعمت الله پژواک وزیر معارف ملاقات نمود.

هیات طی این ملاقات در حالیکه نیاغلی بوورتیک آمراداره پروگرام انکشافی ملل متحد در افغان نستان نیز حاضر بود با وزیر معارف پیرامون موضوعات مورد علاقه صحبت کرد.

نیاغلی رضا معتمدی عازم کشورش گردید

نیاغلی رضا معتمدی رئیس گمرکات شرق ایران که چندی قبل بکابل آمده بود صبح روز ۲۱ سنبله عازم کشورش شد. نیاغلی معتمدی در مدت اقامتش در کابل با مقامات افغانی ملاقات نموده و در موضوعات مورد علاقه مذاکراتی انجام داده است. در میدان هواایی بین المللی کابل دکتر محمد اکبر عمر رئیس عمومی اتاقهای تجارت و صنایع با وی وداع کرد.

مدیر سیاسی در وزارت امور خارجه ایران وارد کابل شد

نیاغلی صادق صدریه مدیر سیاسی در وزارت امور خارجه ایران روز ۲۱ سنبله برای باز دید مختصری وارد کابل گردید. در میدان هواایی بین المللی کابل نیاغلی میر شمس الدین مدیر شعبه سوم سیاسی وزارت امور خارجه از وی استقبال نمود.

س - میدانیم که پاکستان قوای خود را متمرکز نموده و آنرا انکار نمیکنند. ج - خوب شد که باین تصدیق شما به جهانیان معلوم گردید در حالیکه چندی قبل نیاغلی بو تو افغانستان و هند را به امر گز قوا پرداخته و قرار گرفته شما انکار می کنید. س - نظر شما چیست اگر در روزها مه خود بخت درشت بتویسم که در صورت اجرای اولتیماتوم در بلوچستان شما با پاکستان مقابله خواهید کرد؟

ج - ما نمیتوانیم در مقابل این اعمال بی تفاوت بایمانیم. س - بانکرکز قوای افغانستان و پاکستان در سرحدات دو کشور من آنرا جنگ تعبیر میکنم؟ ج - تمرکز قوا از طرف افغانستان قطعاً صورت نگرفته است ماجرت آنرا داریم تا از شما دعوت کنیم و تسهیلات لازم را فراهم آوریم که به مناطق مربوطه رفته به حیث یک روزنامه نگار آزاد آنجا را ببینید، چه بهتر که عین مشاهدات داور آنطرف سرحد نام نهاد این بنیادین و مقایسه نمایند که کدام کشور در ترتیبات خاص عسکری گرفته است.

افغانستان می خواهد که پاکستان...

مخصوصاً بعد از تشکیل پاکستان تبارز نمود اما وضع موجود یعنی مبارزه مسلحانه چهار پنج ماه قبل از انقلاب در افغانستان و قتی که حکومت اکثریت در بلوچستان و پشتو نستان بصورت غیر قانونی لغو گردید و رهبران بلوچ محبوس گردیدند آغاز یافت. نظریه مظالم پاکستان مخصوصاً در بلوچستان نام از بلوچ برده شده است.

سر نوشت ملیونها برادر پشتون و بلوچ خود بی تفاوت بماند. س - ناجائیکه بیاد دارم قبل از انقلاب از مساله بلوچ تذکری بعمل نمی آمد و نیاغلی محمد داؤد آنرا در کنفرانس مطبوعاتی خویش یاد نمودند. ج - برخلاف مبارزه آزادی خواهی بلوچها از خود کار بیخود قوالاتی دارد که از سالتها و

ژوندون

شنبه ۶ میزان مطابق ۱۲ رمضان المبارک برابر ۲۸ سپتمبر ۱۹۷۴

پلانیهای شهری

بمطور فرا هم ساختن تسمیلات بیشتر مردم در ساحات مختلف حیاتی، دولت جمهوری افغانستان پروگرامهای مفیدی روی دست گرفته است که تطبیق آن یکی بعد دیگر جریان دارد.

در جمله اقدامات مفید دولت در جهت رفاه و آسایش بیشتر مردم یکی هم پلانیهای شهری است که بعد از غور و تجدید نظر در مرکز ولایات کشور تحت تطبیق قرار گرفته است.

پیشرفت های اقتصادی یک کشور بستگی به زحمات و پشت کار مردم آن دارد چه، یک مملکت هر قدر مبالغ طبیعی زیاد داشته باشد باز هم احتیاج به مردم داند. زان در جهت انکشاف و پیشرفت هر چه بیشتر مملکت شان استغاده نمایند. از ینرو بزرگترین ثروت ملی یک کشور مردم آنست و اینها باید طوری تجهیز گردند تا بتوانند مصدر خدمات شا یسته ای به کشور خود گردند البته این اقدام مستلزم یک سلسله شرایط است که باید دولت آنرا تامین نماید.

در قدم اول دولت باید با تدسیسات لازمه برای ایجاد یک زندگی مرفه مردم در شهر ستانها که مراکز عمده تجمع افراد را تشکیل میدهد فراهم سازد. روی این اصل باید پلانیهای منظم شهری روی دست گرفته شود. پلانیهای شهری باید در تمام پهلوهای زندگی مطابق شرایط زمان جوابگوی احتیاجات و خواسته های مردم باشد.

در طرح پلانیهای شهری باید توجه جدی جهت تاسیس جا ده ها، پیاده روها، کانا لیزاسیون ها، شبکه های آب رسانی، تلفون، برق و غیره احتیاجات اولیه مردم مینول گردد. همچنان در طرح چنین پلانیها باید سیستم پستی و ترانسپورتیشن بصورت صحیح در نظر گرفته شود.

خوشبختانه در کشور عزیز ما باروی کار آمدن نظام نوین ما نند سایر اصلاحات بنیادی طرح و تطبیق پلانیهای شهری نیز توجه جدی دولت را بخود جلب کرده و به تاسی از اوشا دات رئیس دولت و صدر اعظم که میفرمایند: «دولت امور شهر سازی را در کشور اصلاح و بخصوص پلان بیست و پنج ساله تجدید ساختن ختمان شهر کابل را تطبیق خواهد نمود.» در مرحله اول پلان بیست و پنج ساله شهر کابل بعد از غور و مطالعه مزید تحت تطبیق قرار گرفته است. همچنان پلانیهای شهری ولایات کشور بهر ترتیب در بوط آن جهت تطبیق فرستاده شد.

گرچه پلان شهر کابل سا لهابل طرح و تحت اجرا قرار گرفته بود اما بد بختانه امور عمرانی شهر خود سرانه و بدون در نظر داشت پلان طرح شده صورت می گرفت در نتیجه بی نظمی و پراگندگی در پلانیهای سا ختمانی شهر کابل رونما گردید.

یقین کامل داریم بعد از ین امور سا ختمانی شهر کابل و دیگر شهر ستانها با اساس پلانیهای طرح شده نظام جمهوریت بر دسی خواهد شد.

صفحه ۸

مطالب عمده ایر شمس



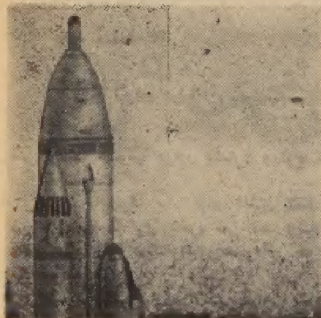
جرگه های صلح يك قدم مثبت
درواه خدمت به مردم.



کانا لیزا سیون برای رفع مواد
و آبهای فاضله فابریکه بوت آهو
بکار انداخته شد.



اسرار اطفال اختطاف شده



ساختن طیاره هوائی کیهان نیک
اقدام...



قسمت سوم

ع : هبا

ارزشهای جهانی اسلام

تعالی دارد لکن حق اقارب خویشاوندان نسبت به دیگران بیشتر و مقدم تر است . همچنان در آیات مبارکه که تذکر رفت از سه چیز دیگر نیز که عبارت از فحشا، کارهای ناپسند و نامعقول و سرکشی و تجاوز از حد لازم و معین است .

تحقیق ازین قرار است که در وجود انسان سه قوه سه نیرو موجود است که هرگاه هر کدام آنها موقع و بیجا مورد استعمال قرار داده شود همه خرابیها و ناپسامانی هارا بدنبال خواهد کشید، این قوه سه گانه عبارت انداز قوه بهیمی شهوانی قوه وهمی شیطانی و قوه غضبی

سیفی . بطور اغلب، منظور از کلمه فحشاء آن نوع سخنان بی حیائی است که بالاخره نتیجه آن ها با فراط شهوت و بهیست مرتبط شود و مقصد از کلمه ناپسند و نامعقول ، آنگونه کردار هائی میباشد که فطرت سلیم و عقل صحیح آنرا نپذیرد و مراد از کلمه (بی) کهما آن را به معنی تجاوز و سر کشی ترجمه کردیم آن است که بیجا و بنا حق برخاستن خون ها و تجاوز بر جریم جان و آبرو و ناموس دیگران ، اقدام و مبارزه تهمی بعمل آید و تا آنکه انسان این سه قوه را تحت تسلط و اراده خود در نیابد و آن ها را مقهور و محکوم خویش نسازد ، نخواهد توانست يك موجود به تمام معنی رسیده و مهذب باشد .

شخصی موسوم به (اکثم بن صیفی) وقتی این آیات کریمه را شنیده بود به قومش گفت : «من می بینم که این پیامبر «ص» اجرای تمام اخلاق ستوده و پسندیده را بر مردم امر میکند و از بقیه در صفت ۵۹

احسان این است که انسان مصدر هر گونه نیکی و خوبی گردیده خیر خواه دیگران باشد ، از مقام عدل و انصاف قدری بلند تر شد . به فضل و عفو و لطف و نرحم متخلق گردد و متیقن باشد که خداوند (ج) اعمال او را می بیند و پا داشتن را میدهد .

این هر دو خصلت یعنی عدل و احسان یا بعباره دیگر انصاف و مروت بانفس خود و پا هر يك از خود و بیگانه دوست و دشمن

اعمال ، اخلاقیات ، معاملات و غیره در ترازوی اعتدال و انصاف باید وزن شود و در اثر افراط و تفریط نباید هیچ يك به و کفه ترازو پائین و یا بلند رود و حتی اگر شخصی با سخت ترین دشمن هم معامله ای در میان گذارد باید با عدل و انصاف را به هیچ صورت از دست ندهد .

انسان باید سعی ورزد تا ظاهر و باطنش یکسان و همانند باشد و هر چه برای خودش نپسندد برای برادر خود نیز پسند نکند .

و واقعیت پسندی های اسلام را آنطوریکه هست و تشخیص بدهد تا زمینه استعداد از هنمایی ها و تعالیم قرآنی در شئون مختلف زندگی برایش میسر گردد .

اسلام در همین مورد میفرماید : **(وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ)** یعنی قرآن کریم همه چیز را بصورت واضح و روشن بیان کرده و برای تمام علوم و اصول دین و نجات انسان در گیر و دار هر دو جهان ، هدایتی است کافی که انسان را در تمام امور و مواد ضروری بطور کامل راهنمایی میکند .

گفتم اسلام همانطوریکه انسان را خلیفه روی زمین می شناسد و او را در پیشبرد این بار سنگینی و این مسئولیت نهایت سترگ پا خودش تنها نمیگذارد بلکه قدم به قدم چراغی از احکام و ارشادات حیاتی خود را در راهش می افروزد تا او در فروغ آن چراغ ، راه خویش را در اعمار يك دنیای سعادت بار ، دنیا ئیکه خوشبختی از دو - دیوارش سر بکشد ، بیاید و موفقانه به پیش رود ، از ینرو میفرماید : **«ان الله يامرکم بالعدل والا حسان و... ينهی عن الفحشاء والمنکر و... وافرأ بعبدالله ... و لاتنقضوا الایمان الله یعلم ما تفعلون و لاتکونوا اکاثلی نقضت غزلها ...»**

قرآن کریم ضمن این آیات متذکره راه انسان را در طریق تامین يك حیات آبرو مندو شایسته نام انسانیت و کرامت بشری ، روشن ساخته سه چیز را بصورت عمده مورد بحث و یاد آوری قرار میدهد که عبارتست از عدل ، احسان و پرداخت به اقارب و خویشاوندان . منظور عدل این است که کلیه عقاید

شخصیت های بزرگ اسلامی را معرفی میکند

عبد الرحیم (عینی)

حضرت عفر اء بنت وهب (رض)

عسرا بنت عبید بن تعلبه (رضی) که از زنان فداکار و اصحاب با ایمان رسول خدا (ج) بهشتی بیاید بیشتر شهرت این زن با ایمان در قسمت جهاد و مبارزه و تقدیم فرزندان فداکار در راه اسلام است .

این زن پاک طینت از زنان صدر اسلام بشمار آمده از تربیت یافته گان مدرسه محمدی (ص) میباشد که مردان و قهرمانان نامی را در جهان اسلام تربیه و تقدیم کرده است . تاریخ احوال چنان قهرمانان را بوی نسبت داده بدینوسله فخر و شرف عسرا بنت عبید بن تعلبه را از قبیله بنی نجار است می افزاید

این زن در زندگی خود دو ازدواج کرده از شوهر اولی اش حادث بن رفاعه بن مالک بن غنم که از قبیله خودی است سه فرزند را که عبارت از عوف و معاذ و معوز باشد بیادگار گذاشت عسرت اینکه هرگاه اگر نام یکی از آنها در کتب تاریخ و سیر وارد شود معروف به ابن عسرا میشود شوهر دیگرش بکربن عبیدیا لیل چارو فرزند عبارت از خالد اساس ، عاقل و عامر بود دو جامعه تقدیم نمود

در بعضی از روایات و وارد است که این زن با همت تمامی هفت فرزندان را تقدیم جهاد نموده است که معاذ و معوز و عاقل در روز جنگ بدرجه شهادت نایل شدند .

عوف بن عسرا و یکی از شش تن کسانی از اهل مدینه است که با پیغمبر اسلام (ص) در

با قیاد

سفید پوستان اقلیت متمرّد در برابر استقلال موزمبیق مشکلات ایجاد میکند

بررسی مسائل روز

بعد از اعلام شناسائی حق آزادی متصرفات افریقایی پرتگال از طرف جنرال دی سِنولا رئیس دولت پرتگال و بعد از آنکه مواحل استقلال گیتی بیساو و جزایر کیپ وردی توسط رهبران گیتی بیساو و مقامات مربوطه پرتگال تکمیل گردید، سومین قدم در کار انجام استقلال متصرفات مذکور حل معضلات موزمبیق و تهیه مقدمات استقلال این سرزمین بوده است، چنانچه مقامات مربوطه پرتگالی و رهبران نهضت فریلیمو برای در ماه دیرین زمینه مذاکراتی انجام دادند و زمانی هم مذاکرات شان متوقف گردید تا آنکه ماریو سوارش وزیر خارجه پرتگال و سامورامیشل رهبر نهضت فریلیمو موزمبیق در لوساکا مذاکرات شانرا در مورد فراهم آوری مقدمات آزادی موزمبیق آغاز نمودند، آنها بعد از دو روز بحث و مذاکره درین مورد پروژ شنبه ۱۶ اسد مطابق هفتم سپتامبر به موافقت کامل نایل آمدند و موافقتنامه مربوط بین وزیر خارجه پرتگال و رهبر نهضت فریلیمو در حالیکه رئیس جمهور زمبیا از محفل آنها ریاست میکرد امضاء کردند. باید ست آمدن استقلال موزمبیق به شکل رسمی آن زمام امور آن کشور بدست نهضت فریلیمو خواهد بود ولی قبل از رسمی شدن استقلال فعلا ایجاب میکند که یک حکومت موقتی تشکیل شود تا شرایط را برای استقلال آن سرزمین مهیا گرداند. مبصرین عقیده دارند با وجود آنکه سامورامیشل مذاکرات را با مقامات پرتگالی دنبال میکند و با آنکه رهبر نهضت فریلیمو میبایست در رأس حکومت موقتی قرار نخواهد گرفت بلکه خود را برای انتخابات بعد از استقلال آماده می سازد و طوریکه گفته میشود بطور یقین وی نخستین رئیس جمهور موزمبیق خواهد شد

صفحه ۹۰

میشل چهل و یک سال دارد و در سال ۱۹۶۳ به نهضت فریلیمو داخل شد موصوف در ۲۵ سپتامبر ۱۹۶۴ به رهبری نهضت مذکور نخستین حمله را بر مقامات پرتگالی موزمبیق انجام داد. بهر حال طوریکه در موافقتنامه لوساکا گفته شده است حکومت موقتی موزمبیق تحت ریاست یک عضو فریلیمو یا داشتن نه وزیر تشکیل میشود از جمله وزرای مذکور شش نفر از نهضت فریلیمو بوده و سه دیگر آن پرتگالی خواهند بود پست های وزارت خارجه و دفاع را صدراعظم عهده خواهد داشت. غالبا وظیفه ریاست حکومت انتقالی را چیسائو، سکرتر دفاع و امنیت فریلیمو، بدوش خواهد داشت. مطابق موافقتنامه لوساکا آزادی موزمبیق بصورت رسمی در ماه جون ۱۹۷۵ از طرف پرتگال اعلام خواهد شد که این درست هنگام سیزدهمین سالگرد نهضت فریلیمو میباشد. به تعقیب آزادی موزمبیق نو بت به استقلال انگولا میرسد و با آزاد شدن این متصرفه دامن تسلط پنجمین ساله پرتگال از سرزمین افریقا برچیده میشود. پرتگالی ها برای نخستین بار در سال ۱۴۴۶ در محلی که اکنون به نام گیتی بیساو یاد میشود پیاده شدند و بعدا در آغاز قرن شانزدهم ساحه های را که فعلا به نام موزمبیق یاد میشود تصرف نمودند. حالا بر میگردیم باین موضوع که آیا موافقتنامه لوساکا به همین سادگی که بین ماریو سوارش و سامورامیشل با امضاء رسید به همین آسانی تطبیق میشود؟ شاید باین سوال جواب مثبت زمانی داده شده میتواندست که مسایل موزمبیق

تنها به سیاه پوستان آن سامان تعلق میداشت و علاوه بر این موضوع مورد دلچسپی رژیم های نژادپرست افریقای جنوبی و رو دیشیا نمی بود، در حالیکه امروز عملا مشا هده میشود دو صد و پنجاه هزار نفر سفید پوست در نقاط مختلف موزمبیق سکونت دارند سفید پوستهای اقلیت تنها در دو شهر موزمبیق به نام لورنزو مار کس و ویرا یکصد هزار نفوس دارد و درین دو شهر سرزمین و جا معای از خود تشکیل داده اند که غیر از سایر سرزمینهای موزمبیق میباشد. در حقیقت از جمله نه ملیون نفوس مجموعی موزمبیق، محض سه فیصد آن سفید پوست است. ولی هفتاد و پنج فیصد نفوس لورنزو و مارکس و ویرا را سفید پوستان تشکیل میدهد. مساله از یتقرار است که این سفید پوستها که سالها بر سیاه پوستان حکم رانده اند کمتر از سی خواهند بود زمام امور را نهضت فریلیمو به عهده بگیرد، چنانچه این امر بوضاحت ثابت شد چه هنگامی که موافقتنامه لوساکا با امضاء رسید یک اقلیت مر تجع و متمرّد سفید پوستان در برابر آن اجتماعات نموده مرکز رادیو را در لورنزو مار کس بدست گرفتند و برین موافقتنامه اعتراض کردند. در برابر این اعتراضات و این نوع کار شکنی پرتگال از همه اولتر وظیفه دارد تا آنها فرو نشاند و مراحل استقلال آن سرزمین را تکمیل نماید البته نهضت فریلیمو خود هم آرام نخواهد نشست و طوریکه مبصرین معتقد اند مبارزات این نهضت را که قتل و قتل عساکر - پرتگالی نتوانست خاموش سازد سفید پوستها هرگز نخواهند توانست

بقیه در صفحه ۵۶

ژوندون

هفت مندان خالص

آن مارگریت

آن مارگریت ستاره مشهور هالیوود که هم اکنون ۳۳ سال دارد مصروف تهیه یک فیلم در اوپرا (نامی) لندن است (آن) که درین فلم نقش یک

رقاصه را در نایت کلب به عهده دارد

در کارش، فوق العاده موفق است.

مارگریت در یکی از مصاحبه

هایش گفته است: من بخاطر بهتر

زندگی کردن به هنر سینما روی

آورده‌ام، از پیرومن هم بر هنرم و هم

به پول که جز خوشبختی است

سخت علاقمندم.

من خودم را وقتی موفق میدانم که

تماشا چنان زیادی در فیلم که من بازی

کرده‌ام ببینند. و من برای این ابتکار

یعنی موفقیت در کار هنر پیشگی

تلاش زیاد بخر چ میدهم.



بیتل‌ها

نیرومندی‌اند

همانطور یک در عکس مشاهده

میکنید (پال میک کارتنی) یکی از

بیتل‌ها خانش را بر دوش کشیده

پال با این رُست بخاطری مقابل کمره

عکاسی ظاهر شده که مردم فکر

میکردند بیتل‌ها توانایی بر داشتن

اشیای سنگین را از زمین ندارند،

زیرا آنها ظاهر لاغر و مردنی به

نظر میرسند. او هنگامیکه این

عکس را بر میداشت گفت: شاید نیرومندی بوده اند.



دو چهره جدید هنری

همچنان رحیم مهریار از جمله

چهره های تازه هنری است که در

یک مدت زمانی کوتاه کار های پر-

گویی در راه موسیقی انجام داده و

در حدود دوازده پارچه از او در

آرشیف موسیقی رادیو افغانستان

ثبت است. وقتی رحیم مهریار اولین

آهنگش را به این مطلع «میروم من با

دل پر درد خود جانب آن دلبری دهم

خود» از طریق رادیو پخش کردمورد

تشویق زیاد هنر دوستان قرار گرفت

و این انگیزه ی بود که آقای مهریار

به آواز خوانی ادامه دهد.

رحیم مهریار میگوید: از طفولیت

به هنر موسیقی علاقمند بودم و این

ذوق هنگام درمن پرورش یافت که

اولین آهنگم از رادیو پخش شد.

آواز رسا و مردانه ای بناگذاری مهریار

باطنین گرم که در آوازش وجود دارد

و به گفته خودش، علاقه به هنر

موسیقی، همه انگیزه های است که

او در آینده در ردیف آواز خوانان

خوب قرار بگیرد.

آمریت موسیقی وزارت اطلاعات

و کلتور پیوسته تلاش می ورزد، در

راه انکشاف موسیقی کارهای ارزش

مندی انجام داده تا با جالب چهره های

جدید هنری خدمتی در راه هنر

موسیقی به نمر برساند از این قرار

آمریت موسیقی برای شگوفان ساختن

استعداد های جوان همیشه کوشان



احمد مرید

است.

احمد مرید از جمله چهره های

جدید است که در عرصه یکسال سه

آهنگ جدید سروده که از برای

امواج رادیو افغانستان نشر شده

است. احمد مرید فعلا با گروه

اماغوران آمریت موسیقی همکاری

دارد. آواز گرم و گیرای این جوان

که علاقمندی فراوان به هنر موسیقی

دارد بازگوگر استعداد سرشار

هنری اوست که اگر به همین منوال

ادامه یابد آینده خوب و موفقیت

آمیزی برایش پیش بینی میشود.



رحیم مهریار

جرگه‌های

مثبت در راه

گفتگو از عزیز احمد (ادوم)

با شرکت :

نباغلی مولانا عنایت الله ابلاغ عضو شورای عالی قضا .

نباغلی محمد اسمعیل قاسم یاور رئیس تدقیق و مطالعات قضا .

نباغلی غلام نبی رئیس محکمه ولایت کابل .

نباغلی حاجی عنایت الله عضو جرگه صلح از خاک چهار ولسوالی

بگرامی .

نباغلی محمد سرور عضو جرگه صلح از ولسوالی شکر دله .

از اساسات اسلام و شرایط کنونی مردم ما امور حیاتی ملت افغان را تنظیم می نماید با پیروی از این دواصل جرگه های صلح که با موازین اسلامی توافق کامل دارد بنیان گذاری شده است

اسلام دینست که همه را به برادری و برابری دعوت می کند و صلح و سلم را میان آنها توصیه می دارد وقتی یک موضوع در جرگه های صلح یعنی در میان مردم توسط خود آنها بدون مداخله قوه قضا ئیه آنطوریکه آرزوی طرفین دعواست حل و فصل می گردد حل مساله کدورت های ناشی از آن دعوا رانیز باخود از بین برده و مخاصمت ها را زایل و نابود خواهد کرد و در آینده زمینه بروز کدام اختلاف دیگری منشاء اصلی اش همین مساله حل شده باشد مهیا نشده و دوستی و صمیمیت میان آنها حکمفرما و دو روابط آنها انکشاف به عمل خواهد آمد. در حالیکه اگر موضوع توسط دستگاه عدلی نظریه علم قاضی که جزع احکام قانون چیز دیگری نزدش مدار اعتبار نیست موضوع حل گردد.

نسب به حل مساله پرداخته شده و کدورت های ناشی از آن نه تنها کاهش نمی یابد بلکه امکانات از دیاد آن نیز منسور است .

از نگاه عرف و عادت جرگه های صلح را میتوان موافق به خواسته مردم یامت و مردمان

بهترین راه جهت رفع مخاصمت میان مردم پشتیبانی و برای روشن ساختن بهتر موضوع عدل از شخصیت هارا دعوت کرد تا پیرامون جرگه های صلح مطالب دلچسپ برای خوانندگان ارجمند خود تهیه داد و از شامان خواهش برده شد تا در اطراف گفتار رهبر انقلاب افغانستان که در بیانیه اولین سالگرد جمهوری دوی موضوع تاسیس جرگه های صلح اشاره فرموده و آنرا پیروی از سنن اسلامی و افغانی ان داشتند توضیحاتی مفصل ارائه دارند و بنمایند که بطور و چگونه میان این جرگه ها، سنن و معتنات مذهب و رسوم مردمان ما با این جرگه ها وجه مشترک وجود دارد؟ اینک اظهارات اشتراک کنندگان میزبان

ژوندون را که به این مناسبت دایر شده بود

ما می خوانندگان عزیز می کنیم
بعد از توضیحات خبر نگار مجله پیرامون اهداف ژوندون مبنی بر تدویر این میزبان مولانا ابلاغ عضو شورای عالی قضائیه سخن گوی ، مجلس همان روز چنین به گفتار خویش آغاز کرد:

جرگه های صلح اساسا از تجارب و مردم شناسی رهبر ملی ما که در خطابه شام ۲۵ سرطان همین سال شان از آن تذکر وقت نشأت کرده السلام و اقدام نمودند

جمهوریست افغانستان با استفاده

بر آرزو های دیرین مردم افغانستان بطیسم وی پی میگرد و واضعاً جواب گوی خواسته های دیرین مردم این مرز و بوم میباشد.

جرگه های صلح نیز از همین نوع طرح هاست تا هم نیروی ملی دران بکار رود و هم مردم از سرگردانی رهایی یابند زیرا این یک واقعیت مسلم است که میگویند: وقتی عمل به خاطر رفاه مردم و آسودگی احوال آن ها انجام پذیرد از مردم باید استمداد جست و برای حل پرابلم های شان خودشانرا باید دعوت کرد .

ژوندون این عمل نیک و بسی خواهانه دولت جمهوری را مبنی بر تاسیس جرگه های صلح با مزایا اش استقبال نموده و آنرا به حیث

یکی از اقدامات نیک و جالب توجه دولت جمهوری جوان ما که هدفی جز تأمین رفاه مردم و از بین بردن مشکلات شان ندارد تاسیس جرگه های صلح است که بمنظور رفع مخاصمت میان مردم تاسیس و بصورت انتخابی دایر و ولسوالی مربوط ولایت کابل بکار آغاز

سوده است .
در گذشته مخاصمت میان مردم که میتوانست در خارج محاکم قضائی و بوسیله خود مردم حل و فصل گردد روبرو نابین و کراسی و استفاده جویی میگردد و اختلافاتی که میشد در یگروز حل و فصل گردد ماه ها طول میکشید و طرفین مخالف را دعوا ، متحمل ضررهای مادی و معنوی میگرددند. ولی پروگرام های دولت جمهوری که مبنی



اشتراک کننده مان هریک از چگونگی جرگه های صلح به خبر نگار مجله توضیحات میدهند

صلح يک قدم خدمت بمردم

يک تربيت سالم ، مهارت و غيره را ميتوان در آن يافت و از همه هميشه شرايط را که براي اين نوع جرايم نظريه شرايط زماني براي مجرمين پيدا شده بود در صدر همه ميتوان قرار داد.

اورمي:

- مقدمه زيبايي بود پيرامون اين موضوع که جرم چرا بوجود مي آيد و علت مجرم شدن چيست و بالاخره جامعه امروزي افغانستان بيشتر با چه نوع لجرم و مجرم دست و گريبان است کنون از حضرات محترم خواهش ميکنيم برگردند بر اصل موضوع و به جواب اينکه چطور زمينه تاسيس اين چرگه ها (چرگه هاي صلح) بوجود

آيد؟

فاسميار:

- همانطور که گفته آمد جمهوريت جوان افغان نستان خودروي اهدافي حرکت مي کند که در آن منافع مردم صادقانه و صميمانه بوده و منظور خدمت با کثريت مردم راه هاي بايد جستجو گردد که مشکلات مردم را کاهش داند و انبساط راه هاي راهمندي شود که مفاد اقتصادي و اجتماعي از آن متصور باشد و از نيروي انساني که سالها راه محکمه را گرفته و روزها را در دروازه محاکمه سپري ميگردد به دامن درامزادگان و بيشتر شدن توليد کلي کشور به مصرف برسانند هدف دوم تاسيس چرگه هاي صلح همانا مفکوره است که از بنيان شب نخستين سالگرد جمهوريت رهبر انقلاب مافروموده اند که... چرگه

ارمطول شدن محاکم و غيره بيش از سه دهه نهي ندارد در حالیکه بناغلي فاسميار فرمودند که فقر علت عمده جرم و بيروکراسي و افزايش ادارات محاکم علل آن است نهي دامن من به اشتباه رفتم يا چطور در حالیکه از عمر فزوني محاکم چندان زماني نهي گذرد علت عمده ديکري هم درين جا موجود است يا خير؟

مولانا ابلاغ:

- بطور خلاصه بايد گفت: که فقر و جيل توام است با جرايم ولي نتايج آن را نهي توان مسعوم گفت ويرا اگر در وقت فقر تربيت درست باشد که البته به عقيده اين جانب تربيت زيربناي همه چيز است.

نتيجه مثبت واکر در وقت غنا تربيت درست نباشد نتيجه منفي خواهد بود. مثلاً در بسياري از کشور ها وقتي توجه به تعليم و تربيت نشده اگر چه اقتصاد آنها رنگوروش بخود گرفته ولي نتيجه بيلر نياورده مثلاً جرايم را نتوانسته تخفيف بدهد.

فاسميار:

- موسسه قضا منحيث يک مو سسه بشري همانطور يکه تحول اجتماعي بالاي همه چيز اثر مي گذارد اين موسسه نيز ياديه ميگيرد که خود را بايد با اجتماع طوري توافق بدهد که همگام با پيشرفت جامعه باشد نه اينکه از آن به عقب ماند و يا مانع تحول و رشد جامعه شود و يا بيشتر از آن قدم گذارد که در هر دو صورت نتيجه

... چرگه هاي صلح به پيروي از سنن اسلامي و افغاني و منظور سپيم گردانيدن مردم در اجرائي عنا لست و اعمال حق به سويه محلي تاسيس گرديد. فعاليت هاي اين سا حه به صورت مختصر تدابير يست که براي بهتر ساختن اصول و روش هاي رسيدگي به اختلاف و دعاوي مردم و تنظيم حقوقي بهتر و عادلانه امور حياتي جامعه افغاني ا تغاذا گرديده است.

از بنيان بهر انقلاب در نخستين سالگرد ۲۶ سرطان

سرزمين ما هميشه صلح کردن ميان خود را نسبت به مراجعه به محاکم قضايي سر چيس داد و ا اين عمل را در عرف تمام احوام افغانستان در نقاط مختلف کشور ميتوان مشاهده کرد.

چرگه هاي صلح درين خطه يک ريشه تاريخي دارد.

وقتي يک جامعه متدین ميشود يابه سوي تمدن گام برميدارد با وجود آنکه آرزوها و نيات نيکي از آن در نزد مردم موجود است ، مشکلات و موازمي رانيز در راه زندگي بشر خلق مي کند وقتي تمدن به شکل محدود خود بود علايق معاملات و ارتباطات ميان مردم نيز کم و انگشت شمار مينمود از يک رويه قضايي نيز آنقدر ضرورت احساس نمي شد ولي با فزوني ارتباطات ميان مردم مسايل و اختلافات نيز متناسب به آن زياد شده و مشکلات را براي محاکم بوجود آورده که باعث بوجود آمدن محاکم زياد در هر نقطه از نقاط کشور گرديد.

فاسميار:

چرم با جامعه و جامعه با جرم يک ارتباط مستقيم دارد جامعه در آغوش خويش انسانها را ميپيرواند و اعمال نيک و بد آنها را بر دمي مي کند و آنچه را که جامعه ناپسند بشمارد جرمش ميخواند و در حقيقت جرم عبارت است از عمل مخالف منافع و دستور جامعه و مجرم در اصل تخلف از نظام جامعه را مرتکب گرديده و از طرف جامعه محکوم بجزا ميگردد.

درين جا هدف اختلافات است که زاده ارتباط ميان مردم در يک جامعه ميباشد که اکثراً جنبه هاي مالي دارد و از آن ناشي ميگردد.

افغانستان از دير زماني با بلاهاي چون فقر جبل و امراض دست و گريه بيان است که ميتوان عوا مل عمده جرم و اختلافات را در آن سراغ کرد که بشکل جزايي و حقوقی بروز کرده و مسايل عمده را به بار مي آورد درين جابلا هم بايد عوامل جرم و جستجو کرد که با اجتماع رابطه مستقيم دارد و خود يک پديده اجتماعي است که با تغير شکل دادن يک جامعه ناگزير آنهم شکل خود را دگرگون مي کند.

بيروکراسي خود عامل عمده بروز جرايم در يک ساحه اداره جامعه است که پديده تازه در دهه قبل انقلاب افغان نستان رويه افزايش گذاشت و با وج خود رسيد.

شماره ۲۶ و ۲۵



رئيس محکمه ولايت کابل: اگر چه در ظاهر امر تاسيس چرگه هاي صلح ، ناچيزي آمد ولي ديده شد که مفيد و موثر بود.



فاسميار: با انکشافات عيني و ذهني در جامعه افغانستان قضا نيز تطور گرده.



مولانا ابلاغ: فقر و جيل توام است با جرايم ولي نتايج آنها نهي توان مستقيم گفت

منفي خواهد بود از ينرو با انکشافات عيني و ذهني در جامعه افغان نستان قضايي تطور کرده به راهيکه اجتماع رفته خود نيز آنرا مسير خود قرار داده است.

رئيس محکمه ولايت کابل:

کرچه در وقت جرم و مجرم تانده ا زده بحث بعمل آمد ولي خاطر اينکه ا روشني بر اصل موضوع انداخته شود چند کلمه من نيز بعرض ميرسانم: اينکه چرا انسان مجرم بار مي آيد و يا جرمي را مرتکب مي شود (علمي ا ز ياد ي درين مورد مطالعات زيادي کرده اند که خلاصه نتايج آن چنين است وراثت - تاثير والدين بالاي طفل محيط مکتب - دين فقر و تمنن و شرايط فليسي از عوامل مختلفي است که مجرم مي سازد. مثلاً در ايالات متحده امريکا قرار يک احصايه در سال ۱۹۶۰ مجموع مجرمين در آن کشور سه چندين کسايي بود که در جنگ جهاني دوم اين کشور گشته داده است

فاسميار:

وقتي اين همه عوامل را در محيط خود مطالعه مي کنيم جرايم عليه اموال نسبت به اشخاص زياد تر و جرايم عليه علت نسبت به هر دو کمتر ديده ميشود.

انتقاس خيلي زياده مخصوصاً در دهه اخير خيلي فديده و سر سلام آور است.

هاي صلح به پيروي از سنن اسلامي و افغاني و منظور سپيم گردانيدن مردم در اجرائي عدالت و اختلافات حق به سويه محلي تاسيس گرديد... و وقتي به گفته پر معني بنا غلي رئيس دو لت و صدر اعظم عميق شو يم خود اهداف ملرا براي تاسيس چرگه هاي صلح بيان ميدارد و سبم گيري بيشتر و فعال مردم درين امر نيز هم بيشترين وسيله رفع اختلافات و سرگرداني هاي مردم هم در امر کاستن مشکلات محاکم رول عمده دارد که احتياج به بيان زياد آن نيست.

دويم کراسي واقعي و ديمو کراسي تقلبي هم بايد از هم تفکيک گردد که در ديمو کراسي هاي تقلبي جز نام و لفظ يک چندين کلمه روي کاغذ نميشود چيزي از آن در عمل يافتند حالیکه ديمو کراسي هاي واقعي اولاً دير آورده شدن اهداف خود را مردم استعداد ميگويد به مردم پناه ميبرد و در خدمت مردم ميباشد از جانب ديگر در اسر اتحاد و صاهنگي مردم ميگوشد و وسايل چندين و نفاق انگي را که هميشه ميان مردم و ورنگي را خلق ميکند ريشه کن مي کند که چرگه هاي صلح خود بکلي وسايل ريشه کن کردن همان گروه مسايل است که هميشه به نفع يک سده ملت خوار و به ضرر گروه هاي عظيم مردم ما استعمال گرديده است.

لطف و وق بؤني

صفحه ۱۲

• جرگه های صلح از تجارب و مردم شناسی رهبر ملی ما نشأت کرده.
• در افغانستان جرائم علیه اموال نسبت به اشخاص زیاد تر است.
پيرو کراسی با خواسته های شوم چند نفر مفتخوار در امر ایجاد
مشکلات و سرگردانی مردم درول عمده داشت.
• مردم امروز خود به جرگه های صلح مراجعه میکنند تا دعوای خود
را ازین طریق حل و فصل نمایند.



مجلس با مقدمه فصل و شیوا آغاز یافت

بسی نمایندگان بلکه عندالضرورت نظریه احتیاج
مجلس ترتیب و بعد از حل موضوع مجلس
حتم می شود.
راجع به اینکه موضوعات بطور به جرگه ها
رجعت می یابد. بنو صورت است یکی آنکه
قاضی موضوع را در جرگه های صلح تفویض
می کند تا راه حل را در آن پیدا نماید و قسم
دوم آن مراجعه یکی از طرفین یا هر دو طرف
دعواست که باز هم جرگه ها جلسه خود را در
و مسله راحل و فصل می کنند.



حاجی غنایت الله: ما از سابق مثل همین
جرگه ها داشتیم ولی از دست مفت خورها
کاری گرفته نمی توانستیم.



محمد سرور: علت عمده اینکه مردم به این
جرگه ها علاقمند شده اند یکی هم نبودن
قریه دارهاست.

زوتون

جرگه های صلح چون از میان مردم
اعضای خود را برمیگزینند که مورد اعتماد آنها
باشد خود نمایندگی از آن می کنند که از میان
مردم برخاسته و در خدمت مردم قرار دارد.
با پیروی از اهداف ملی و مرفقی حکومت جمهوری
و با تطبیق سالم جرگه های صلح:
• سرگردانی مردم را رهایی یافته به کارهای
تولیدی دست می یابند.
• اصل عمده برادری و برابری را تحکیم و
تعمیم میدهد.
• از کارهای محاکم کاسته شده و دقت و سرعت
عمل در آن بوجود می آید.
• چون اعضای هر جرگه از طرفین دعوا بخوبی
خبردارند لذا دعوات بصورت واقعی تأمین شده
متواند.
• اوزم:

• یشاغلی رئیس محکمه ولایت کابل:
چون برای اولین بار جرگه های صلح در دولسوالی
مربوط ولایت کابل تأسیس شد لطفاً اگر در مورد
اجراء آن کلو و طرز علاقه مردم و قضات محترم را
درین مورد توضیح دارید.

یشاغلی رئیس محکمه ولایت کابل:
• اگرچه در ظاهر امر تأسیس جرگه ها خیلی
ناچیز به نظر می آید ولی دیده شد که نتایج مفید
و مؤثری با تأسیس جرگه ها در دولسوالی یکی
شکر دره و دیگرش بگرامی بود بدست آمد
آنچه در اول حتی تصور نمی شد از آن استفاده
مطلوب بعمل آمده و امروز رضایت اکثریت مردم
از این ناحیه فراهم شده است چنانچه ۸۵ فیصد مردم
درین دولسوالی در همین مدت کوتاه از طریق
جرگه ها خاصات و مسائل خود را حل و فصل کردند
آنکه به محاکم مراجعه نمایند به هم به فیصله
می رسند.

آنچنانکه گفته آمد در دولسوالی شکر دره ۱۰۰
قصبه در راه قبل از تأسیس جرگه ها امروز به ۱۶
تقلیل یافته وقتی نتایج دیده شد به تأسیس
این جرگه ها در دولسوالی دیگر اقدام شده که
این سه دولسوالی عبارت از قره باغ ده سبز و
سروری میباشد.
• اوزم:

یشاغلی محترم در مورد صلاحیت ها و محدودیت
ها و طرز کار جرگه ها اگر توضیحات لطیف نمایند
رئیس محکمه ولایت کابل:

• در مساحت جزای صلاحیت محدود آنها در
قیاحت خفیه برای جرگه ها تفویض گردیده
که نظریه تعدیلی که در قانون اجراء جزایی
بعمل آمده اعضای جرگه ها میتوانند موارد فوق
را از سوال مشوره و خواهش حفظ نمودن

دوسیه را از خاربول نمایند ولی در مورد حق
العید صلاحیت جرگه ها وسیع بوده و میتوانند
در صورت موافقه جانبین تاهر مقدار که خواسته
باشند در آن مصالحه نمایند با آنهم نزد
محکمه بعد از ثبت مدار اعتبار بوده و در غیر
آن دروازه محاکم بروی هر کدام از طرفین دعوا
باز است.
تا هزار افغانی وقتی يك جرگه تصمیم خود را
اعلان میدارد نزد محاکم حکم قطعی داشته و
اگر اضافه از آن میباشد تنها صلاحیت مشورتی
را اعضای جرگه ها دارا هستند و پس
در مورد انتخاب و عزل اعطای جرگه ها باید
گفت که اعضای این جرگه ها در اولین بار وقتی
تأسیس به تأسیس آن میگردند در محضر علم اهداف جرگه
ها به مردم تصمیم و بعد از آن از میان خود
چند تن را که دارای رویه خوب و مردم مداری
باشد برمیگزینند و به محکمه محل معرفی میدارند
عزل اعضای جرگه ها وقتی صورت خواهد گرفت
که حرکت خلاف آنها ثابت شود و یا اینکه
مردم محل از آن نارضا بقی نمایند.
محل جلسات جرگه ها عموماً مساجد است
که از يك طرف جای مناسب بوده میتواند از جانب
دیگر مردم در آن جا جمع شده و مشکلات خود
را نیز بخوبی گفته میتوانند.
اعضای جرگه ها در بدل کاری که انجام
میدهند هیچگونه دستمزدی نگرفته و تنها خدمت
مردم را می کنند و پس
خوانندگان محترم!

تاحال آنچه که خواندید جنبه های
اکارمیک موضوع را در بر گرفته بود ولی
حالا شما را به صحبت پسته آن اعضای جرگه
های صلح که از ابتدای تأسیس تا امروز درین
جرگه ها اشتراك داشته و در فیصله چندین
دعواستفیه رول داشته اند دعوت میکنیم ببینیم
که این عده از هوش و توان ما چه دیده اند
و چه میگویند؟

حاجی غنایت الله عضو جرگه صلح علاقه داری
خاک جبار مربوط دولسوالی بگرامی.

• ما از دیر زمانی در میان خود مثل همین
جرگه ها داشتیم تنها شکل رسمی نداشت ما
اکثراً مسائل خود را توسط همین جرگه ها حل
و فصل می کردیم حتی در مورد مثل موضوع را یکدیگر
به پایان میرساندیم که و نه مقتول راضی میشد و از
انتقام دست می کشید ما بهتر میدانیم که در
يك دعوا کدام طرف حق بجانب است و کدام
طرف نیست زیرا اکثر دعوا ها از يك برخورد
کوچک بروز میکند بطور مثال يك شخص که
از طرف دیگر دعوا شده و زور



یشاغلی ابلاغ عضو شورای عالی قضاتین اظهار نظر در مورد جرگه های صلح

خریداری سلاحها و مهمات حربی

پیمان اقلانتيك شمالی

آيا اروپا ميتواند موافقه كند تا به امريكا نشان دهد اينكار چطور انجام گردد ؟

جنگ بزرگ ديگر ميشود سياست باشد اما سياستهای ملی کشور های عضو پیمان ناتو در تامین اهداف دفاعی آنقدر زیاد كم و خدمت نمی كند.

هر يك از کشور های ناتو از خود يك پرايدم اقتصادی دارد. اين امر باعث ظهور يك سلسله مطالبات برای تقليل مصارف دفاعی در وقتي گردیده كه اين کشورها بايد مصارف خود را بيشتر سازند.

قيمت سلاحها و مهمات حربی امروزي به پيمانه پيسا بيه بالا ميرود اين امر دو علت دارد اول انفلاسيون پولی در کشور های غربی و دوم پلند رفتن كيفيت و جنسيت سلاحهای حربی كه خیلی پيسا بيه است.

اگر نا تو خواسته باشد تا خود را از چنگال مصارف زياد كه سال پيشال ترا ضعيف تر ميسازد نجات يابد و يا اينكه اگر خواسته باشد تا تقليل مصارف دفاعی كه بسرعت آنرا به ضعف می كشداندهائی حاصل كند. بايد بپر قسميكه ممكن باشد ريفورمسی در طرق مصارف پولی خود بوجود آورد.

پيمان اقلانتيك شمالی اين كار را از طريق توسعه همكاری بين اعضاي ناتو جبهه توليد و انكشاف سلاحها و تجهيزات نظامی انجام داده ميتواند

درين كار يك فايده بزرگ ديگر يعنی هم معيار ساختن سلاحهای حربی مضمر است. مصرف و صرفه

جوئی در قيمت تمام شده يك سابقو انگيزه است ولی هم معيار ساختن تجهيزات حربی نسبت به آنچه كه عموما فكر ميشود مفاد بيشتری در بر دارد.

از جمله یکی امکان ايجاد تسهيلات حفظ و مراقبت مشترك سلاحها و تجهيزات جنگی است كه ميتواند مقدار پولی را كه ايلات متحده امريكا درين راه بمصرف ميرساند تقليل

بخشد. اين امر سر انجام مطالبه امريكا را از کشور های اروپای

برای اشتراك مساعي در فراهم آوری تاديات و خريداري هاساوی به حجم پيلانس تاديات نظامی امريكادر اروپا كم ميسازد. بايد گفت كه حسی

تاسيس يك سيستم واحد لوزمتيك ناتو يك امر غير ممكن نيست. صرفه

جوئی های كه از اين ناحيه صورت ميگيرد بر علاوه فايده ايست كه از نگاه موجوديت عين سلاحها و مهمات حربی در اردو ها نيكه شاييد روزی دوش پد و ش هم بچنگند بدست می آيد.

سلاحها بعد از طی دو مرحله

جدا گانه بدست مستهلكين ميرسد: اول ريسرج و انكشاف دوم توليد در دوران ريسرج و تحقيق و انكشاف يك مقدار زياد پول در تجربيات

در ديزاين و بالا خره در اعمار سلاح های نمونه و امتحان كردن آنها به مصرف ميرسد. اين كار برای اعمار اقلام بزرگ نظامی چون طهاره می تواند بين شش و نه سال را در بر بگيرد. پولی كه در اين مرحله به

مصرف ميرسد بايد از طريق توليد جبران شود. قاعده عمومی چنين است كه اگر توليد رو چند شود قيمت تمام شده در دفعه دوم ۸۰ فيصد دفعه اولی خواهد بود.

البته اگر اين نوع توليدات بيشتر دوام كند سر انجام مصارف تمام شد خطی زياد جسيه ميگردد.

برای همكاری در توليد سلاحها و مهمات حربی طرقی چند وجود دارد در حصر ريسرج و انكشاف يك کشور ميتواند به تنهایی آنرا انجام دهد و کشور های ديگر در تاديه مصرف آن كم و مساعدت نمايند.

طريق ديگر اينست كه چندين کشور ميتوانند در انجام ريسرج و انكشاف سهم بگيرند و آنرا مشترك كا بپايان رسانند. نقض اشتراك مساعي و

سهم گرفتن چندين کشور در يك كار اينست كه لاین روش معمولاً يك ميرو كراسی خاص و بر رسی ها در نظارت های متعدد را مخصوصا در وقتيكه تعداد شاملين و سهم گيرندگان زياد باشد خلق ميكنند. گر چه

همه اين كارها در مصارف می افزايد معبدا صرفه جوئی كه از ناحيه توليد طويل المدت بدست می آيد ميتواند مصارف را جبران كند. از طريق همكاری در مرحله

ريسرج و تحقيق چندين کشور بعضا ميتوانند پروژه های را رويده است بگيرند كه هيچ يك شان به تنهایی آنرا انجام داده نميتوانند.

هنگاميكه مرحله توليد آغاز می يابد امكانات و زمينه های متعدد

همكاری بين کشور ها ميسر شده می تواند. چندين کشور ميتوانند يك کشور آنرا بسته بندی و بهم يك پروژه های مختلف را تو ليد كنند و جانمايد. طريق ديگر اينست كه هر

کشور ميتواند پروژه هایي را توليدو بعد آنها را بسته بندی و بهم يکجا كند. در بين اين دو طريق البته طريقه های ديگر توليد هم وجود دارد.

ولی تمام اين طريقه های همكاری غالبا گران تمام خواهد شد. سا ده نرين طريقه كه لزان تمام شود اينست كه يك کشور سلاحها و

مهمات حربی را توليد كند و کشور های ديگر آنها را خريداري نمايند. اين كار در مورد خريداري اقلام غمده نظامی برای کشورهای خريدار

برايهم های بزرگ پيلانس تاديات را ايجاد ميكنند. اين مشكلات می تواند تا اندازه از طريق معا هلات فرعی و خريداري های دو جانبه وذات البيني سهل وآسان شود مشروط

بر اينكه تر تيباتی گرفته شود كه کشور های مختلف سلاحهای مختلف مورد ضرورت خود را توليد كنند.

جمهوريت لاتحادالمان در طرف پيست سال گذشته بليون ها پوند را از طريق خريداري سلاحهای امريكائی صرفه جوئی نمود.

در حقيقت امر فراموش نشود كه بين کشور های عضو ناتو همكاری های زيادی صورت گرفته است لهذا

در راه ريسرج و انكشاف سلاحهای نظامی عين مساعي از طرف کشور های مختلف ناتو صورت گرفته است اين تضاعف مساعي مخصوصا از سال ۱۹۶۵ به اينطرف بسرعت بيشتر شده است.

احصائيه ها نشان ميدهد كه سالانه تقريباً پانده چهار صد مليون پوند در حصر ريسرج و انكشاف از ناحيه انجام عين فعاليت ها و عين مساعي عيت بمصرف ميرسد. یکی از ضايعات بزرگ ديگر ناتو

بقيه در صفحه ۵۶



دكتور محمد عزيز سراج رئيس امور صحي بناروالی کابل موقع ایراد بیانیته و مجلس افتتاحیه کانالیزاسیون

کانالیزاسیون برای رفع مواد و آبهای فاضله

بیشتر فابریکه از این ساحه استفاده بعمل آورد.

کار ساختمانی این کانالیزاسیون در مدت سه ماه تکمیل و مبلغ پنجاه هزار افغانی در آن بمصرف رسیده است. باعصار این پروژه معضله اهالی میکروبیان و باندنندگان منطقه از ناحیه تطفن ناشی از آب های فابریکه بوت آهو رفع گردیده و آب فاضله فابریکه بعد از تصفیه با مواد کمیابی بوی آن از بین رفته و بدویا جریان پیدا میکند.

رئیس فابریکه بوت آهو در مورد سال تاسیس و سرمایه فابریکه گفت:

فابریکه سپاهی بوت آهو در سال ۱۳۴۲ بنام فابریکه بوت آهو ثبت و رجستر گردید و با سرمایه ابتدائی ۱۴ ملیون افغانی شروع بکار نمود. فعلا سرمایه فابریکه بوت ۳۰ ملیون افغانی میباشد.

فابریکه بوت آهو سه ملیون و به اساس قانون سرمایه گذاری خصوصی داخلی و خارجی روزانه لها لیت مینماید ۴۹ فیصد سهم آن از کمیتی (ویدر پانگنی سوییسی) میباشد.

تولیدات فابریکه بوت روزانه بطور اوسط ۸۰۰ جوره بوت میباشد و سالانه در حدود ۳۰۰ هزار جوره بوت تولید و برای اهالی از طریق مغازه ها و دیگر موسسات رسمی از طریق قرار داد های جداگانه بفروش میرسد.

تولیدات فابریکه برای فروشندگان پایبول ۹ فیصد تخفیف بطور کمیشن توزیع و تولیدات در اکثر ولایات افغانستان بفروش میرسد. بنامی رئیس فابریکه در مورد دلچسپی

فابریکه بوت آهو تهیه نموده که برای رفع این معضله گفت:

فابریکه بوت آهو در مورد رفع این معضله بین اهالی میکروبیان و فابریکه بوت آهو راه حل پیدا کرد. چنین فکر میشد که اصل منبع ایجاد تطفن در این ناحیه نه تنها موجودیت مواد فاضله فابریکه بوت آهو میباشد بلکه موجودیت کشتار ماه مسلخ و بودن محل خرید و فروش مواشی که بنام نخاس یاد میشد، نیز در این ناحیه میباشد.

نخاس به مشوره بناروالی کابل از این ناحیه نقل مکان کرد و فابریکه بوت آهو نظر به توجهات و هدایت بیی خواهانه دولت جمهوری، یک حصه از زمین شخصی فابریکه را برای بارک تخصیص و بارک زیبایی دو آن جایز مصرف فابریکه اعمار نمود. که به این ترتیب ریشه یک عامل مهم تطفن به این وجه از بین رفت در مورد اعمار کارخانه لیز اسون از مدتها بین فابریکه و بناروالی کابل مفاهمه بعمل می آمد در نتیجه به همکاری ریاست حفاظت المعه بناروالی

کابل و ریاست ساختمانی وزارت فواید عامه نقشه کانالیزاسیون تکمیل و مورد تطبیق قرار گرفت.

مواد فاضله فابریکه از طریق مجرای مخصوصی در این کانالیزاسیون رهنمایی گردیده و بعدا توسط مواد کمیابی مخصوصی خنثی گردیده و تطفن آن از بین میرود.

زمنیکه در آن کانالیزاسیون اعمار گردیده مربوط فابریکه میباشد و در همین محل قبلا خرید و فروش مواشی صورت میگرفت، البته فابریکه در نظر دارد در آینده برای انکشاف

مبلغ ۵۰۰ هزار افغانی در اعمار کانالیزاسیون بمصرف رسیده است. این پروژه بطور کلی در سال ۱۳۴۲ بنام فابریکه بوت آهو ثبت و رجستر گردید و با سرمایه ابتدائی ۱۴ ملیون افغانی شروع بکار نمود. فعلا سرمایه فابریکه بوت ۳۰ ملیون افغانی میباشد.

سرمایه فعلی فابریکه بوت آهو ۳۰ ملیون افغانی میباشد

تولیدات سالانه فابریکه در حدود ۳۰۰ هزار جوره بوت میباشد

فابریکه خوانندگان مجله ژوندون اطلاع دادند در این او آخر یک پارک و یک کانالیزاسیون در مقابل فابریکه بوت آهو در جوار دریای کابل که فعلا محل خرید و فروش مواشی بود، جدیدا اعمار و مورد استفاده قرار گرفت، موجودیت این پارک که از طرف فابریکه بوت آهو احداث گردیده در تزئین و زیبایسی منطقه نقش مهم داشته و هم از تطفن و بایر بودن این محل بطور قابل ملاحظه کاسته است. کار ساختمانی این کانالیزاسیون بعد از سه ماه خاتمه یافت و روز ۲۵ سنبله توسط رئیس امور صحی کابل بناروالی و رئیس طب

خبرنگار ژوندون در مورد اعمار این کارخانه لیز اسون و چگونگی تولیدات اخیر فابریکه مصاحبه با بنامی محمد رسول رئیس

کراف تولیدات فابریکه از لحاظ تولید و فروش سیر صعودی دارد و خصوصاً در بهار و تابستان فروش بوت آهو قابل توجه است و تولیدات سایر مواسم سال در همین دو موسم به فروش میرسد.

فابریکه بوت آهو فعلاً بمقدار کافی چرم برای ضرورت خود فابریکه تولید و بعضاً مچپور است که چرم های مصنوعی از خارج وارد نماید.

ماشین آلات که در فابریکه از آن استفاده بعمل می آید، از ممالک، ایتالیا، آلمان، انگلستان و سوئیس خریداری و تهیه گردیده است.

موصوف در اخیر مشکلات اقتصادی فابریکه را وانمود ساخته اضافه کرد، ختم شدن دوره معافیت مالیات و صعود قیمت مواد خام در خارج و مصارف اضافه گی فابریکه، باعث رکود اقتصاد فابریکه گردیده که تنها صعود

اصل سرمایه از فایده تولیدات فابریکه منتهور نیست بلکه تقویه فابریکه از جانب شرکا همیشه صورت میگیرد. بدین لحاظ امید وارد هستیم تا بتوانیم با وجود این مشکلات فابریکه را تقویه و در خدمت هموطنان عزیز بیش از پیش قرار بدهیم.



شعبه چرمگری فابریکه بوت آهو

ضلع فابریکه بوت آهو بکار انداخته شد



در فابریکه ۴۵۰ تن کاورس در شعبات مختلف شامل کار میباشند.

در شعبه چرم گیری یک نفر متخصص جرمنی و در شعبه بوت سازی یک نفر ایتالیایی و یک نفر افغان تعلیم یافته در رشته چرم گیری مصروف خدمت اند.

بنامی غلام رسول رئیس فابریکه بوت آهو راجع به جنسیت تولیدات فابریکه و رقابت بوت تولیدی فابریکه در بازار گفت: شدت تقاضای مردم، ثابت ساخته که بوت

آهو از نگاه جنسیت با هر نوع بوت خارجی رقابت کرده می تواند. در رژیم گذشته خون مفکوره تقویه صنایع ملی موجود نبوده فاجاق بوت و وارد شدن آن در بازارها سبب شد تا بوت آهو از نگاه قیمت رقابت کرده نتواند، اما در پرتو رژیم مترقی جمهوری و با کنترل جدی از وضع فاجاق بتامی از مفکوره عالی تقویه و تشویق سرمایه های خصوصی و صنایع ملی، بوت آهو هم به نوبه خود توانست تا از لحاظ قیمت و جنسیت با تولیدات خارجی رقابت کند.

شعبه بوت سازی فابریکه بوت آهو.



مردم در نحوه تولید مواد خام فابریکه گفت: مودل تولیدات فابریکه نظر به علاقه مردم و مشوره متخصصین خارجی و کمپنی مربوطه هر شرایط تغییر میخورد. تقاضای مردم همیشه بیشتر از عرضه بوده گرچه فابریکه فعلاً به ضرورت مواجه میباشند با نهم فابریکه به تولیدات خود ادامه داده و امید است تا در آینده فابریکه انکشاف قابل ملاحظه نماید.

مواد خام فابریکه به استثنای چرم و نعل، تمام مواد دیگر آن از قبیل، رنگ، مواد بخت و غیره از خارج تهیه میگردد.

تولیدات فابریکه شامل اقسام مختلف بوت ها، چرم چپ، چرم های لباس وار، پوست موی دار برای پوستینچه میباشند. فابریکه عیسر از بوت سازی در ساحه چرم نیز فعالیت داشته یکنوع چرم برای تولیدات فابریکه بکار رفته و یک نوع آن بنام پوست (بیکل) تهیه و بمالک شوروی، آمریکا و بعضی ممالک دیگر اروپایی صادر و اکثر از احتیاجات اساماری فابریکه از همین راه تکافو میشود. فابریکه بوت آهو فعلاً در حدود ۶۵ نوع بوت تولید و همیشه ساز آن نظریه علاقه مردم و رسیدن کتلاک های جدید تغییر میخورد.

اسرار اطفال



هانس هوفمن مامور تانك كه سه دختر گریان را در داخل يك موتو قیات آبی رنگ ۵۰۰ دیده است

انتونیا والنتی، يك دختر ۹ ساله با پوست گند می و مو های سیاه و دو خواهر ویر جینیا ۹ ساله و نیلفامار ۷ ساله آخرین بار در يك پیش از چاشت آفتابی تیره ماه در مقابل دروازه بزرگ مکتب شان واقع در مارسالا دیده شدند. از آنجا یعنی از مقابل دروازه مکتب آنها چنان ناپدید شدند، گوآنکه زمین چاک شده و او شان را پلمیده باشد. سر میز غذای چاشت پشقاب های شان خالی و کاروپنجه شان دست نخورده ماند حتی در بعد از ظهر هم هیچکدام از دختر ها بمنزل بر نگشتند. وقتی تاریکی شام بالای شهر ی پهن شد که نفوس آن به ۸۰۰۰ نفر میرسید، پولیس اطلاعیه مقتوی آن ها را در یافت داشت. در محیط خانواده های بی بضاعت والنتی و انتونیا نزد والدین بزرگ و مارچیز چراغها را تابه صبح روشن گذاشتند

ترس و د هشت و غم و اندوه در میان اعضای خانواده ریشه دوانید.

اکنون بخارنوال دولت پنام سزار ترا نیوا امر تجسس در قبه های اطراف شهر را صادر کرد. مصداق تلاش پولیس برای یافتن دختر مایی نتیجه ماند جازیا والنتی و والدین انتونیا، لیو نارو خبر ناپدید شدن دختران شان را در پادن دادن دریافت داشتند. آنها در آنجا بصفت کارگر

مهمان مشغول کار بودند. آنها پس ترن بعدی به ایتالیا برگشتند و ساعتی طولانی را در استیشن ریل در حال پیگیری سپری کردند تا اینکه صبح دیگر با سیسل ارتباط بر قرار شده و دریجا بود که از طریق لوت سپیکر های پیاده رو استیشن

ریل آنها را به اسم شان صدا زدند و چند دقیقه بعد در دفتر استیشن ریل به ایشان حالی کردند، که جسد دختر شان انتونیا چند ساعت پیش بدمت پولیس افتیده است و پولیس جسد را از عمارت تیم کاره يك مکتب، شش کیلومتر بیرون مارسالا

ژوندون



پولیس هر کجا را که به نظر شان مشکوک می آید، مانند این کلبه دور افتاده تفتیش میکنند



يك تصوير از دوران شیر خوداگی نیفای ۷ ساله برای والدین مار چیز بحیث یاد گار فرزند شان باقی مانده است.

و هم ویر جینیا مارچیز ۹ ساله «تصویر» کاملاً بالا نیز مختص ف شده است «تصویر بالا» آخرین عکس از والنتی

اختطاف شده

و خفه شده بود. ترا نیوا نتوانست شواهد بیشتری برای تعقیب مجرم در محل واقعه پیدا کند. يك تعداد مردم پس از اطلاع یافتن ازین قتل وحشیانه سخت دچار خشم فراوان شده به آن عمارت نیمکاره ریختند. زنان گریه آلود دسته های واکیلی های گل را بالای کوت های خاک و خشت اضافی تعمیر گذاشتند. در جائیکه جسد انتونیا بدست آمده بود. با بلند شدن آفتاب هزاران نفر در باغچه تانک انگوری نزدیک عمارت نیم کاره جمع شده شیون و زاری را سر دادند. عده ای هم در حالیکه به مرتکب این عمل وحشتناک نفرین می فرستاد، با سرود های مذهبی دعاکنان به دنبال دو دختر دیگر که تا کنون مرده وزنده شان لادرك بود بچستجو بر آمده بودند. این دودختر ناپدید شده دیگر نیفا و ویر جینیا بود.

در خلال این مدت هانس هوفمن آلمانی ۲۸ ساله که در مارسالا به صفت مامور تانک کار میکند اینطور به پولیس اطلاع داد او سه دختر را در يك موتور آبی رنگ فیات ۵۰۰ در حال کریستن دیده که با مشت های شان راننده را می زدند. مامور تانک اضافه مینماید که او حتی صدای فریاد یکی از دختران را از داخل موتور شنیده است که میگفت:

بگذار که بیرون بروم.

خارنوال ترا نیوا تمام دارندگان موتور فیات آبی رنگ را که تعداد شان به شش هزار نفر می رسد، و حتی دارندگان موتور های فیات ۵۰۰ را که رنگ موتور شان غیر از آبی هم میباشد تحت تحقیق قرار داده است. يك دهقان بنام فرا نچسکو لومیناری ضمن بازرسی پولیس بدون کدام دلیل موجهی مورد سوظن واقع شد و چنان گمان میرفت که او سه دختر را اختطاف کرده باشد. سزار ترانیوا منزل این دهقان را توسط يك عده از پولیس های کار آزموده زیر نظر گرفت.

مردم مارسالا همه خاطره مفقود

شدن سه طفل دیگر را از محلی بنام اسپرو در يك ۱۶۰ کیلو متری پیاد داشتند. سه سال پیش جوز په لالیتا ۱۰ ساله، دو مینیکو والکانو ۱۰ ساله و انسو اسکو رینا ۱۱ ساله در راه مکتب طوری ناپدید شدند که هیچ اثری از خود بجا نگذاشتند. از آن تاریخ تا امروز حتی کوچکترین اثری از آنها بدست نیامد. غیبت آنها و ناپدید شدن شان يك حادثه جادویی و سحرآمیز تلقی شد. مردم برای مدتی از آن معمایی ساختند و عده ای مدعی شدند که کوه آتشفشان اتنا

آنها را به طرف خود کشا نیده و آن ها به پای خود درهانه آتشفشان غلبیده اند. برخی از مردم به این فکر شدند که ممکنست آدم فروشانی آن سه بچه را به مراکش برده و فروخته باشند اما بعضی از مردم را عقیده بر این بود که احتمال دارد به اثر يك زلزله زمین چاك شده و آن سه طفل در چا زمین لغزیده و انگاه کفیدگی زمین پیش آمده باشد و به این ترتیب آنها برای همیشه ناپدید شده اند.

و حال این ماجرای اسرار آمیز بار دیگر تکرار میشود. در میان مردم ساره دل و اغلب خانواده های بسی بضاعت اهالی شهر ارتباط های را بین معمای ناحیه اسپرد. با مرگ انتونیلای کو چک و فقدان نیفا و ویر جینیا حدس می زنند.

انتونلا که در تابوت سفید رنگی آرمیده و روی تابوت را با کلمه های فراوان پوشیده لاند پیشا پیش و در جلو بجواب يك سوال دیگر گفت:

تمام چین های که ما از نیفا و ویر جینیا تا ایندم بدست آورده ایم شامل کتابچه، قلم میباشد که در بین بکس های مکتب شان وجود داشته این کتابچه ها را از يك زمین زراعتی در دو کیلو متری عمارت نیمکاره که بقیه در صفحه ۵۶

بجواب يك سوال دیگر گفت:

تمام چین های که ما از نیفا و ویر جینیا تا ایندم بدست آورده ایم شامل کتابچه، قلم میباشد که در بین بکس های مکتب شان وجود داشته این کتابچه ها را از يك زمین زراعتی در دو کیلو متری عمارت نیمکاره که



لیوناردو والتی سر سام و دیوانه وار فاصله بین آلمان و ایتالیا را پیموده، خود سرا نزد خانواده اش رساند چند ساعت پس از اختطاف سه دختر، جسد والتی ۹۹ ساله را روی يك عمارت نیم کاره پیدا کردند. ماریا مادر والتی در حالیکه سرش را روی شانه بزرگترین دخترش گذاشته اشک می ریزد، کیلا دختر کوچک و مادر کلان شان ویک خواهرزاده ماریا هنوز حاضر به قبول این خبر جا نگذار نیستند.

زلزله در قرن بیست ۵۸۰۰۰۰ نفر را در جهان تلف کرده است

زلزله های اخیر بشمار میرود درینجا گزارش مختصری داریم ، از وقوع زلزله های مدهش تاریخی تا امروز در افغا نستان و نقاط زلزله خیز جهان :

زلزله در قسمت های مختلف کره ارض بو قوع مییونند، ولی دومنطقه جهان ، از نگاه زلزله های تباه کن ومخرب ، بیشتر مورد توجه علمای ساینس قرار گرفته است .

یکی ازین مناطق نوار کم عرضی در حوزه بحر الکاھل است ، که هشتاد فیصد زلزله های دنیا، در همین منطقه ، بوقوع می پیوندد . درین حوزه علاوه از نواری که در داخل بحر ، از نگاه زلزله فعال است ، سوا حل الاسکا ، کالیفر نیآ ، قسمت های غربی امریکای جنوبی ، نیوزیلاند و جاپان نیز از تکان های زلزله این منطقه متاثر می باشند .

قسمت دیگری ، که از نگاه وقوع زلزله ، جایز اهمیت است ساحه سمت که از شرق به سمت غرب امتداد یافته وشمال هند، پاکستان افغا نستان ، ایران ، عراق ، ترکیه ، یونان ، یوگو سلاویا وایتالیا ، شما مل این منطقه زلزله خیز می شوند .

همچنان در حصص جنوبی و شرقی روسیه و قسمت هایی از چین

زلزله وامثال آن ، نتیجه خوبی داد و بسیاری ، ازین بلا های خانما نسوز مھار گزیدد ، اما زلزله ، هنوز از حرارتی است ، که تحت کنترول انسانها نیامده ، وگاه گاه در نقاط مختلف دنیا، تلفات جانی ومالی زیادی را بار می آورد !

یکی از احصائیه های یو نسکو نشان میدهد ، که زلزله سال ۱۹۷۰ بیرو (۵۰۰۰۰ نفر راهلاک ساخت)

ساحه فیض آباد وسلسله کوه هند وکش مرکز زلزله های افغانستان تسمیت گردید .

نخستین اثر تخریبی زلزله ، در حرارت باستان شناسی آی خانم کشف شده است .

زلزله برای اولین بار توسط بابرشاه ، در افغا نستان ثبت گردید .

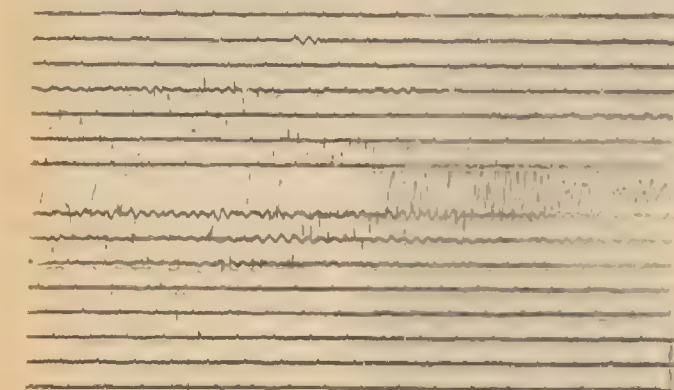
افغا نستان هند ، پاکستان ، ایران ، عراق ، ترکیه ، یونان ، یوگو-سلاویا ، ایتالیا وجنوب شرق روسیه : يك اوار فعال زلزله خیز زمین واقع شده اند .

آلات تخنیکي چگونه تکان های زمین را ثبت میکنند .

بفط چند لحظه کوتاه ، درست در فاصله ثانیه ها ، زمین می لرزد ، مردم وحشت زده میشوند ، صدای ضجه ، اطغال وعریو مادران بلند میشود و بعد صدای های دند آری ، این فریاد ها را خاموش میسازد ، سکوت بو همه چا سایه می اندازد و غباری غلیظ ، فضای شهری را می پوشاند .
این آغاز مصیبت است ، آغاز نسل بشر با طاعون ، وبا سیلاب ،



يك منظره از خرابی های زلزله در منطقه تور گل



این نقشه تکان های زلزله اخیر کابل را نشان میدهد

همچنان در ربع دوم قرن بیستم در حدود ۳۵۰۰۰۰ نفر ودر ربع اول همین قرن ، صرف در پنج زلزله مدهش ۵۰۰۰۰۰ نفر تلف گردیده اند .

يك منبع دستگاه زلزله سنج پوهنخی انجنیری پوهنتون کابل، در پاسخ سوالی . نقاط زلزله خیز افغا نستان را ساحه شمال شرقی کشور وانمود کرده گفت :

سافغا نستان ، از نگاه زلزله ، در منطقه فعالی واقع شده ، که کمايضا مطالعات عمیق علمی را می کند . به اساس مطالعات که صورت گرفته ساحه بدخشان وکوه های هندوکش مرکز زلزله هایی است ، که تا حال در کشور ما ، بوقوع پیوسته است .

نمایش دانشمندان ، برای جلو گیری از خسارات زلزله ، جریان دارد و تا حال تنها راهی ، که سراغ شده ، کشف وشناختن نقاط زلزله خیز کره زمین است ، تا در آنرا اعمار شهر های مسکونی جلو گیری شود .
زلزله اخیر که در کابل وولایات مختلف کشور رخداد، از مدهش ترین



یکی از آلات تقویت کننده سیکل های زلزله در مرکز زلزله سنج کابل



گوشه ای از خرابی های زلزله

سنگ های عظیمی که عمق آن ها نیز زیاد است ، در دوازده کیلومتری شهر ، نزدیک قرغه نصب گردیده است . این آله ها یکی زلزله های خود افغانستان را و دیگری زلزله های ممالک نزدیک به افغانستان را ، احساس نموده و آن را ، بصورت امواج ، به ماشین تقویت کننده انتقال دهند . امواج برقی ، بعد از ۴۰۰ تا ۴۰۰۰ مرتبه قوی تر شده و به دستگاه دیگری ، که در بین آن کاغذ های مخصوص از رلیت قرار داده شده ، نشر میشود .

رهنمایی میشوند . این امواج بر بالای کاغذ ها تاثیر کرده و ثبت می گردند .

وی می افزاید :

از روی همین کاغذ ها است ، که نتایج ، محل واقعه ، تایم دقیق آن حاصل می گردد .

«در شماره آینده گزارش های آتش فشانی در زیر زمین و عوامل جیولوژیکی زلزله ، فعالیت های آتشفشانی در زیر زمین و عقایدی که در گذشته راجع به زلزله در جهان وجود داشته ، تهیه کرده ایم نشر میشود .»

منبع در باره زلزله های تاریخی ، در افغانستان میگوید :

قدیمترین اثر تخریبی که می توان علت آن را ، زلزله تعبیر نمود ، بعضی ویرانی هایی است ، که در حفريات باستان شناسی ، در شهر «آی خانم» به مشاهده رسیده و دلایلی وجود دارد ، که زلزله در حدود سال های پنجاه قبل از میلاد ، تا سالهای پنجاه میلادی رخ داده و خرابی هایی را ، درین منطقه باعث شده است .

زلزله شهر بلخ در حدود سالهای ۸۱۸ - ۸۱۹ میلادی ، زلزله هرات در حدود سالهای ۸۴۸ - ۸۴۹ و زلزله ارگون در سالهای ۱۰۵۳ - ۱۰۵۴ میلادی ، نیز از زلزله های تاریخی افغانستان است .

اولین زلزله بی که ، ریکارد شده ، زلزله لغمان است ، که توسط پاپر - شاه ثبت گردید مواز مغرب ترین زلزله هایی است که در لغمان و کابل خسارات زیادی را بار آورده بود . این زلزله در حدود سال ۱۵۰۵ میلادی رخ داده است .

پس از آن ، تا نیمه اول قرن نوزدهم ، راپوری در مورد زلزله موجود نیست . البته این موضوع دلیل آن شده نمیتواند ، که درین مدت زلزله بی رخ نداده است . شاید راپور ها و اوراقی ، که زلزله های آن زمان ، در آن ثبت شده بوده ، از بین رفته است .

منبع سوال دیگر را ، پیرامون ثبت زلزله ها ، اینطور پاسخ می دهد :

تا او اخر قرن نوزدهم ، آنچه در مورد زلزله جکایت ، یا ریکارد می شد ، عبارت از یک سلسله معلوما تمی بود ، که توسط حواس بشری درک می گردید . هر گاه زلزله بی ، در محلی دور از سکونت انسانها رخ میداد هیچگونه اطلاعی ، از آن بدست نمی آمد .

در آخر قرن ۱۹ - آلاتی بنام زلزله سنج اختراع گردید ، که زلزله را ، به طرق علمی و تکنیکی ثبت و ریکارد می کند . این آلات نسبت به حواس بشری حساستر بوده و همچنان قادر است ، تا کوچکترین زلزله را ، از نقاط دور دست دنیا ثبت نماید .

بکار افتادن دستگاه های زلزله سنج ، این امر را ممکن ساخته ، تا بشر از وقوع خفیفترین زلزله ها در نقاط مسکونی یا غیر مسکونی ، اطلاع یافته و مراکز زلزله در کشور های مختلف

علیشیر نوایی

— جناب، ما هم افتخار نسبت به گروهی داریم که تحمیل هر نوع مشقت و محرومیت را در راه علم-نعمت بزرگ زندگی میدانند. جناب شما در علم کیمیا بمنابه (جعفر) زمان مائید. هر يك از سخنان شما برای ما جویندگان دانش، برتر از سیم و زر است، چون خداوند گنجینه بی پایانی برای شما ارزانی داشته است این شاگرد کوچک اطمینان دارد که راه سخا و کرم در پیش خواهید گرفت.

عبدالله حد ابروان خود را که در اثر سوختن کم موی شده بودند، در هم کشیده خاموشانه دور شما سلطان نمراد از عقب کیمیا گر سخت گیر چشم دوخته، جا بجا متوقف مانده عالم به حفره و سطحویلی، مایعی سپا هگون چرکین را از سبوی کوچک ریخت و در حالیکه چشم بر زمین دوخته بود، آهسته آهسته بر گشت و بدون آنکه سر از زمین بر دارد، با صدای اسرار آمیز پرسید:

— آیا از تصمیم بی آایش «از عشق صمیمانه به کیمیا و از ایمان به حقیقت برخورداری؟
سلطان نمراد پاسخ داد:
— نمیدانم بکدام زبان بر من برسانم؟

— پس، بیایا من! سلطان نمراد با مسرتی بی پایان، از عقب عالم به خانه وارد گردید. این (کیمیا خانه) عبارت از اتاق وسیعی بود که پا (چهار ستون) خود به خاتقاه شباهت داشت و چون از دو سوراخی که در سقف بود، نازک آن وجود داشت و با کاغذ شفاف پوشانده شده بود، روشنی میآفت

بهار شهر زیبای هرات را طراوت خاصی بخشیده است خبر باز گشت علیشیر نوایی و تقرر او بجهت مسرودار دولت، چون حادثه مهمی در سراسر شهر انعکاس میکند.

در یکی از شبها که نوایی تنهاست، درویشعلی برادر او نزدش می آید. هر دو پیرامون امور جاری به بحث و گفتگو میپردازند، نوایی تصمیم خود را مبنی بر اینکه بخواهد کتابخانه بزرگی را اساسی گذاری کند، اظهار میدارد میگوید که مسولیت این امر را بنوش وی خواهد گذاشت.

فردا بعد از آنکه نوایی در دیوان حضور می یابد، حسین بایقرا او را نزد خود فرا میخواند و با جمع به امور کشور باوی بمشوره میسر دادند و نظرش را در باره مجدالدین خواستار میشود.

در همین آوان ابو ضیا، بازرگان معروف خراسان پیشنهاد میکند تا وجوه مورد ضرورت خزانه را بر سیل مساعدت نقدا بپردازد، مشروط بر اینکه بوی صلاحیت داده شود تا وجوه مذکور را از طریق جمع آوری مالیات ولایت هرات دو باره بدست آورد. این پیشنهاد در اثر وساطت مجدالدین پذیرفته میشود و بعد از آن بیک مامور اجرای این وظیفه گردیده، بیک از دهات وارد میگردد. ریش سفید دهکده از وی خواهش میکند تا درین مورد از نویش کار بگیرد.

در جریان این حوادث، سلطان نمراد دانشمند جوان بسراغ کیمیا گر معروف هرات میرود تا از وی اسرار این علم را فرا گیرد.

سلطان مراد قد خود را راست کرد و برای اینکه توجه دانشمند را لجوج را بسوی خود جلب نمایند، قوه نطق بیان خود را بکار انداخت. نخست با آواز بلند که گلویش تا سر حد اذیت فشار میداد، عالم را مدح و ثنا گفت و سپس خود را معرفی کرد و هدفی را که به خاطر آن اینجا آمده بود، شرح داد.

عالم باز دیگر بابی اطمینانی، قاطعانه گفت:

از طرح دوستی با آنانیکه مستولیت ما را برهم میزنند می هراسم.

سلطان نمراد با لجهای احترام آمیز اظهار داشت:

حویلی بزرگی که شبها بت به خانه متر وک داشت، متوقف ماند. در همه جاسکوت حکمفرما بود. بعد از آنکه نگاهی به اطراف افکند. بطرف خانه کهن اما بلند و مستحکمی نظیر قلعه، که از دور و آن بشدت دود خارج میکردید. حرکت کرد. هنوز گامی چند باقی مانده، در کوچکی هیچگونه تناسبی با صلابت و بزرگی خانه نداشت. باز گردید و شخصی که کوزه کوچکی عجیبی در دست داشت از آنجا بیرون آمد. او کیمیا گر معروف عبدالله بود. بر سر گردو بزرگ خود کلاهی چرکین پوشیده بود و جامه کار کهنه ای در برداشت که دغهای گوناگون روی آن می درخشید و هر طرفش سوخته بنظر میرسید. چشمش نش سوراخ و نمناک بود و چهره او صلابتش که در مقابل حرارت آتش قرار داشته است، میده خشید، و رنگ سفید ریش انبو هشی بزرگی گرایده بود. او بیش از نیمه پنجاه و پنج سال زندگی خویش را به تنهایی در این خانه وقف تجارت و کارهای مربوط به علم کیمیا نموده بود انواع مواد را گرم میکرد: آب میساخت، گر کباب و تجزیه مینمود و در دنیای بی پایان اسرار امین دانش و هنر خاص خود با شهادت توأم با متانت و بردباری شکفت انگیزی گام بر میداشت. چشمانش در اثر حرارت آتش و غقابل شدن با مواد کیمیاوی روبه ضعف نهاده و گوشتها بیش قدرت شتابی خویش را از دست داد.

کیمیا گر بادین جوان نا آشنای مثل اینکه ناگهان با فاجعه غیبر منتظره ای مواجه شده باشد، چابجا

کرد و ضمن توضیح افکار دانشمندان یونان و عرب در مورد (عناصر چهار گانه) که پایه اساس جهان را تشکیل می‌دهند، گفت که این عناصر، در حقیقت با هم (وحدت) دارند و (جوهری) وجود دارد که صور تمام اشیا با آن ارتباط می‌گیرد. در عین زمان از هفت ماده ای که با سیارات هفتگانه متوافق اند، از آنجمله طلا بقیه در صفحه ۵۸

تصادم افکار، برق حقیقت بجهد... کیمیا گر اندکی نرم شد. بعد از آن که پیرامون برخی علوم، بحث صورت گرفت، نتوانست اعجابی را که از ذکای تند و وسعت معلومات این دانشجوی جوان پرايش دست داده بود، پنهان دارد. مثل اینکه مناسب ندید این استعداد عالی را از نزد خود با دست خالی بر گرداند، و سر انجام به توضیح اسرار علم خود آغاز

این چاکر، فقط رسیدن به معرفت است و پس آئینه قلب وی سایه نیفتاده است. هیچ اندیشه جز این در درینجا ناگزیرم یک نکته دیگر را نیز بحضور شما یاد آوری نمایم و آن اینکه در جهان سه چیز نمیتواند بدون سه چیز قوام یابد: مال بی تجارت، دولت بی سیاست و دانش بی بحث و جدل... جناب، ممکن است در جریان بحث و مناقشه از

داخل خانه تاریک نبود. در اطاقها و بر سطح خانه انواع و اشکال کوزه های سفالین با ظرفیت های متفاوت انواع ظروف مسین و آهنین، اقسام شیشه های عجیب، هاون های کوچک و بزرگ و آهن پاره های گوناگون بر روی هم انبار شده بودند. دیکدان های پست و بلند که در صدر کابو گاه کیمیا طور تنظیم ساخته شده بودند، اساسا با اجاقهای عادی هیچ گونه شباهتی نداشتند. در عدهای ازین اجاقها آتش میسوخت. در ظرفی شیشه دیگ کوچک، چیزی می جوشید و بوی از آن بر میخاست. سلطا نمراد احساس کرد در خانه بر از طلسمات شگفت انگیزی گام نهاده است. او با اینکه برای فهم هر چه زود تر اسرار کیمیا، علاقه ای شدید داشت و نسبت به عملیات شگفتی انگیز آن، شیفته عجیبی نشان میداد، اما برای آنکه دانشمند زود رنج را زانود آزوده نسازد، جرات نکرد به هیچ یک از ظروف و مواد موجود در آنجا دست بزند. عبدا لاحد مثل اینکه او را کاملا فراموش کرده باشد بی آنکه حرفی بر زبان آورد، با دقت و اهتمام به جستجو پرداخت، گاه آتش را درست میکرد، گاه موادی را که در ظروف داغ می جوشید با اسباب آهنی حرکت میداد و گاهی آنها را بهم مخلوط نموده در گوشه ای می گذاشت و گاهی هم در اندیشه عمیق فرو میرفت و بعدا ناگهان به حرکت میشد و چیزی را در هاون کوچک میساخت.

تقریبا دو ساعت بعد ازین نوع خاموشی، عبدا لاحد قامت خود را راست کرده، به جوان کی حسی کوچکترین حرکت او را نیز از نظر دور نداشت، نزدیک شد و با تبسمی عاری از کنایه بوی نگاه کرد و مثل اینکه زیر لب حرف بزند، گفت: علم کیمیا، علمی است مخفی علم اسرار غیب است و ممکن است نظر نامحرم مانع حل مشکلات آن گردد. از جعفر استاد کامل این فن گرفته تا امروز، کسان زیادی در راه آن تحمیل زحمات و مشقابت گردیده اند.

سلطان مراد با وضعی التماس آمیز گفت:

استاد محترم، در مورد پاکسی نیست و صداقت این بنده کوچکترین شبهه هم در دل راه ندهید. هدف



عمیق چه کارهایی که نمیکند :

دراز ای همین قابلیت این چهره
سمپاتی توانست در جمله جایزه
لیبرلدگان المپای سال ۱۹۵۲ -
برای گیرد.

این هنرمند اصلا از ساکنان
شهر وین بوده و بعد از اینکار المپای
میونشن بموقعیتی نایل آمد بنا به
دعوت هالک ریویو آیس فو لیبرلدی
سانفرانسیسکو مسافرت نمود و
آنجا در آن شب هری آغاز کرد و
این مسافر را در پی در پی
بعد از آن راسی بی غش برداشت
و به آن را حمل نمود و در آن
حالی از همه او بالغ به بکتهزار و پنج
میدان فرودید.

نصیره ها و اخبار یکه بدست
است مریخ که (تریکسی)
بالخاصه با اجرای پر و گرامهای
مستمر از خود با معروفترین کمیدین
امریکا ی شما لی (مستر فریک) -
شهرت فوق العاده گرفت.

ولی ناگهانی و بصورت عیسی
در قبه اوج الزحمة قابل توجه
و زندگی مجلل خود را ترک گفته و به
سوی مسقط الراس خود بازگشت
حیرانگاران برای دریافت علت این
بازگشت ناگهانی با تریکسی -

مصابحه انجام دادند که در نتیجه
معلوم شد او از اینکه بعد از دو سال
با انصراف از هر گونه تنعم و شهرت
و ثروت بوطن خود برگشته یک
علت دارد و آنهم عشق است عشقی
که در برابر آن ناتوان واقع شده و نه
توانست آنرا از دل دور کند.

(تریکسی) در مورد بیشتر -

توضیح نداده فقط گفته است عنقریب
ازدواج خواهد کرد و سعی خواهد
نمود که در زندگی زناشویی
خیلی بردها، متحمل و با پرورشی
و بیشتر از دو طفل بدنیآورد.
مودل انتیک فروش :

(پریسیلا پریسلی) همسر سابق
الویس پریسلی آوازخوان مشهور
دنیا که فعلا سی و یک سال عمرش
را سپری گردیده است پس از آنکه از
شوهرش طلاق گرفت و از او رسماً
جدا شد بجهان مود پناه برده و به
حیث یک مودل خودش را در اختیار
مودیست ها قرار داده بود که با

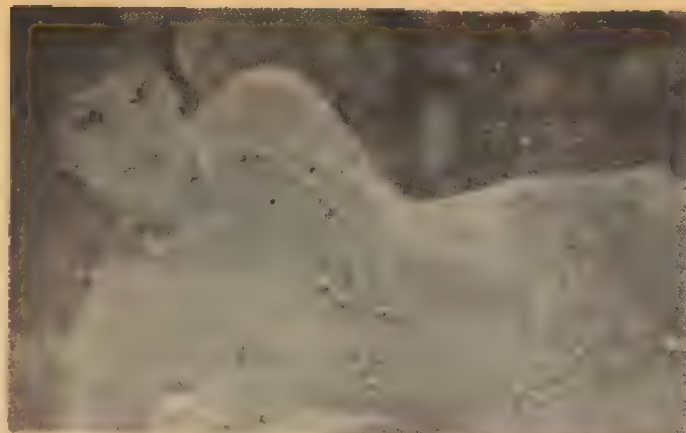
«ستاره»

ها

افسانه

می سازند»

(تریکسی شو با) یکی از ورزیده
ترین رقاصه های بشمار میرود که
مخصوصاً در اجرای رقص بروی یخ
مهارت و توانایی فراوان دارد چنانچه



انتیک فروشی

وصف موقعیتی که داشت با هم برای
و حرفه چندان جالب و مطلوبی
نهی نمیشد. زیرا او آنطور که
عقیده میکرد و حدس میزد اینکار
آرآمد پولی قابل توجهی برایش
نمیداد.

تا آنکه پریسیلا بنا به حکم محکمه در
حدود یک میلیون دالر از پریسلی
گرفت آنوقت شغل خود را ترک -
گفته و یک مغازه بزرگ انتیک
فروشی در ها لیوودایر نمود که فعلا
او مصرف همین مشاغله بود و او را
کار و بار خود کمال رضا بیت دارد
برای این شغل از هر نقطه نظری
برای او در خورتو چه قرار گرفته
است.



پیترو پازیتی باسک کو چك اش



میک جاگر با همسرش بیانکا

ژونون



پروین پانی

هنرمندان هم عاشق موسیقی

شوند:

(میک جاگر) هنرمند سوسی ساله و عضو فعال گروه معروف موزیک (روینگ ستونز) که بقدر کافی در قاره اروپا شهرت گرفته اخیراً در دوره کنسرت های سیار ریکه در اتحادی آلمان اجرا نمودند بعشق زیبا روی نیمه بلاند آلمانی گیر افتاد بقدری که جز ازدواج راهی برای خود میسر ندید این دو شیزه (بیتا نکا) نام دارد و از ساکنان شهر میونسختن می باشد.

دو بله عمر شریف:

(مارک شیبس) یکی از سپور تمین های مشهور است که مخصوصاً در المپیا میونسختن با حصول هفت مدال طلایی شهرت خود را در حوزه بین المللی رسا نموده است. (مارک) اصلاً از اهالی کلیفورنیا بوده و - آوانیکه در المپیا میونسختن شرکت کرد گذشته از هفت مدال طلایی بعشق دختر زیبا یی بنام (سو زان ونیر) گرفتار شد که بعداً این عشق او منجر بازواج گردید: چون مارک شیبس هفت هشتاد در صد باعمر شریف دارد از اینرو پرو دیو سران در صدد جلب او شدند تا او را از میدان سپورت به سوی پرده سینما بکشانند و لسی موفق نشدند.

دراین آواخرا مارک تصمیم گرفت به سوی سینما و فام پای دراز کند تا دیده شود او دراین کار هم موفق خواهد شد یا خیر؟

دکتر و زنان عصبی:

اگر چه این موضوع در سطح

آخرین آرزوی پروین بابی:

پروین بابی یکی از چهره های تازه ظهور وبه شهرت رسیده است که در سینمای هند که گفته میشود سکس راب پیمان افراطی آن در پرده - سینمای هند آورده است این ستاره اخیراً یکی از معروف ترین ستاره های موجوده هند بشمار آمده چنانچه در حال حاضر در حدود بیست و یک نام دارد که در هر یک از این فلمها نقش اول را برعهده گرفته است.

یکی از این فلم های او که از محصولات کمپنی بی، آر، چوپره است و آن دلپ کمار نقش هیرو را ایفا میکند از فلم های پر سر و صدای پروین بابی بشمار میاید و اینهم بخاطر آن است که چگونیه دلپ کمار حاضر شده که مقابل یک ستاره تازه کار در پرده فلم ظاهر شود.

(بابی) در جواب یک سوال یکی ازخبر نگاران گفته است: دلپ کمار هنرمند پر مایه مقتدر و بی نظیر است که از یک عمر او رادوست میداشت و فلم های او را بدفعات تماشا میکرد چنانچه فلم گنگا چمن را بیشتر از بیست مرتبه دیده است و حالاکه شناس باو با ری کرده و دلپ صاحب حاضر شده که با و همبازی شود دیگر آرزوی در جهان سینما برایش باقی نمی ماند.

پروین بابی در حال حاضر بعشق (دینی) باز یگر فلم (دهند) سخت گیر شده چنانچه بفحواوی مردم در آینده نزدیک با هم ازدواج خواهند نمود.



مارک شیبسیس و همسرش سوزان ونیر

وعلوم بشری کابل در سال ۱۳۴۳ به غرض فراگیری تحصیلات عالی به چکوسلواکی اعزام گردید که بعد از اخذ سند دکترای در رشته تیاتر ورژیسوری در سال ۱۳۵۱ بوطن بازگشت.

- دکتر فرحان مدتها با رادیو افغانستان نیز همکاری داشته و بنام (شعله) آوازهای او از طریق رادیو نشر میشد و حال هم گاهگاهی چمنه چمنه آوازهایش نشر میشود که در مورد همکاری مجددش با رادیو اطلاعی در دست نیست ولی تیاتر هست که هست این هنرمند جوان که سابقه بیست ساله هنری در تیاتر و رادیو دارد اخیراً به سلسله افسانه سازی هنرمندان از زنان عصبی افسانه ساخته که آنرا -

مجموعه از ناب ترین پدیده های عصبی گیرنده تیاتر می توان خواند.

موسوعات و خبرهای بین المللی قرار نمیگردد ولی چون موضوع عیبت هنری و در دایره هنرهای مربوطه به مملکت خود ما از اینرو پیرامون آن مختصراً روشنی اندازی می شود.

زنان عصبی نامیشناخته است، عمیق اجتماعی و آموزنده که آنرا پیافلی دکتر محمد نعیم فرحان ترجمه و آدایت نموده ولی از آن جاییکه مریضی آدمهای نامیشناخته خود را دکتر بهتر از دیگران تشخیص نموده از اینرو رژی این اثر را نیز دکتر فرحان مینماید و مایقین داریم که یکی از آثار قابل توجهی را ناماشا چیان بنام زنان عصبی در کابل نداری تماشا خواهند نمود.

دکتر محمد نعیم فرحان پس از اخذ لیسانس از پوهنختی ادبیات

روزنه‌ای بسوی تاریکی‌ها

یادداشت از: لیلا - تنظیم از: دیدبان

کلمه پول را با چنان فریادی از دهن بیرون میریزد، انگار که میخواهد همسایه‌ها هم این کلمه را بشنوند و بقیه موضوع را خود در یابند. سکوت من، محسن خان را به آتش می‌کشد و میگوید:

- چرا حرف نمیزنی؟ چرا نمی‌گویی همین‌طور است؟

با یک حرکت بند دستم را از میان انگشتان محسن خان بیرون میکشم چون وجود خودم من هم به رود خانه غروشنده مبدل گشته است و محسن خان و خشم محسن خان در نظر من هیچ مینماید بدون اینکه خودخواهم چنان فریادی میکشم که خیال می‌کنم چهار خانه آنطرف تر نیز آنها خواهند شنید، میگویم:

- بلی! کار من زشت است. پول گرفتن من زشت است. تن فروشی من زشت و کثیف و تهوع‌آور است!

ولی تو محسن خان! تو مرا به این کثافت نکشاندی؟ تو مرا به تن فروشی و بدکاری نکشاندی؟ تو، خود تو، مرا در آغوش آقای «ص» نینداختی؟ کدام یک کار زشتی مرتکب شده ایم.

تو؟ یا من؟

لبش را می‌جود، سرش را پائین می‌اندازد و چیزی نمیگوید. ولی

با چنین حالتی خودش را بطرف من می‌کشد، سر تا پایش میلرزد، رگهای گردن و روی پیشانی‌اش ورم کرده است. این اولین بار است که از محسن خان می‌ترسم و سعی می‌کنم از او فاصله بگیرم، ولی او، چنگ می‌زند و بند دستم را میان انگشتان تنش می‌گیرد و میگوید:

- پس تو خودت را تا سطح یک بد کاره معمولی پائین آورده ای. برایت فرق نمیکند که چه کسی ترا میخواهد، فقط چیزیکه برای تو مهم است، پول است، پول است، پول.

چنان با بخیالی چشم بصورتش میدوزم که انگار این موضوع هیچ برای من اهمیتی ندارد و تا خودم را شناخته‌ام، کارم خود فروشی و پول گرفتن از این و آن بوده است.

این حالت من محسن خان را بیشتر بخشم می‌کشد، خشم دیوانه کننده که اگر میتوانست شاید رگهای گردنم را قطع میکرد و یا اینکه با انگشتان خودش گلویم را تا آنجا فشار میداد که نفس در گلویم گره می‌خورد و دیگر هرگز از سینه ام بیرون نمی‌آمد.

محسن خان از فرط خشم یک مشتش را گره میکند و به کف دست دیگرش می‌کوبد.

و میگوید:

- من خیال میکردم تو همه چیز را می‌فهمی، خیال میکردم دختری هستی که دیگر لازم نیست همه چیز را بتو گفت و در هر قسم را هنمانیت کرد. بعد، مثل حیوانی که از قفس رها شده باشد از اینطرف اتاق به آن طرف اتاق میرود و یا خود حریف های میزند که من چیز از آن نمی‌فهمم. آقای (ص) ۲۵۰۰ افغانی و چیزهای دیگر...

آنوقت ناگهانی رو برویم می‌ایستد و میگوید:

- کی بتو گفت از آقای «ص» پول بگیري؟ کی؟!

با بی‌اعتنایی میگویم:

- هیچکس نگفت. او پول داد و من هم گرفتم. مگر کار عجیبی کرده‌ام؟ مثل گاوی که شکمش از شدت درد ورم کرده باشد، فاش فاش می‌کند و میگوید:

- عجیب کار بدو کثیفی انجام دادی...

وقتی میبینم محسن خان تا این حد عصبانی است و اختیار خودش را از دست داده است، لذت می‌برم و به همین جهت میگویم:

- پس پولی که من در ازای یک شب هم خوابگی با آقای «ص» گرفته‌ام زشت و کثیف است؟ از فرط خشم پوز خندی می‌زند که بی‌شباحت به خنده می‌مون نیست:

- بلی! زشت است، کثیف است، تهوع‌آور است!!

خواننده‌گان عزیز ژوندون قضاوت میکنند

و کامراتی از نو آغاز کرده باشی. منم زاده این اجتماع هستم و در همین خاک تربیه و بزرگ شده‌ام و بالاخره منم انسان هستم و پرسبیل کرامتهای انسانی از خوشی هاخوش و از اندوه های انسانها رنج می‌برم. پس شما می‌شوم اگر بتوانم درینحالت در ماندگی و بیچارگی یا تو خواهر دزد دیده‌ام معاونتی کنم.

«عادت پروانه دارم در طریق دوستی شاد می‌گردم چراغ هر که روشن میشود بنسأ آنچه از توان انسانی و امکانات بشری اعم مادی و معنوی بر آید دریغ نمیکنم، خدا کند قبول نموده متون سازی، بامید سعادت و صحت کامل تو.

با احترام

محمد کریم «آرزو» از ولسوالی اندخوی.

بود ازینرو بعد از تلاشهای زیاد از اولین شماره به مطالعه یاد داشتهای لیلا پرداختم. داستان لیلا واقعاً داستان غم انگیز است و زندگی لیلی که دستخوش اشخاص منحرف و فاسد اجتماع گردیده ولی به یقین باوجود آمدن نظام مترقی جمهوری دیگر این چنین اشخاص مفسد و فساد پیشه مجال فعالیت های انحرافی را در محیط و اجتماع ندارند، چون دیگر آن دوران سیاه که هر استفاده جویی را مجال چا پیدن مردم بوده بسر رسیده است.

لیلی عزیز، تو خیلی جوانی، حیثیت دختري بسن و سال تو چنین مفت‌از دست برود. امید که حالا صحت یاب گردیده و غمهای گذشته را فراموش نموده زندگی را با خوشی

آقای دید بان «مرتب صفحه یادداشت های لیلی»

بعد از تقدیم سلاهای گرم و موفقیت مزید شما و باقی کارکنان این مجله را از بارگاه ایزدی خواهانم خودم یک تن از هوا خواهان مجله و زین ژوندون میباشم ولی مدت مدیدی از وطن دور و بیکی از ممالک امریکائی مشغول فرا گرفتن درس و تعلیم بودم و این امر باعث آن شد تا برای مدتی از مطالعه مجله ژوندون محروم بمانم. ولی هیچگاه نشرات خوب و نوشته های آموزنده مجله را فراموش نکردم ازینرو هنگامیکه بوطن باز گشتم در همان روز های نخست با اشتیاق زیاد یک شماره از مجله ژوندون را خریدم و مطالعه اش کردم نظرم را صفحه روزنه بسوی تاریکی‌ها یادداشت های لیلی بود به خود جلب کرد که داستان غم انگیز

هنوز بدنش میلر زده.

بعد، نمیشود گفت ناگهان نی
اما پس از گذشت چند لحظه، محسن
خان.

سرش را بلند می کند و مثل اینکه
هرگز گرفتار چنان خشم و دگرگونی
یسی نشده است، چشم به
صورتش می اندازد و لبخندی هم
ضمیمه آن میکند و میگوید:

— هیچوقت ندیده بودم اینطور
عصبانی شوی، این بار اول است.

جدا از تو باید ترسیده.

خنده نشاط انگیزی میکند و می-
گوید:

— خوب، هر چه بود، گذشت
شانس آوردیم که آقای «ص» متوجه
نشده است در آن شب چه کارهایی
کرده است. حتی مطمئنم پیادش
نمانده به او ۲۵۰۰ افغانی داده و رنه
حتما بمن میگفت، بهمین جهت بهتر
است تو هم این موضوع را فراموش
کنی و انگار که آقای «ص» اصلا

پولی بتو نداده است.

بعد رستم را در دست میگیرد و
میگوید:

— اینطور بهتر نیست.
بایقیدی میگویم:
— نمیدانم.
— نه! باید بدانی!
آقای (ص) خیال نمیکند که تو
... تو ... چطور بگویم. تو با من
بیگانه هستی میفهمی چه می
گویم؟

سرم را تکان میدهم و میگویم:

— نه!

با انگشتا نشن موهای روی
گوشش را صاف می کند:
— گوش کن آقای (ص) خیال
می کند، تو با من وابستگی داری ...
حالا فهمیدی؟ خیال میکند تو جدا
بامن نسبتی داری ... فهمیدی!

نا تمام





خوشحال خټک

الر : ۱- غنی یف
ت : ابویوا

ترجمه : شرعی
قسمت آخر

شاعر کلاسیک پشتو

خوشحال خان خټک

خوشحال خټک که با قواعد عروضی ادبیات کلاسیک دری عمیقاً آشنا بی داشت هر چند در اشعار خود، موضوعات و تمثایلهای مربوط به این ادبیات را مورد استفاده قرار داده اما توانسته است بانها رنگ ملی بپاشد، و از همین نقطه نظر مانمی توانیم بگوئیم که خوشحال خان فقط یک محقق در ادبیات کلاسیک میباشد.

در آثار شاعر نوعی فرد گرایی پر حماسه مخصوص بخود وی، جوش و خروش و روح تعالی پسندی احساس میگردد. در بسیاری از اشعار خوشحال خان خټک که منعکس کننده روح عالی انسانند - ستانه میباشد، به موضوعاتی چون عشق آتشین بزرگی، مهر و محبت نسبت بانسان، علاقمندی شدید به دانش و معرفت و پیکار علیه

پیداد وستم و غیره بوضاحت بر میخوریم.

شاعر در اشعار عمیق فلسفی خود بیانگر اندیشه های ژرف پیرامون جهان و ماهیت آن و همچنان در باره زندگی انسان میباشد. او ضمن ترنم فضایل دانش و هنر بیست نفیس پر محتوای ذیل را ایراد می کند.

ترجمه :

«از آدم بی دانش و بی هنر بگریزد آدم بی هنر خوشه بی دانه است» در جای دیگر دانش و هنر را وسیله بزرگواری انسان میدانند و چنین اندرز میدهد :

دانش ترا به قلل عالی بالا میبرد اما چهل به حضيض ذلت فرو می کشاند.

هنگامیکه ضرورت دانش و هنر را برای آدمی تلقین میکند، با کمال جسارت چنین داوری مینماید.

ترجمه :

«آنها که فاقد دانش و فضیلت است، حتی اگر بر اریکه خسروی هم متکی باشد، همپایه گراز، یا گرگ یا گاو و یا الاغ بدان»

شاعر هنر را ارجی بر تر از تمام ثروت های جهان می نهد و میگوید :

ترجمه :

«انسان بی هنر را فرزند خود بشمار حتی او را انسان مخوان در ردیف حیوانات حساب کن»

(هر قدر رسیم وزر و هر قدر قدرت در اختیار داشته باشی، باز هم بدان که هنر بر تر از تمام آنهاست.)

شاعر در باره استادی که دانش و هنر می آموزاند، ربا عی بر مضمونی سروده است.

اندیشه بی که در قالب این شعر افاده گردیده، دارای اهمیت تربیتی در توجیهی میباشد :

ترجمه :

«آنها که بتو مطلب سود مندی آموخته، صرف نظر از خوردی یا بزرگیش، آموزگار خود بدان»

«با این ریش سفید، حتی سیاس گذار کو دکی خواهم بود که نزد آمد و مطلبی را برایم آموزد»

مرد هرگز در برابر ناملایمات زندگی زانو نمیزند. او با کار نامه های مودمند خویش در جامعه، سزاوار عزاز و اکرام میگرد و شایستگی اعتماد مردم را پیدا میکنند. شاعر

در ابیات ذیل، این مطلب را جدا مورد تأیید قرار میدهد :

ترجمه :

«هیچکس نمیتواند تنها با حرف مرد باشد مردی هر انسان، در فعالیت و کردار او نمایان میگردد»

«مرد فقط در اندیشه هنر خود است و هیچگاه غم سیم وزر را نمیخورد»

«و پیوسته در باره عزت و آبروی خویش می اندیشد»

زاد مردان جهان کسانی اند که هر گونه دشواریهای زندگی را با جان تن میزدیند.

مردی در کردار است، نه در گفتار تا مردان بسیار لاف میزنند، اما کمتر عمل میکنند.

شاعر هنگامیکه پیرامون فضایل انسانی توسن اندیشه میداند. در های گرانمای افکار ژرف حکیمانه خویش را استناد دانه در رشته نظم میکشد و بعلاقمند آن فضیلت و حکمت عرضه میدارد.

تحقق افکار انسانند و ستانه پیشروی که در اشعار خوشحال جان خټک تحسین یافته، در شرایط جامعه طبقاتی که شاعر در آن بسر

میبرد خیلی دشوار بود. از همین نقطه نظر شاعر ناپسا مانیمای محیطی را که با قلبی آکنده از حسرت و در در افسوس در آن می زیست، بباد انتقاد میگیرد بزبانی استهزاء آمیز آنها محکوم مینماید.

ولی او با وجود آنهمه ناپسا مانیمای محیط زندگی، هرگز دستخوش یاس نمیگردد. او در اشعار خود سراینده سعادت و خوشبختی انسانست و باینده روشن او خوشبین است و با شور و مراقب انتظار دارد که روزی آرزوهای انسان جامعه عمل پیو شد.

عمل پیو شد.

عمل پیو شد.

عمل پیو شد.

عمل پیو شد.

عمل پیو شد.

عمل پیو شد.

عمل پیو شد.

عمل پیو شد.

عمل پیو شد.

عمل پیو شد.

عمل پیو شد.

عمل پیو شد.

عمل پیو شد.

عمل پیو شد.

عمل پیو شد.

عمل پیو شد.

عمل پیو شد.

عمل پیو شد.

عمل پیو شد.

عمل پیو شد.

عمل پیو شد.

عمل پیو شد.

عمل پیو شد.

عمل پیو شد.

عمل پیو شد.

عمل پیو شد.

عمل پیو شد.

«مردم، در بیکران دریای غم و اندوه غرق شده اند. اما روزی آنها ازین دریا سر بدر خواهند آورد» این موضوعات عالی هو مانیتی و روح سلخشو رانه ای که در اشعار خوشحال خان خټک بهشاه هده میرسد الحق مایه افتخار ادبیات ملی افغان ها بحساب میرود.

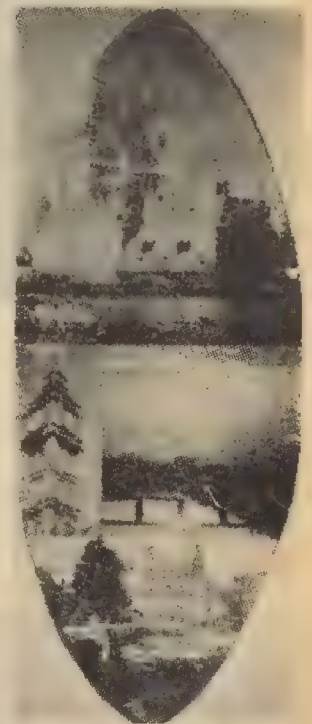
میتوان در باره ایجاد های ادبی این شاعر کتب متعددی نوشت. در حقیقت هم آفریده های گوناگون ادبی

بقیه در صفحه ۶۲



سرزمین کهن

کشتی عجیب



در جمهوری لتونی ۵۸۳ سا ختمان تاریخی تحت مراقبت دولت میباشد تنها در سال گذشته جمهوری دو ملیون روبل برای تعمیر آن آثار تاریخی خرچ نموده است . در نما یشگاه خاص تعمیر آثار تاریخی درلندن کار استادان جمهوری که قصر (ترا کالیک) را تعمیر کرده و نجات داده اند ارزش بسزائی کسب نمود . ترا کای ۵۰۰ سال پیش یکی از مهمترین مراکز سیاسی و سوق الجشئی لتونی بود . در حال حاضر در سالون های تعمیر شده ایمن قصر موزه جالبی دایر شده است .



چندی پیش کشتی عجیبی از بندر گاه بندر تیومن (در رود خانه تو را واقع در غرب سیبری) خارج شد ، ملیون روبل برای تعمیر آن این کشتی که آنرا می توان نیرو-آثار تاریخی خرچ نموده است . در گاه شناور لقب داد ، (روشنائی قطبی نما یشگاه خاص تعمیر آثار تاریخی ۲-) نام دارد . این کشتی که ظرفیت آن ۲۲۰۰ تن است دارا ئی دستگاه های مولد برق توربو گازی باشد قدرت هر يك ازین دستگاه ها ده هزار کیلو وات دست ، نیرو گاه شناور مزبور قادر است مصرف اهالی وکارخانجات يك شهر ۵۰ هزار نفری را تامین نماید ، تمام نیرو گاه بوسیله ۵۰ نفر اداره میشود .

کشف سکه های مسی که متعلق به

۴۰۰ سال قبل است

در نتیجه حفر یائی که در «اترا» مرکز قدیمی نمده در جوار رود-سبحیون بعمل آمده يك طرف سفالی محتوی ۹۰۰ سکه مسی کشف شده است . در روی سکه های مسی تصاویر حیوانات افسانه ای دیده میشود . باکئونین این شکر ها که به کدام دوره با حکومت تعلق دارد میسر نشده است ولی همینقدر

به انتظار مایو نور

شدن



چندی قبل در انگلستان داکتری که صاحب سرمایه هنگفتی بود، فوت نمود و در وصیت نامه اش چنین نوشته بود که چون هیچ وارثی ندارم ، سرمایه سرشار او به خانم (امیلا وا یست) که همکارى همیشگی او بوده متعلق است . اما بدین شرط که خانم امیلا برای پنج سال اجازه ندارد ، آرایش کند ، لباسهای کوتاه بپوشد بایک مرد و یا با گروهی از مردان تنها باشد . حالا اگر خانم امیلا توانست این دستورات را بکار برد طبق وصیت نامه دکتور ، صاحب میانها افغانی خواهد شد و در غیر آن ممکن به دستش ایمن سرمایه نرسد .

کوت. دلچسپ. خواندنی

استفاده از آب کوهستانات

در ایالات متحده امریکا برای اینکه همیشه آب کافی بمزارع برسد دانشمندان آن کشور همه ساله درمواقع برف و یاران، مناطق کوهستانی و مقدار برف پاریده در کوهستانات آن کشور را با استفاده از وسایل تخنیکی و علمی اندازه گیری می کنند تا در مواقع ضرورت به کمبود آب دچار نشوند.



سارق موزه دالاس بدام افتاد



شخصی که نگهبان موزه دالاس واقع در امریکا بسود، در دوران ماموریتش در موزه به پسر کاکا پش که لوئی دبروون) نام داشت اجازه میداد که شب رانسبت سر دی هوا

در داخل موزه بخوابد. ولی خوب آقای لوئی آرام نبود، چون هرشب درین فکر بود که باید چیزی را سرقت کند. به این منظور او هرشب چیزی را از موزه می بردید و روز بعد آنرا در کنار ساختمان موزه بمهر ضس فروش قرار میداد، ولی سر انجام بدام افتاد، چون آقا لونی يك مجسمه

عتیقه جاپانی را که در حدود یک میلیون ففنی ارزش داشت می خواست به پنجصد افغانی بفروشد، آقا لونی به زندان افتاد و ضمناً نگهبان موزه نیز از کارش بر طرف گردید جستجو برای پیدا کردن خریدارانی گوناگونی هشتند و آشنای آن موزه با قیمت نازل خریداری نموده اند ادامه دارد، تا جای که معلوم گردید خسارات وارده ازین ناحیه بموزه در حدود ۱۰۵ میلیون افغانی و درآمد آقای لوئی در حدود هفت هزار افغانی تخمین گردیده است.

استفاده از جگر میمون برای علاج يك مريض

يك پرستار ۲۲ ساله آلمانی که مصاب بمريضی هیپا تیتس جگر بود و حالتش خیلی وخیم بود و امکان می رفت تا چند ساعت دیگر زنده نماند تحت يك عمل عجیب قرار گرفت دكتوران برای علاج خون او را به منظور نصفیه از جگر يك میمون (موسوم به پاویان) عبور دادند، پس از دوازده ساعت جگر او رومو لالا

پرستار مريض بدالگونه پیچود یافت که خوب کار میکرد، این نوع عمل در آلمان کاملاً سابقه اعلام شده است.

صدر اعظم دانمارك در لباس کشیش ها

چندی پیش آقای پاول هار تلینك صدر اعظم دانمارك كه قبلاً کشیش بوده است، برای عقد دخترش کاری کرد كه همه را به شگفتی وا داشت میگویند در آن شب هزاران خبرنگار و عكاس از چندین مملكت به دانمارك دو کلیسای بزرگ جمع شده بودند برای این دسته، عروس و داماد مهم نبودند، ولی به آنچه بی صبرانه انتظار می کشیدند ورود آقای پاول هار تلینك پدر عروس بود كه در لباس کشیش ها باید وارد کلیسای بزرگ میشد. در آن شب خود آقای پاول برای حفظ سنت خانوادگی كه گفته میشود قبلاً کشیش بوده لباس کشیش ها را به تن کرده و مراسم عقد و ازدواج را خود بپایان رساند.





تېبه کوونکي . ن

خوب

ماد گلو باغ کړلی و څزان کښی
د جنت خوب می لیدلی و جهان کښی
ماد مخکی په مخ هغه لال کتلو
چه موندلې په بر جونو د آسمان کښی
او زما په ځوانی مست په عشق بیخود زړه
فرق ونه کړ په تصویر او په جانان کښی
زه پخپل ارمان مین وم په تا نوم
ځکه ورځی تیر ومه په ارمان کښی
ته چه راغلی ستاد زلفو ارمان لاره
های مستی د مجنون پای بیا بان کښی
ماله سو دوصال زیان شو پکښی ورک شو
هغه یار چه می موندلی و په زیان کښی
زه په غم، مسیت په فراق باندي مدهوشه
مرم دقتدی د گلو نو په باران کښی
پتنګ پوند شو دلمر سپینی پوند کړ
لونگی گل پسی ژای گلستان کښی
د ځوانی مستی می شو له ځوانیمرگه
د جنت خوب می لیدلی و جهان کښی
(غنی)

څه شول؟

په دنیا کښی یاری نشته یاران څه شول
دوستان نه وینم په سترگو دوستان څه شول
چه په هر دم به یی مخ هزار جاوه کړه
دغه هسی رنگ مېرویه خو بان څه شول
عنبر مویه پری رویه سپین دقنه
آهو چشمه شکر لب تر کان څه شول
چه دشمی په انوار تر خپل سر تیر و
د هفوشمعو دمخ پتنگان څه شول
هر سحر چه د پلبلو پری غوغا وه
دچمن هغه تا زه زیږی گلان څه شول
چه هر باغ هر یو گلشن پری رنگین و
سره لاله او نسترن وریحان څه شول
(عبیداله)

دام

چه دلبر می لاس په سر دسلام کیښود
پیلخانه می بیا په مخه کښی دام کیښود
دغم تنده په می ماته هغه دم شی
که په الی می یار دسور ابو جام کیښود
نشوم بنیاد دساده رویو له تومنه
که هزار څله می لاس په کلام کیښود
خوار ملوک یی چه دغم په سیلاب یوړی
بنا پیرو ځکه تومت پری د خام کیښود
چه دلبر دخود کامی په سر پکښاست
په عشاقوی قلنگ دنا کام کیښود
دیدن هله به زما له یاره وشي
که مولا به رقیب رنځ دز کام کیښود
لامله به شم آزاد دغم له قیده
که یار نوم به ما امیر دغلام کیښود
(امیر خان هجری)

پیغور

آهو چشمو چه یی زړه په افسون وکیښ
هغه سیر له ودانی په هامون و کیښ
انتظار یی دترگیس گونه کړه ژپړه
سروی سر پسی له باغه بیرون وکیښ
دا یی بیاخ له گل سره په تلوار پریکړی
که دزړه سره می ترکو له مون وکیښ
بیښوده می صبح دم پولی وگری
دغه آه زما له غمه گړ دون و کیښ
چه یی وکیښ څښ توپری دیار له لاسه
ساده دل دامید زړی زر غون وکیښ
هر یو داغ شی دیغور راپوری ښلی
چه بی یاره می هر دم دژوند ون وکیښ
دا په اور باندي ژوپ دکیاب خپړی
که فریاد دیار له غمه محزون و کیښ
و آسمان ته به دشعر زینتی کیردی
که حمید دغم له سره زنگون وکیښ
(حمید)

عطر تازه یاس.

نوعطر تازه یاسی ، وما به خانه من
تو دست نرم بهاری در آشیانه من
کین شید آن همه افسانه ، قصه قصه تست
بیایا که حدیث تو شد فسانه من
ز شاخ خشک کمان ریخت برگ قصه او
شکفته شاخه شویم ، توتی جوانه من
بهشت بی تو به دیدار خلق ارزانی
من تو نیم و بهشتی است کنج خانه من
بنار شبانه انگشت موی تو دام است
تو نیز رام بیاسای روی شانه من
خطاست حرف ، چو لب راتوان به بوسه گشود
پیام بوسه من ، حرف عاشقانه من
چو زورقی که تنم رسته از تلاطم موج
سکوت خلوت آغوش تو کرانه من
ز تلخ رفته چه گویم ، که زندگی فرداست
شیم گذشت تو فردای جاودانه من
چه خوش درون من آمیختی ، چو من درون
طین نغمه سازی تو در ترانه من
بروی خافی



بگذار و بگذر

من سر سبکتم مرا بگذار و بگذر
نکم بدم ، بنم ، مرا بگذار و بگذر
دام ، مسکال بتابی چهره ازناز
اندر مسکلم مرا بگذار و بگذر
بر حرکت خود سوزی عبت میگری ای شمع
منس بیانم ، مرا بگذار و بگذر
دردم نمیداد کسی بگذار تا مرگ
کوسده سکسم ، مرا بگذار و بگذر
در دیده رویای عدم سنگین نشسته
در خواب شیر ینم ، مرا بگذار و بگذر
آینه دل تیره از رنگار غمهاست
بیرونک و رنگیم ، مرا بگذار و بگذر
بگذار زنجیرم کنده دژخیم ایام
در درد صریم مرا بگذار و بگذر
بگذار جسم کابوس ناکامی نبیند
چشم جهان بینم ، مرا بگذار و بگذر
(شهر آشوب))

در خانه ام، در خانه ام

ای نازنین از عشق تو دیوانه ام ، دیوانه ام
این مردم عاقل نسا بگذار و پیش من بیا
دنبال دنا یاز مرو ، یار جهانجویان مشو
از عطر و لطف و رنگ تو ، لذت میکند آهنگ تو
در داستان های کهن ، جای تو باشد زدمن
هر لحظه ای بنوازم و زبانه ، نثری سازم
ز دیک خویشت خوانده ام ، در انتظارت مانده ام
دیگر چرا در میزنی ؟ در خانه ام ، در خانه ام

دریاب

امشب ز سر زلف تو آشفته ترم من
از حسرت لعل لیت ای نور دو دیده
سایه که ز نس چنگ به آن حلقه گیسو
ار طوطی طبع سخن تلخ مجو تید
یک قطره آب از دم تیغ تو امید است
از ناز گری ، کشیدم ، که به نگاهی
سیده سرم خاک در پیرمغان است

مغشور اگر از دو جهان بسی خیرم من
(سید اکروخی))

آخر

بکچند بکودگی با ستاد شدیم
بکچند بروی دوستان شاد شدیم
بایان حدیث ماتو بشنو که چه بود
حون ابردر آمدیم و چون باد شدیم

زند گانی!

ای بیتو حرام زند گانی کردن
خود بیتو کدام زند گانی کردن
هر عمر که بیرخ تو بگذشت ای جان
مرگست و بنام ، زند گانی کردن

مرد

در راه نیاز ، فرد باید بودن
پیوسته حریص درد باید بودن
مردی نبود گریختن سوی وصال
هنگام فراق ، مسرد باید بودن
«مولانا جلال الدین بلخی»



بنار خفته من

قسم بمرور وفایی که هیچ از تو ندیدم
که بیتو با همه عالم بجز غمت ، پیریدم
به آرزوی وصال تو عمر من بر آمد
بنار خفته من ، خفته ای بنار و نسا نی
روزگار جوانی سپید شد همه مو یم
که من بشام فراقست چه دیدم و چه کشیدم
(ناصر امیری))

نغمه چنگ

نغمه ی چنگم در این بزم از نیامد دلپذیر
ای امید جان ! بیخشی ، این گنه بر من مگیر
میزدم انگشت چون بر تار چنگ
نغمه ها میریخت نفوذ رنگ رنگ
باد میماند از دهر میداشت گوش
سرو الفسون کرده هر جا ، مه خوش
آسمان در وجد میشد ، خاک هم
مبوشان گنبد الاک هم
تلفتم از این نغمه گزوی طاق عالم پرده است
ارمغان سازم بتی کار زوی جان ماست

برده بود از دهر مرا دیو غرور
پای کویان آمدم از راه دور
اینک اینجا پیش تو شومنده ام
و دهه بی آردم سرکش بنده ام
نغمه ها دهر بگشت خفته است
جان من از این نگاه آشفته است

چسبیدم در بزم تو سازم ؟ بانگ ناسازی و بس
مایه دلداری ، بیبوده آوازی و بس
شوق دیدار توام در ره کشید
ز دهر دا خوشید دهر که کشید
لوزد از صبرت دل سر مست من
زان نباشد گرم و جایک دست من
وای من ! کان آرزو بر باد شد
منگرتو ، دشمن من ، شاد شد
شرم آید بر آید بر زبانت نام من
وای بر این جان دشمن کام بدو جام من
پنه ، خانلری



مترجم - نیرومند

نوشته از: میل جان برون

مسافرت پرثمر

باشد.

مورفی با لحنی که آهنگ تأثیر داشت گفت: از جواهران چیزی نمیدانم. و میخواهم ببینی از دوستانم یک تحفه اهدا کنم. ببینی از دوستان قدیمی و بسنیار خویم که در شفاخانه بستری میباشد.

هانری کاتر چشمهای موطوب مورفی کشیش را هنگام حرف زدن باور کرد.

مورفی اینطور به صحبتش ادامه داد: او صرف برای چند روز دیگر درین جهان مہمان خواهد بود. این دوست من میخواهد پیش از مردن آخرین تحفه را به همسرش تقدیم کند و آنگاه ویرا گذاشته به سرای دیگر بشتابد.

کاتر اظهار داشت: ممکنست همین ساعت انگشتی‌ها و جواهرات را نزد او ببریم تا خودش دیده یکی را انتخاب کند.

مورفی جواب داد: متأسفانه دکترهای معالج به هیچکس اجازه عیادت از او را نمیدهند. وضع صحتی او وخیم است. صرف من اجازه ملاقات او را توانستم ام از اطبای معالج به دست آورم شما منظور مرا می‌فهمید که می‌گویم...

مورفی صندوقچه جواهر را از دست کاتر گرفت. برای یک لحظه حالت تردید و دودلی به کاتر دست داد. اما زودتر خود مسلط شد.

مورفی اظهار کرد: من تا غیبت ساعت دیگر همین جا بر میگردم شما می‌توانید تا باز گشتن من برای خود ویسکی ریخته گلوی تانرا تر کنید. در ختم کار مورفی از اتفاق هتل بیرون رفت. لنگ لنگان از دهلیز عمارت هتل گذشته خود شرا به گفت رساند باورود به لغت دیگر

از آمدن یک واعظ و مرد با طریقت آگاه شوند او در کلیسای شهریک نماز آرام بجا آورد و مو عظه بلند بالای کرد. ضمناً با روحانیون شهر معرفی شد. همچنان دیدن و تیرین مغازه تمجب و حیرت‌افز را برانگیخت مخصوصاً از دیدن یگانه جواهر فروشی شهر متحیر شده. هانری کاتر جواهر فروش به نظرش مرد جالبی آمد. مورفی در یک هتل رحل اقامت افکند و برای دربان هتل که یکس سفرش را حمل میکرد دعای خیر و برکت کرد. به این ترتیب از دادن پول بخشش ابا ورزیده سه روز پس تقریباً همه مردم شهر کشیش لنگ را میشناختند که به دستگیری از غربا و محتاجان می‌پرداخت با محبت با آنها رفتار میکرد و مریضخانه شهر یتیم‌خانه و حتی به محبس کوچک شهر ریور نالس سرانجام حاجان را می‌گرفت. پس از گذشت سه روز مردم شهر این مرد خدادوست را به دوستی برگزیدند. ولی هیچکس نمیدانست او از کجا آمده است سه روز بعد این مرد خدا دوست از رفتار خودش خسته شد. آل شریف خواست از لنگ راه رفتن بس کند او از کلکین اتاق هتل هانری کاتر را صدا زد و پیش خود خواند. از او خواست چند حلقه انگشت الماس قیمت پها از مغازه الماس انتخاب کرده با خود به اتاق او در هتل بیاورد.

مورفی کشیش انگشتی‌های الماس قیمتی را بدقت از نظر گذشتا نده اظهار داشت: انگشتی‌های قیمتی هست و یقیناً بسیار قیمتی هم. در حدود هزار دالر.

هانری کاتر با خوشحالی پاسخ داد: قیمت اینها پنجمین دالر می

آن ویتسن حین گشودن کلکین اتاق در یک صبح مطبوع تابستان اظهار داشت: من بزرگتر هستم. ویتسن تگاهی به سطح آرام خلیج سانفرا نسکو افکنده. هوای بحر را عمیقاً تنفس کرد. اهالی شهر بطلت مجبوری به او آل شریف می‌گفتند. شاید این اسم بخاطری روی او گذاشته بودند که آن ویتسن آدم محترم و متواضعی جلوه می‌نمود. مخصوصاً در آن روز صبح مانند یک کشیش واسقف مردی مهربان و آرامی به نظر می‌آمد. او از طریق وعظ و ارشاد مردم به نیکوکاری و اخوت نسبت به همنوع زندگانی اشرا تاملین مینمود. آن ویتسن نه تنها ازین راه صاحب لب نانی میشد بلکه کرایه آپارتمان لوکس و مصروف روز مراه البته نه چندان زیاد خود را دست و پا میکرد. او با لباس کشیش‌ها در همه جا ظاهر میشد و بشیوه مردان روحانی به مردم پند و نصیحت میداد اهالی شهر سمت کشیش‌انجمن مورفی را به او واگذار شده بودند. این مرد محترم در یک روز کمی از عصر گذشته وارد شهر کوچک ریور نالس به فاصله دور، بسنیار دور از شهر بزرگ سانفرا نسکو گردید. در طول راه همه به مردم وعظ میکرد و به او نه راه رستگاری و دیانت را تبلیغ مینمود دستهای متشنج او که همیشه روی شکمش بسته میبود و یک پای لنگش نشان میداد که این مورفی محترم امتحان دشوار سر نوشت را هم گذشتا نده است.

در طول عصر روز مورفی کشیش در شهر گشته. با محله‌ها و اهالی شهر آشنایی حاصل کرد. و چنان عمل نمود تا مردم شهر ریور نالس

پایش نمی‌لنگید. در مقابل دروازه هتل موترش را متوقف ساخته و یکس سفری اش هم در داخل نیمساعت بود که هانری کاتر ناراحت شد. آل ویتسن درست به روی های وی جانب سانفرا نسکو به سرعت موتر می‌راند.

پس از چند صد کیلو متر راه پیمایی به کنار رودی رسید که کلیه کک های تور یستیک بمنظور کمپینگ برای اجازه گرفتن ساخته بودند. در ساحل رود خانه چند مرد نشسته سر گرم ماهی گیری بودند.

آل ویتسن با خود فیصله کرد چند صیاحی را به تفریح بپردازد.

دو روز بعد تر با یک توری پر از ماهی به طرف کلیه خود برگشت و حین رسیدن به آنجا که مردی را در یو نیفورم مقابل کلیه منتظر یافت.

آن مرد خوشرو مامور نظیبه محل معرفی کرد. آل ویتسن از شنیدن اسم لانتک مامور نظیبه با وصف گرمی هوا احساس مجمله و لرزه نمود.

علاوفا در یک استیشن همان صندوقچه جواهر زیاد داشت هانری کاتری بوده مامور نظیبه با تأثیر اظهار کرد: متأسفم که مزاحم شما میشوم. اما مسلماً خوشحال می‌شوید که مال خود را دوباره به دست بیاورید. این صندوقچه همراه اگر اجازه گفتن آنرا داشته باشم، با اجناس قیمتی محتوی آن که البته مربوط به شما هست. یا...

آل ویتسون در یافت که ذهنش باید سر به عمل کند. او هیچ حدس نمی‌زد که موضوع از چه قرار است.

اما برخورد تهیّب ز. احتیاط ظرف بقیه در صفحه ۵۹

چارراهی های بیرو بار

طرح بازسازی «چاراهی ها» از وسایل ترافیکی، موفق شد.

یکشنبه ۲- اگست ۱۹۷۲ مردمان پایتخت باخوشی از اینکه می توانند بدون دردسری در جاده گیزا، بیرو بارترین جاده شهر، پاآزادی قدم بزنند، از جاده ها با آرا می بگذرند و دیگر چراغ سبز و سرخی بکارنه باشد از خواب بیدار شدند.

دیگر از صدا های کرکننده و گوش خراش موتور و گازهای درد سر آور، ترس از تصادم خبری نبود در حقیقت جا معه ای که در آن احتیاجی به احتیاط نبود بماند، و این جای شگفتی است.

در اول برای همه این حادثه بیگانگی می نمود. در گذشته اطفال عادت کرده بودند که با عجله و شتاب زندگی جاده ها را در هنگام چراغ سبز عبور کنند، ولی حالا همه چیز بارامی می گذشت و این لذت آور بود.

دیگران نیز از این فرصت استفاده کردند.

جفت های جوان دست بدست با خاطر آرام قدم می زدند، عکاسان با آوازی مشغول تصویرگیری زنها جوان بوده نمایش دهندگان لباس آخرین مدرابنمایش گذارده، موسیقی دانان جواق با هستکی قدم برداشته و گیتا رمی زدند همه مردم باخاطر آسوده در یک فضای باز قدم می زدند.

طوری که گفته شد شهرهای دیگر حائان نیز دست به چنین اقدامی زدند. با پایان سال اول طرح خیابان های بدون ماشین در روزهای رخصتی نظرف ۲۴ بناروا می ها پذیرفته شد.

بدون (موتور) در دسترس مردم بگذارند تا در آن ها به گردش خرید و فروش، بازی و غیره کارها بدون ترس از غول ترافیک، — بپردازند.

کار جاده های بدون (موتور) برای اولین بار چار سال قبل در توکیو آغاز یافت. و بدنبال های شهرهای دیگر از جمله اوسکا دست به این عمل زد. اکنون تمام خانواده های نوآیند بروزهای یکشنبه و یارخصتی های دیگر، بدون کمترین دردسری خود را در بیرو بارترین نقطه شهر برای خرید و یا قدم زدن بدون ترس از ترافیک، بپردازند به این ترتیب

وسایل مناسبی را از جاده ها دور بریزند. لیکن، طوری که دیده میشود، این راه حل درست نبود تا اینکه هر کس برای پذیرفتن مسوولیت هایش در برابر شهر آگاهی حاصل کند.

بعد، طرح اینکه بخشی از شهر راه به پیاده روی اختصاص دهند بسیار آمد زیرا شهر برای مردمان است نه برای غول های بزرگ ماشین.

این پندار ساده ای است: رفتار همه وسایل ماشینی را در روزهای یکشنبه و دیگر رخصتی ها از جاده های معین، قدغن کنند و جاده های

وضع تقریباً غیر ممکن می نمود. قرن ماشینی مردم را از خیابان های توکیو و دیگر شهرهای جاپان بیرون میکشید. توکیو از لحاظ جاده های پر موتور، ملیو نه پیاده روی دیگر وسایل رفت و آمد در ده شهر های بزرگ قرار گرفت. نتیجه آن شد که دیگر کنجایش برای باز نمودن دکان جدید و ادامه بشیوه قدیم زندگی باقی نماند، آنها همیشه در برابر خطر ترافیکی قرار داشتند این بدان معنی است که دیگر غیر ممکن بود «شهر را دوباره بسر دمان آن سپرد».

گام اساسی این خواهد بود که تمام



دربین دو تصویر جاده معینی را در دو وقت یکی هنگام تردد موتور ها و دیگری کمرفت و آمد موتور ها قرغ شده است، نشان داده میشود

دولتی بدون خطر مرگ



دروغ های قرغ مردم باخا طر آسموده در چار راهی ها به تفریح میپردازند



در این هنگام حتی دست به نمایش های «گدی ها» میزنند

با آمدن تابستان ۱۹۷۳ تشنه در نوکیو ۹ مرکز بدون مو تر بمیان آمد. در مرکز شهر نقاطی چون جاده گیزه ، شینجو کو ، اکو بکورو ، اونو اساکوسا ، شیبویا ، کما تا یمنسی باسی ونیو باشی وغیره و در سراسر کشور اکنون ۲۴۷ مرکز (بدون مو تر) بمیان آمد.

فقط در توکیو درازی این جاده های بدون مو تر به ۲۳ کیلومتر می رسد. فقط جاده گیزا با طول ۵۰ کیلومتر یکی از دراز ترین و پر پیرو باز ترین محل را میسازد . سود این طرح فراوان و مفید است آن نه فقط برای پیاده روان است بلکه دکاندار که در مسیر این جاده ها قرار دارند ، نیز بهره کافی می برند. تعداد مردم بروی اینکو نه جاده ها نا پنج برابر شده است و این خود معنی خرید بیشتر را می دهد. این کار حتی مشکل بر درد سر خرید را از بین برده است .

دروغ های معمول قرغ ، تا ۱۲۵۰۰۰۰ باشندگان و کیودست به گردش و پیاده روی در جاده های قرغ شده می زنند . بر علاوه دکان نیز خواهان تطبیق این طرح اند تا سطح فروش شان بلند برود . اکنون این حالت در توکیو یکی معمول شده است ولی برای کسیکه باز اول وارد شهر شود و خیابان های دراز بدون وسایل ماشینی را ببینند از شگفتی انگشت بد هان خواهند گریست . روز های که اجازه نرود به مو ترها



روز های قرغ ، فرصت خوبی برای گردش در جاده های بزرگ را میدهد

حمید دهمده غه شانی انسانا نا نو
څخه پو تن و چه دناروا او تیری له
لاری نه به تل دکلیو الو په حقوقو
باندی بلو سیده، دخان مړولو اوډیر
مال را ټولولو په خاطر به یی دهیڅ
ډول ناوړه عمل څخه هم ډډه نه کوله
او کله یی چه دنا مشروعی لاری نه
پوځه هستی مونده کړه نو بیایي
ورسره په سود خوړلو هم پیل وکړ.
ورو، ورو یی پسی نوم ویوست
او په نږدی سیمه کښی به چه هر
څوک اې شول او یابه ورته مړی
او ژوندی ور پینښ شو نو نا چاره
به یی دحمید کورته منډی وروهلې،
دهغه ږیری اوښو ته به یی لاس ور
اوږداوه اود خپل کار دچلولو دپاره
به یی ور څخه په گټه د پیسو
غوښتنه کوله.

حمید چه یو هکاک او چټاک سری
ولومړی خوبه یی ډیر سر او پښی
کډول او په آسانی سره به یی نه
غوښتل چه دهغه محتاج انسان عرض
او غدر ومني او بیایه یی چه کله اې
انسان دخپل احسان ترد رانده
بار لاندی راوست نو ضرور به یی
ورته داهم ویل چه : (هلکه زه خو
چه چاته پیسی ورکوم نور څخه
شرعی خط هم غواړم اولدی چه زما
پیسی خوله نوری گټی نه لوړی نو
ناچاره یم چه گټه یی هم ورسره
معلومه کړم).

اړکس به چه بله مخه نه لیده
نوناچاره به یی ورسره دهغه فرمایش
ته د تسلیم غاړه اېښودله اوضرور
به یی ورته داسی ویل چه :
(باداره: منم، داخو دی خپل حق
دی او څوک چه ستا دروازی ته
سترگی را اړوی نوستا گټه خودی
هم تر پښو نه لاندی کوی او...)

په همدی توگه حمید پخپل کلی
اوسیمه کښی د یوه ښکارچی ښه
غوره کړی وه او کله به یی چه چاته
د یوه کال په مخه شل زره افغانی
ورکولی نویا به یی په محکمه کښی
ور څخه دپنځه ویشو زرو افغانیو
شرعی حجت هم تر لاسه کاوه اوچه
کال به یی پوره شو نسود خپل
پوروی څخه به یی دخپل پور غوښتنه
وکړه اوچه هغه به یی درکړی توان
نه درلود نود یوه بل او خونورو
کلونو تر راپریدو پوری به همدغه
شل زره افغانی پسی به زیاتیدوی
او تر څو چه به د څوکونو په اوږدو
کښی هغه پیسی پسی یو لکو او

زیاتوته پسی ورسیدی اوچه پوروی
به یی دورکړی څخه په فطعی توگه
عاجز شو نو خپله ځمکه به یی په
نیمایی بیه ور باندی وبلورله.
دحمید شته منی به ورځ په ورځ
مخ په زیاتیدو وه ولی دکلی دډیرو
خوارانو او غریبانو کلی یی ورپه شا
کړی اود هغوی پولی او پټی یی په
راز، راز سحرانو او نیر نگوښو ور
څخه تر لاسه کړل.

هغه د څوکونو په موده کښی د
سیمی دنامتو بډایانو څخه وشمیرل
شو اود کلی ملک هم شو. څو
موټرونه اود خپلی پراخی کروندی
دکر، کیلی دپاره یی دوه ټراکتورونه
هم واخیستل.

حمید په شمار اوه تنه زامن
درلودل او ټول یی خوانی ته رسیدلی
وو نو ځکه یی پخپل زاده انگي او
پخوانی کلا کښی د اوسیدلو دپاره
پوره او زیاتی خونی نه درلودی اوپه

دحلم (ظریفی) په قلم :

یومحلی او اجتماعی داستان

د خټگر لور

یوه مناسب ځای کښی یی دنوی کلا
به ودانولو باندی لاس پوری کړ او
ماما چه اصلا په کلی کښی دیوه
گاونډی په دود اوسیده او پوله پټی
یی نه درلودل په پخو و هلو اودکلا
گانو په جوړولو کښی یی خاص
شهرت درلود.

هغه دسیمی یو نامتو خټگر او
له ځانه سره یی دوه تنه نور ملگری
هم در لودل چه په گډه سره به یی
دختی په پخولو، پیل ورکولو او
ودانولو کښی سره مرسته کوله او
حمید چه اوس نودکلی ملک هم و
مما ته یی احوال ورلریږه چه زه غواړم
نوی کلا ووهم نو ژر ځان
راورسوه چه سره خبری وکړو.

ماما دملک صاحب ددغه پیغام په
درناوی په منډه له ځایه څخه پورته
شو او مخ دملک دکور په لوری
باندی و خوځیده هلته چه ورسیده
نوپه ادب سره یی داحترام اوسلام
برځای کولونه وروسته له ملک سره

په خبرو کولو پیل وکړ اود کلا
ودانولو په هکله دمقدماتی خبرو نه
وروسته دواړو سره له هغه ځایه
پا څیدل اومخ به هغه خوا وخوځیدل
چیری چه هلته ملک غوښتل نوی کلا
وهی.

د ځای ور ښودلو اودیوه گزه
پخځی وهلو دیی د پریکړی نه
وروسته دیوشمیر شرطونو په اساس
ملک وویل چه :

(هرکله دی چه کلا بشپړه ووهله
او کاری پای ته ورسیده نو بیایي
دیماش وهلو نه وروسته پیسی
درکوم).

ملک دا وویل اود ځینو مهمو او
ضروری هدایتونو دور کړی نه
وروسته بیرته دخپل کور په لوری
وخوځیده او خټگر ماما بیانو خپل
ملگری راوستل اودملک دکلا په وهلو
باندی پیل وشو.

پوره آته میاشتی خټگر ماما د

ملگرو سره دکلا په وهلو باندی تیر
کړل اود سیم په شانی سیمځی اود
ناوی په شانی ښکلی پخځی پسی
وهلی.

دملک دلوی کلا د څلور خوا
دیوالونو دجوړولو کار پای ته ورسیده
اود منی دموسم په وروستیو وختونو
کښی د خټگری دکار څخه دیخنی
شدت مخنیوی وکړ.

هر څوک به چه له لاری نه تیریدل
نو یو واری خوبه یی هم دملک د
بورجوری اولوی کلا دښکلاننداره کوله
او بیا به یی نوددغی کلا دجوړونکی
په ذوق او کمال باندی آفرینو نه
ویل.

خټگر ماما له خپلو دوو تنو نورو
ملگرو سره مخ دملک دکور په لوری
باندی روان شو اود کلا پیما شولو
اوحساب خلاصولودپاره دملک حمید
حضور ته ورغلل او بیایي له ملک
سره د روغې کولو نه وروسته دکلا

دیماش اومزدوری اخیستلو موضوع
منځ ته راواچوله.

ملک چه دکبر او غرور په نیلی
باندی سپور گرځیده په هټکی سره
یی وځندل او بیایي وویل :

(ماما جانه تاخو دکلا دیوالونه
وهل، خیردی وی ژمی دی تیر شی
اوچه په راتلونکی کال کښی دکوټو
نقشه هم درته واچوم او هغه هم په
سر ورسوی نو بیابه سره حساب
کړو).

د خټگر دووتو ملگرو یوه او بل
ته سره په څیر، څیر وکتل چه
گوندی دالانچه کیسه او څه ټوکه
را جوړه شوه، ته با دزورور په دام
کیونو اویا دواړو دماما اوملک په
لوری وکتل او ملک بیاهم دخندا په
خپو کښی دلاهو کیدلو سره ماماته
ووېل -

(ورک مه شی - خدای دی خبر
پینښ کړی، اوس څی بیابه کال ته
سره خبری کړو).

ماما خټگر دسپاره اسویلی ایستلو
سره ملک حمید ته دعذر په لهجه
ووېل چه :

(ملک صاحب دکال خبری به بیا
له کاله سره کوو، موږ خو مزدورکاره
او غریب خلک یو، دادی اوس ژمی
راغی او چه ته مومزدوری راته رانه
کړی نوژمی دپاره به غله اونور ضروری
شیان له کومه کړو اوموږ خوکوم
پوله او پټی او نوره هستی هم نلرو
چه گوندی په کورونو کښی به مو
کندوان ډکوی. ټول کال موستادکلا
به جوړولو کښی سوځونکو لمرونو
ته په خټو کښی پوستکی واچول نو
راباندی مهربانی وکړه او زموږه در
بدره او آبتړه حال په لوری خو هم
وگوره).

ماما خټگر چه دا وویل نود ملک
صاحب دقهر اوغوسی پیړی راپورته
شو، د خولسی نه یی
څگو نه را ښکاره شول او په
غضبناکه لهجه او تریو تندی سره
یی خټگر ماما ته دخطاب کولو ژبه
را دباندی کړه -

(ورک شه بوینه، تر څوچه می د
کلاکوټی هم په سرونه رسوی نویو
پول هم در باندی حرام دی، ډیر پی
ماغزه مه راخوابوه څه ورک شه لاره
دیوه).

د زورور په وړاندی دمظلوم او
کمزوری دگریوانه دپاسه د اوښکو

کاروان په رابهيډو شو او بيا هم چه هر څومره خټگر ماما دغدر او زاريو له لاري نه دخپل حق غوښتنه کوله دقهرجن او مظلوم وژونکي زړه رانهوست او خبره هن تردی پوري ورسیده چه ملک صاحب خپلو څو تنو کورنیو نوکرانو ته امر وکړ چه خټگر اود هغه دوه نور ملگری په زور دملک دمخې څخه لیری کړي. نوکرانو په قیل وهلو، زور اوترتلو سره دملک حمیده لقاویې څخه دری واده خټگران دباندی وایستل اوچه دکوټی څخه دباندی شول نو دملک کورنیو نوکرانو ور ته وویل چه :
 «خه، خټگر ماما اوس ولاېشه، نن دملک صاحب چرت هم چندان په ځای نه دی بیاکه خپرو کومه بله ورځ ورته راشه».

پخه زن خټگر اود واده نور ملگری یی سره بیرته ولاړل اود یوڼي خبرو نه وروسته د خټگر ملگرو پخپله خټگر ته داسی وویل چه :

(ماما چانه موږ دملک سره کوم کار نه لرو، موږ ستا په خوله راغلی یو اوخپله مزدوری له تا څخه غواړو موږ هم دهمدغی خواری او مزدوری له لاری نه یو څه گټو او بیا ورباندی دخپلو کورنیو او ماشومانو دپاره د جامو اوخوراکي غمه خورو).

خټگر دخپلو ملگرو خبرو له اوریدلو سره لاپسی زړه بدی او خواشیننی شو او هغوی ته یی په پریشانه ونکی لهجه سره وویل -

(تاسو ولاې شی، خدای خو مهربانه دی گوندی دملک په زړه باندی به درحم اوپه توی شی او مزدوری به راکړی).

دواړو ملگرو یی وویل چه -
 «اښه ده اوس به لاپشو اودری څلور ورځی وروسته به بیا راشو خو کوښش وکړه چه مزدوری ورځخه واخلی».

خټگر ماما له خپلو ملگرو سره دخدای پامانی وکړه ، هغوی ولاړل او پخپله بیانو خپل کورته ننووت. کورته دننوتلو سره یی پیغلې لور خرما دهغه دحال او بهی څخه د خپگان او ناامیدی راژونه وغږول او څکه یی هم دخپل گران او خټگر، مزدور کاره او خواری کښ پلار څخه تپوس وکړچه :

(باباجانه، نن دی ډیر چرت خراب دی، رنگ دی الوتی بریښی خبرخو دی ناروغ خوبه نه یی؟)

خټگر دخپلی لور په ځواب کښی

په خواره او مهربانانه ژبه سره وویل :

(په لورکي، چرت می خراب نه دی ناروغه هم نه یم هسی می فکر پسوی خواته را څخه سر کړی دی که نه خیر اوخیرت دی).

خټگر دخپلی هغی کوتی تیاری ته ور دننه شو چیری چه هلته به د

غواړم چه یوه گری ویده شم ډیرو خټو او پخو وهلو می ټول هډونه را خپلی دی).

خټگر دزړه قفسر دپاسه اوږد وغزیده اویا نو دخرما مورورپاندی دهغه خپل زړو او خیرن څادر وغواړوه .

خټگر تر څا دره لاندی خپلی



سترگی دلور، زوی او ماندیجی د سترگو څخه پټی کړی خو ویده نه شو چرتونه یی وهل او پخپل زړه کښی یی دملک صاحب سره دکلا دیپسو دحساب پریکړون کاوه. د فکر وتوبه سمندر کښی یی لامبو وهله او راز

راز پوښتنو او ځوابونو، خیالو نو او اندیښنو به یی دکارگر زړگی د پاسه تیندکونه خوړل .

پوره دوه گری وینښ او غلی پاتی شو اود اوږده سوچ اوژور فکرکولو نه وروسته یی خپل زړه ته ډاډ ورکړ چه :

(ملک صاحب به آخرهم خدای مهربانه کړی، قهر به یی کښینی او ضرور به راته خپله مزدوری راکړی بیا به نوکه خپروکی ور باندی دژمی دپاره غله او نور ضروری موادواخلم اود خرما اوجمیل دپاره به ورباندی دجامو ټوکرهم را نیسم).

پور تنی خبری د خټگر وروستن فیصله وه او بیایسی نو بیرته خپل څادر له مخ څخه پورته کړ، په خوښ اروا بڼه سره یی یوه او بله خوا کتل اودخپل ځای نه دپا خیدلو نه وورو سته بیانو دخپلی ماندینی او خرما سره په خبرو شو .
 دخپرو په ترڅ کښی دخرما مور ور څخه تپوس وکړ چه :

(سپیه، څنگه شوله ملک صاحب نه دی دکلا مزدوری واخیسته اوکه په ۹۴ چه دادی ژمی راغی او غله مله به ورباندی اخلو).

خټگر دخپلی میرمنی په ځواب کي وویل :

(ملک صاحب خونن راته پیسی رانه کړی دوه دری ورځی ورو سته به یی که خدای کړه راکړی اویا به نو ور باندی دژمی خرڅ برابر کړو).

دای وویل، چوپ شو اود زړه دننه یی بیا دملک دزور او بی عدالتی سره دخپال په فضا کښی په جنگ او جگړه لاس پوری کړ. دری څلور ورځی تیری شوی اود خټگر ماما د خټوکولو اوکلا وهلو دواړه ملگری بیاراغلل. د خټگر ماما نه یی په جدی ډول سره دخپلی مزدوری او پیسو دورکړی غوښتنه وکړه خو خټگر بیا هم یوه او بله خوا دنیستی سترگی واپړولی او هغوی ته یی په ځوات کښی وویل -

(تاسو کښینی او چای به وخورئ زه به یوواړی بیا هم دملک صاحب کره ورشم گونلنی داسی بد به نه کوی او حلاله مز دوری به مو راکړی).

پاتی په ۶۳ مخ کی

نورستینا یا خستگی اعصاب



هر گاه کسی باین بیماری سر-
دچار شود از مجادله و فعالیت می-
ایستد. چنان معلوم میشود که محیط
باوی سازگار نبوده خود را مایوس
شکست خورده احساس میکند. به
طور عموم سه خاصیت درین قسم
بیماری بارز و برجسته میباشد.
۱- وضع فیزیکی بیمار کاملاً سقوط
میکند بعلمت اینکه یک دوره ممتد
بحران ها و محرومیت ها را دیده یا
اندازه خسته و کوفته میشود که باز
زحمت کشی را قبول نمی کند.
موقوف وضع صحی اش واقعی است اما علت
آن فیزیکی نه بلکه هیجانی است
پس نخستین نشان این بیماری
خستگی کلی است بدون اینکه علت
آن معلوم باشد.

شاگرد چانس خوبی نیفتند. نوع اشخاص در جمعیت تک و تنها
۳- نشانه سوم آنست که بیمار می مانند هرگاه مادر دختری بسیار
از لحاظ روابط اجتماعی گوشه گیر و
تجربد پسند میشود همیشه آرزو و
میکند که تنها بدون دوست زندگی
کند و از همین سبب است که این نورستینا دچار گردد.

۲- نشانه دوم آن اینست که
بیمار اکثر در خیال غرق میباشد ازین
جهت مریض بکوانیف وحاد ثائیکه
در اطرافش جریان دارد و با ن ها
اتفاقی ندارد. هرگاه شاگردی باین
آسیب ومرض دو چار باشد بهدایاتی
که معلم و استاد در صنف میدهد
توجه کرده نمیتواند.
و از همین سبب ممکن است برای

معلومات برای جوانان

جلو گیری از چپه شدن های احتمالی

برای جلوگیری از اکسید نیت و
چپه شدن های احتمالی موتور سکلیت
ها، مخصوصاً برای جوانانیکه عادت
به تیزرانی دارند و کمتر توجه درین
قسمت می دارند با بکار بردن
دو پایه عرابه دار به دو
طرف موتور سکلیت
و نصب آن تا اندازه از چپه شدن
و منحرف شدن موتور سکلیت جلوگیری
پعمل آمده است. بکار بردن این نوع
آلته در موتور سکلیت ها
جوانان را بیشتر تشویق نموده
که باز هم با سرعت
بیشتر برانند اگر چه با بکار بردن
این وسیله تا اندازه از چپه شدن
های احتمالی کاسته است ولی با آن

صفحه ۴۰



هم احتیاط در راندن موتور سیکل و
مدنظر داشتن مقررات ترافیک
و وظیفه هر جوان است. از همین
سبب است که برای تیز رانان موتور
سیکل مقررات شدید وضع شده است
بهر حال این وسیله سبب شده
که جوانان اروپایی باز هم با سرعت
موتور سکلیت برانند و هر چه پیشتر
بر سرعت خویش بیافزایند. غافل از
اینکه ممکن است با وجود نصب این
وسیله باز هم خطرات برایشان وجود
داشته باشد.

ژوندون

وجدان

- وجدان صدای خداوندی است. (لارماتین)
- عالم بی وجدان هیچگاه صاحب روح پاکي نخواهد بود.
- (راپولد)
- همیشه قضایا را قبل از اخذ تصمیم به محکمه وجدان تسلییم نمایند.
- وجدان آینه ای را ماند که نه تملق میگوید و نه تعقیر مینماید. (فتیکو)
- (واشنگتن)
- رضایت وجدان بالاترین مسرت هاست.
- (ژول سیون)
- وجدان نماینده تقدس، پاکدامنی، عفت و قدرت است.
- (الکسا ندروما)
- وجدانت را مجبور مکن که نفهمید آنچه را که می بیند.
- (پلوتارک)
- کسیکه در هر امر وجدان خود را تعبیت می نماید هیچگاه خسته نشده و از زندگی ملول و از روزگار متالم نیست.
- (پاکون)

سخنان کوتاه و آموزنده

- بی نیازتر از همه مردم کسی است که در بند آز نباشد.
- بهترین پولها پولی است که انسان برای نان خوردن خود خرج میکند.
- طمع کار از همه مردم فقیسر تر است.
- قرض کمتر کبر تا آزاد باشی.
- لباس نو بپوش و نیک ناسم بزی.
- توو آنچه داری متعلق به پدرت هست.
- صدقه که بخویشا و نه دهند پاداش مکرر دارد.

(فرستنده: نویمان، ن)

شماره ۲۸ و ۲۷

جوانان

واز دواج های تحمیلی

صادقانه اعتراف میکنم که در زندگی خو شبخت نبوده و نیستم اگر چه برای يك مرد این سخن خوش آیند نبوده ولی میخواهم با این مختصر تذکر برای پدر و مادر ها هوشدار بدهم که زندگی فرزندان شانرا تباه و بدبخت نکنند چقدر پابند و سوم کهنه و فرسوده که در آن پوی از خو شبختی احساس می شود و نه برای زن و شوهر جوان سعادت ببار می آورد.



ولی با تمام این ها باید جوانان به این رسوم، پسازند و خو شبختی خود را فدای هوسهای پدران و مادران خود نمایند.

و اگر زبان به کله و شکایت باز نمایند بدن شان زده میشود و پا گرفتار و سر زدنش های پی در پی صدا را در حلقوم شان خفه میکنند.

شما بگو پدر و مادر که بشربه ماه می رود ولی ما هنوز از گهر این همه خرافات و رسم و رواجهای کهنه

آیا میدانید؟

افغانستان در ۱۹ نومبر ۱۹۴۶ - عضویت سازمان ملل متحد را حاصل نموده است.

از نقطه نظر مناظر طبیعی در دنیا مملکت سوئیس درجه اول است.

از نقطه نظر سلسله کوه ها و مناظر در دنیا طبیعی افغانستان بنام سوئیس، آسیا یاد شده است.

از نقطه نظر هتل های زیاد در دنیا مملکت سوئیس درجه اول است.

از نقطه نظر آثار تاریخی در دنیا مملکت ایتالیا درجه اول میباشد.

ارسانی سید احمد شاه شامله

در جستجوی

دوستان قلم

میخواهم با کسانی که در باره موضوعات مختلف اجتماعی معلومات و علاقه داشته باشند مکاتبه نمایم.

آدرس: هرات محمد نبی معلم صنف نهم لیسه سلطان.

مایل هستم با برادران و خواهرها انیکه در قسمت جمع آوری تکت پستی علاقه داشته باشند مکاتبه نمایم.

آدرس: لیسه عالی شیشه درانی

آرزو دارم با آنانی که در باره ادبیات دری افغانستان مخصوصا ادبیات در قرن ۱۸ و ۱۹ معلومات جمع آوری کنم لطفا به این آدرس بنویسید.

لیسه نادره - عبدالفرید معلم صنف یازدهم.

میخواهم در قسمت موسیقی کلاسیک معلومات داشته باشم کسانی که در این باره میتوانند معلومات بدهند لطفا به این آدرس مکاتبه نمایند.

کنز - احمد نظیر معلم صنف دوازده لیسه شیرخان.

خواهان مکاتبه با کسانی که در باره آرت و مجسمه سازی علاقه مند باشند.

آدرس: صلاح الدین متظم صنف یازدهم لیسه صنایع کابل.

من علاقمند آواز مپوش و تلا ند هستم کسانی که بامن هم عقیده اند لطفا به این آدرس مکاتبه نمایند.

محمد نادر از شهر نو هرات.

صفحه ۴۱

نقش تخم مرغ در زیبایی

با تخم مرغ لطافت پوست و دوام موی خود را دو چندان کنید

داد که تخم مرغ از کاملترین غذاها است زیرا تخم مرغ دارای پروتئین که سازنده بدن است و آهن و ویتامین های «آ» «ب» «س» برای سلامت بدن و کلسیم (برای استخوانها و اعصاب) است خوشبختانه مقدار کالری تخم مرغ کم است بنا براین به خوبی قابل تحمل است و میتوان در هر رژیم از آن استفاده کرد.

اگر می خواهید در ظرف سه روز تا حد قابل توجهی از وزن خود بکاهید این دستور را انجام دهید: دو تخم و دو پیما نه شیر را (که در حدود ذوب است) با اضافه آب دو لیتر بزرگ و یک قاشق مرباخوری روغن زیتون و اگر دوست دارید کمی شکر با هم مخلوط کنید. اینها که در حدود نیم کیلو است شود میتواند جایگزین غذای روز شما باشد. گاهی اوقات برای سرعت بیشتر میتوانید آب یکی از میوه جات خاندان لیمو را با یک تخم مرغ و یک قاشق مربا خوری عسل مخلوط کنید و بخورید توجه داشته باشید که گلسترول تخم مرغ زیاد است بنابراین اگر گلسترول بدنتان زیاد است یا فشار خون شما بالاست باید قبل از استفاده از رژیم تخم مرغ با دکتر خود مشورت کنید. اما اگر دارای بدنی نرمال هستید از تخم مرغ استفاده کنید چون بهترین و سالمترین و کاملترین غذا است.

تخم مرغ و پوست صورت :

تخم مرغ معدن کوچکی از مواد مفید و ضروری است بیضه تخم مرغ از پروتئین خالص درست شده و باعث بسته شدن و از بین رفتن منافذ میشود و همینطور کمک میکند که خون بیشتری به سلول ها برسد.

شیوه عمل یابن ترتیب است :

باید سفیدی تخم مرغ را از زرده جدا کنید آنرا تکان بدهد یا همانطور بصورت مایع برای چند لحظه بگذارد. سپس با انگشت یا مقداری پنبه روی صورت و گردن خود بمالید فقط مواظب باشید که زیر چشم بمالید نشود. آنگاه ۱۰-۱۵ دقیقه تامل کنید و بعد صورت را با آب گرم بشوید مایعی که داخل پوست تخم مرغ است بهترین ماده برای از بین بردن چروک های زیر چشم است انگشت خود را داخل پوست تخم مرغ به آرامی بگردانید و سپس آن را زیر چشم خود بمالید. بعد از چند دقیقه که خشک شده آنرا بشوئید.

در مورد زرده تخم مرغ باید گفت :

زرده تخم مرغ بهترین ماده برای نرم کردن پوست صورت است. برای این منظور چند قطره روغن بادام را با زرده یک تخم مرغ مخلوط کنید و روی صورت بمالید. بعد از اینکه خشک شد آنرا بوسیله یک تکه پنبه که در آب توشه از روی صورت پاک کنید.

تخم مرغ و موی سر :

اگر از موهای چرب ناراحت هستید بهترین راه برای از بین بردن آن استفاده از سفیده تخم مرغ است. موهای را به چند قسمت کند و به کمک یک برس دندان این مایع را به سر خود بمالید بعد از اینکه کاملاً تمام قسمتهای سر را مالیدید بگذارید تا پنج دقیقه روی سر بماند سپس با مقدار آب گرم خوب موهار را با مقدار آب گرم بشوئید در دفعات بعد میتواند از همان شامپوی معمولی خودتان استفاده کنید بعد از شستن موی سر با این شامپو لازم است مودا خیلی خوب با آب گرم نه خیلی داغ آب کشی کنید از این شامپو باید گاهی گاهی استفاده کنید زیرا اگر بطور مرتب مودا استفاده قراود دهید باعث سست شدن موی سر میشود.

درمو فایفچین موئیز می تواند از تخم مرغ استفاده کنید باین ترتیب که سفیده تخم مرغ را به آب تناسب دو برابر مخلوط کنید. اگر قسمت از موی سر که میخواهید بپسجید کمی از این مایع به آن بزنید وقتی موهای کاملاً خشک شد آنرا برس بزنید در آخر اگر هنوز مقداری از آن مایع باقی مانده باشد می توانید در دفعه بعدی که سر خود را میشوید روی سر بپسجید و بعد از آن موهار را آب کشی کنید. بعد از حمام خواهید دید که دارای موهای براق و نرمی هستید.

یکی از سر شناسترین و بهترین دکترها عقیده

ویتامین ها

بعضی از خوانندگان عزیز ژوندون از ما خواسته اند که درباره ویتامین ها معلومات داده و ضمناً متذکر شده اند که کدام ویتامین ها در کدام میوه جات و سبزی جات بیشتر یافت میشود. ما هم برای اینکه خواسته این عده خوانندگان را باسیسمت که از همین شماره درباره ویتامین ها گفته شده معلومات خواهیم داد و در هر شماره یک یک از ویتامین ها را معرفی خواهیم کرد.

۱- ویتامین ای

این ویتامین عموماً در سبزی یجات مانند زردک، پالک، مریسرخ و در میوه جات مانند مالت، هسته و غیره یافت شده همچنین در جگر گوسفند روغن ماهی و زرده تخم مرغ به کثرت دیده میشود البته مقدار موجودیت آنها متفاوت اند.

کمبود این ویتامین در بدن ابتداء موجب کندی رشد و نمو گردیده و سپس انسان تدریجاً لاغر میشود.

علامت کمبود ویتامین ای در وجود انسان در چشم پیداشد و در زمینه چشم خشک شده و بالاخره بکوری منتهی میگردد.

ژوندون

زینان و دختران



تپه از: مریم محبوب

در گوش حرف نگوئید

معمولاً بعضی ها در حضور دیگران در گوش همدیگر حرف میزنند این کار موجب ناراحتی دیگران میشود. چه آنها پیش خود میگویند :

«شاید این دو نفر میخواهند دربارهٔ مساصحت کنند» و همین قسم هزار فکر و خیال دیگر می کنند و از این کار آن ها بالاخره اصل مفهوم واقعی را یافته نمی توانند ناراحت میشوند. در یک مجلس بدترین توهمین که دخترها ممکن است بکنند این است که در گوش حرف بزنند و بخندند.

دخترها اینکار را معمولاً از بزرگتر هایا میگیرند و خود گناهی ندارند.

و عیبه بزرگهاست که در کار های خود دقت کنند زیرا دختر ها درسین خوردی آماده پذیرش هرگونه بر خورد ها اند هستند.

دخترها اگر شما دیدید بزرگتر ها در گوش با هم حرف میزنند با کمال ادب به آنها یادآوری کنید که این کار خوب نیست و تا موجب نشود دختر هم در گوش یکدیگر حرف بزنند و اسباب ناراحتی دیگران را فراهم کنند.

فریده «سعادت»

پاسخ‌ها به نامه‌ها

خواهر عزیز نوریه ف :
نامه شما را که حاوی مشکلات زناشویی
تان بود گرفتیم متأسفانه با ید عرض کنیم
که این‌گونه مشکلات در اکثر فامیل‌ها دیده شده
و دیده میشود برای رفع این مشکل باید گفته
شود که اگر شما بتوانید از پول پس انداز
خود استفاده کنید شاید بهتر بتواند برای
تان کمک کند .

به امید موفقیت تان

برادر عزیز آقای سید احمد شاه شامل:

نامه های پراز لطف و مرحمت شما مسلسل
نامه می رسد. البته بعضی از این نامه ها
درای مطالب چالب و خوبی است طوری که می
شود یکی از مطالب فرستاده شما را در شماره
نخستین به نشر رسیده ایم ما همیشه چشم‌پراه
همکاری شما دوستان خوب می باشیم موفق
باشید.

برادر عزیز ف ...
نامه تانرا گرفتیم از حسن نظر تان در مورد
مطالب صفحه تشکی در مورد مشکل تان باید
گفته شود که اگر امکان داشته باشد مشکلات
زندگی تانرا با پدر دختر در میان بگذارید
ساید مورد قبول او قرار گیرد.

الله یارتان

خواهر عزیز سیلا ...

اگر بگویم که چندین مرتبه از مطالب
ارسالی شما در صفحه به چاپ رسیده‌شاید
بازر نکند بانهم ما مضامین شمارا می‌گیریم

همکار عزیز نسیمه .. از شاه شهید.

مضامین ارسالی تانرا گرفتیم البته مطابق
نوبت حتما به چاپ میرسد.
با عرض حرمت

پول، پول، پول، چرا اینقدر پول میگوید. مگر پول خوشبختی بار میآورد..؟

موتری داشته باشد. چند روز قبل برایش
قرار معلوم پسری که از او
خواستگاری کرده به نهایت درجه علاقمند او بوده و
سخت او را دوست دارد اما متأسفانه پسروان
غریب است، غریبی که توانسته با نامالایمت
زندگی دست و پنجه نرم کند.

پدر و مادر دختر اول موافقه نمی‌کردند و
میگفتند، باید برای دختر ما جوانی طلبکار
شود که لااقل یک خانه مجوز در یکی از کارته
های معرف شهر داشته و ضمناً موتری هم
داشته باشد. جوان متحیر و بلا تکلیف بود نمی
دانست چه کند بالاخره با مداخله دوستان پدر
و مادر د ختسر موافقه کرد ند اما حالا
نه ناهزد شده اند دختر خودش اسرار
میکند که بساید پسرخوانسته های او را
برآورده سازد. و از این قبیل سخن ها برای
فامیل پسری زیاد گفته است و ...

خوب من نمی دانم که پول انسان را
خوشبخت میکند و یا محبت و دوستی، صفات
صمیمیت، عشق به یکدیگر و احترام متقابل...
نمی دانم چرا این عده مردم تنها به پول
و ثروت فکر میکنند و مصارف اضافی که در
آینده نزدیک احتمال دارد هرگونه مشکلات را
به وجود بیاورد. قبول میکنند.

در پایان آرزو منم اداره محترم ژوندون
در صفحه زنانه و دختران مطالبی پیرامون این
پرابلم جوان کشور به چاپ رسانیده تا به
مطالعه آن فامیل ها که خوشبختی اطفال
شانرا تنها به ثروت مربوط میدانند توجه شده
و بگویند که مصارف زراف را بالای جوانان
چه پسر یا شد و یا دختر نه قبولانند .
م، انور

حد تحمل پرست است باآنکه خودش
ماهانه پول مزافی بدست می آورد ولی باز هم
به پول پدر احتیاج پیدا میکند در این او آخر
آرزوی دیگری بدل پروانیده است وی میخواهد

در همسایگی ما فامیل زندگی میکند که از
پرمادی و ثروت، پولدار ترین فامیل منطقه
و محسوب میشوند در این فامیل دختری جوانی و
جود دارد که تنها به مادیات فکر کرده و بی



از: محمد سرشد عمری

احتیاج کودک به همبازی

باید طفل را تنها و با امید خود و اندراند بدون
اینکه توجهی با او نمایند نباید کودکانرا از برخورد
های اجتماعی و محبت آمیز دور نگذاشت اینگونه
کودکان که بگو تنها و با امید خودرها میشوند رشد
نفسی شان به کثتن و آرامی انجام نمیکند و کودک در
برخورد با کودکان دیگر و در اجتماع اطفال خود
را آزاد و بدون مانع حس میکنند و در تمام فعالیت
ها و خودرها و فریادها و تمام احساسات
و هیجانات دیگران با فامیل و رغبت شرکت میکنند
اغلب اینگونه اطفال دارای رویه پشاش، خدش
میباشد .

والدین نباید کلام مانع را در پناه برای
اطفال خود خلق کنند بلکه ویرا درین حصه با
روشهای مناسب تشویق و ترغیب نمایند.

جهت رشد و تکامل شخصیت بهتر طفل نیاز
به معاشرت دارد که این معاشرت تا نیمه تقیم
در رویه کودک داشته اما بعضی والدین بدون در
نظر داشت این روش از معاشرت کودکانش با
اطفال هم سنش ممانعت مینمایند اکثر اطفال
اجود، شوشد و ، انزوا طلب بار می آیند که
نشانه از اینگونه نه تربیه ناسالم والدین
میباشد که اثر آن حتی تا بزرگی در کمتر
و رویه وی باقی میماند .
باید دانست که اینگونه مادران در تربیت اطفال خود
دچار اشتباه بزرگی شده اند و بیجهت طفل را از
کودکان دیگر دور نگذاشته و از معاشرت او با
همسالانش جلوگیری کرده است زیرا و انشاسان
معتقدند که در پان بک سالگی وجود یک همبازی
در رشد و نموی معنوی کودک اثر فراوان دارد



ورزش



هفتمین مسابقات آسیایی خاتمه یافت

هفتمین مسابقات آسیایی به تاریخ نهم سنبله به اشتراك ورزش-کاران ۲۵ کشور آسیایی در تهران دایر شده بود شب ۲۵ سنبله با مراسم آتش بازی و روشن کردن مشعل ها خاتمه یافت .
درین مسابقات سه هزار ورزشکار از کشورهای آسیایی در شقوق مختلف ورزش به مسابقه پرداختند . درین مسابقات ورزشکاران نچایانی مدالهای بیشتر طلا نقره و برنز به دست آورده و حایز درجه اول شده اند .

در مسابقات آسیایی ایران دوم و جمهوری چین سوم شده است .
در جریان مسابقات آسیایی تیم فوتبال اسرائیل از فدراسیون فوتبال خارج شده است .
ورزشکاران جمهوری چین برای اولین بار در مسابقات آسیایی اشتراك کرده بودند .
برای تلویز مسابقات آسیا سی اضافه از دو صد میلیون دلار مصرف شده است .

نتایج مدالهای هفتمین مسابقات آسیایی که روز ۲۵ سنبله در تهران خاتمه یافت چنین اطلاع داده شده است .

ملکت	طلا	نقره	برونز
افغانستان	۰	۰	۷
جاپان	۷۵	۵۰	۵۱
ایران	۳۶	۲۸	۱۷
جمهوری چین	۲۳	۳۵	۲۸
جمهوری کوریا	۱۶	۲۶	۱۵
جمهوری دیموکراتیک کوریا	۱۵	۱۴	۱۷
هند	۳	۱۲	۱۲
تایلند	۴	۲	۲
اندونیزیا	۳	۴	۴
پاکستان	۲	۰	۹
سريلانكا	۲	۰	۰
برما	۱	۲	۳
عراق	۱	۰	۵
فلیپین	۰	۲	۱۲
مالیزیا	۰	۱	۴
کویت	۰	۱	۰

هیأت ورزشکاران افغانی از تهران بکابل بازگشت

هیأت ورزشکاران افغانی بعد از اشتراك در هفتمین بازی های آسیایی منعقد شده تهران بعد از ظهر روز ۲۷ سنبله بکابل مواصلت کرد .

بنیاعلی عیدالوحد اعتمادی سرپرست ریاست المپیک که ریاست ورزشکاران افغانی را در بازی های آسیایی به عهده داشت هنگام مواصلت به میدان بین المللی هوایی کابل از مهمان نوازی مقامات ایرانی اظهار امتنان نموده گفت در هفتمین بازی های آسیایی که بتاریخ دهم سنبله دایر گردیده بیست و شش کشور آسیایی اشتراك داشتند .
وی گفت نتایج بازی های ورزش-کاران مادر رشته های پهلوانی به سیستم گریکور وین و آزاد و اقلتیك خفیه قرار آتی است .

در کلاسی پنجاه و دو کیلو گرام سیستم گریکور وین بنیاعلی محمد اسلم حایز درجه سوم و مستحق نشان برونز شناخته شد درین گروه پهلوانان هشت کشور آسیایی سهم داشتند .

در کلاس شصت و هشت کیلو گرام به سیستم گریکور وین که بین پهلوانان ۹ کشور صورت گرفت همچنان در دین چارصد درصد ریی تیم انلتیک افغانی حایز درجه ششم گردید .

پهلوان اسلم

پهلوان اسلم در کلاس دوم با گرفتن مدال برونز مقام سوم را در هفتمین بازی هاو آسیایی کما کرد .
رادیو افغانستان در سرویس خبر های پست و دری شام ۲۰ سنبله خود پیروزی افتخار آمیز پهلوان اسلم را در کلاس دوم اعلام داشت که موصوف با گرفتن مدال برونز به حیت قهرمان سوم مسابقات آسیایی شناخته شد ، عین خبر موفقیت اسلم از طریق رادیو تهران پخش شد و به تعقیب آن سایر خبرگزاری های جهان این خبر را به علاقه مندان ورزش کشور های جهان رسانیدند پهلوان بقیه در صفحه ۶۲

تورنمنت خزانیه دختران معارف آغاز شد



تورنمنت خزانیه دختران معارف داشتند .
روز ۱۶ سنبله توسط بنیاد علی داکتر
صدیق معین اول وزارت معارف در
حالیکه سرود ملی نواخته شد درلیسه
ملایی افشاح گردید .
در محفلی که بدین مناسبت درآن
لیسه بر گزار گردیده بود بعضی از
معاین مکاتب نسوان ، علاقمندان
سیورت و اعضای تیم های مختلف
سیورت دختران معارف اشتراک
داشتند .
این تورنمنت تا ۲۵ سنبله دوام
داشت و بعد از ماه مبارک رمضان ،
مسابقات دو باره ادامه پیدا میکند .
در شروع تورنمنت بین تیم های
مکاتب نسوان درحالیکه بایو نیفورم
های مخصوص سپورتنی ملیس بودند ،
مسابقات دلچسپ صورت گرفت و
مورد استقبال تماشاچیان و حضار
سیورت دختران معارف اشتراک
داشتند .

شطرنج بازی در اتحاد جماهیر شوروی

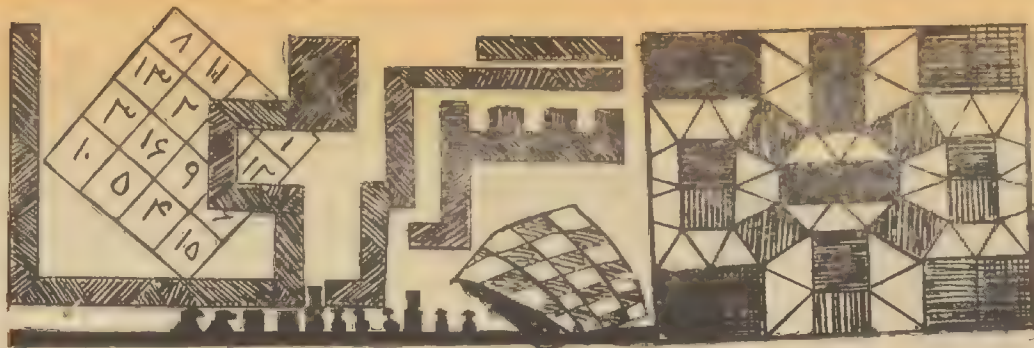


شطرنج بازی یکی از بازی دلچسپ
و مورد علاقه همه مردمان جهان است
درین بازی قوه دماغی و فکری انسان
بکار می افتد بر علاوه تکنیک حربی
و تعریفی را میاموزد زانکه که طرف مقابل
را مغلوب سازد شطرنج بازی در
اتحاد شوروی بسیار عمو میت داد
چنانچه در بسیار کافی ها و هوسل
ها و اطراف واکناف شهر کلوب های
شطرنج بازی وجود دارد هم درمکاتب
و انستیتوت ها و غیره جا ها تخته
های شطرنج جهت بازی علاقه مندان
موجود میباشد تقریباً بیش از
چهار ملیون نفر درین بازی عضویت
دارند که اکثر شانرا پرو فیسرانو
معلمین و شاگرد ها و اشخاص مسن
تشکیل میدهد شطرنج بازی های
اتحاد جماهیر شوروی به چند یکن

مخائیل بانوینک ، واسلی سمیلوف
و میخائیل تال ، تکران ، باریس وژنان
(بیکوه ، لودمیله اولگه ، نونه) نظر
به علاقه مفراطیکه جوان ها و شاگردان
در بازی شطرنج دارند در هفته
شطرنج مردمان نظریه علاقه و ذوق
زیاد که دارند از اطراف شهر برای
تماشای این بازی می آیند جوان ها -
نیکه در خدمت عسکری میروند بعد
از تعلیمات عسکری زیاد تر وقت خود
را در شطرنج بازی سپری مینمایند
و این بازی را وسیله آسایش خویش



میدانند راجع به مسابقات بین المللی
شطرنج بازی سال های ۱۹۷۲ -
۱۹۷۴ در جراید اتحاد جماهیر
شوروی نکات جالب را نگاشته اند
استاد اینکه جهت رهنمایی مسابقات
شطرنج میباشد نکات علمی را برای
طرفین می آموزاند در روز های
مسابقات نامه نگاران جهت تهیه
اخبار به کلوب های شطرنج بازی
میبیند و نتیجه بازی را در روز نامه
ها تحریر میدارند و در امتیاشن های
تلویزیون طرز بازی آنها را نمایش
میدهند و تمام مردم تماشا می نمایند
بطور خلاصه از شرح تصاویر ذیل
علاقه و دلچسپی مردان و زنان و اطفال
اتحاد جماهیری را مشاهده خواهید
کرد .
صفحه ۴۵



جدول جغرافیائی

از دو خطایک صواب

درین جدول اسم نه موضع جغرافیایی مربوط به کشور عزیز ما که دو حرف (ان) در همه آنها وجود دارد آمده است و ما برای اینکه تشخیص آنها آسانتر شود یک یادو حرف دیگر از حروف نام آنها را نیز در جای خود آن آورده ایم تا شما با استفاده از اطلاعات جغرافیایی خود اسم هر کدام را پیدا کرده بفرستید. البته در صورتیکه نتوانستید باید تا هفته آینده که جواب صحیح آنها در همین صفحه میخوانید صبر کنید

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط
خ	خ	خ	خ	ن	ا	ی	ا	ن
خ	ر	ا	ن	ا	ن	ا	خ	خ
خ	خ	خ	خ	ن	ا	س	ا	ن
خ	خ	خ	خ	ن	ا	ر	ا	ن
خ	خ	خ	خ	ن	ا	ب	ا	ن
خ	خ	خ	خ	ن	ا	ر	ا	ن
خ	خ	خ	خ	ن	ا	خ	ا	ن

طرح کننده : مونس بشیر

- ۱- از ولایات سمت شمال .
 - ۲- مرکز ولایت وردک و میدان .
 - ۳- از شهر های معروف شمال کشور که قالینهای نفیسی شهرت جهانی دارد .
 - ۴- نام عمومی منطقه ایست که دو ولایت نیمروز و غراره را در بر میگیرد آن نام هم یاد میگردند .
 - ۵- همه ساله عده کثیری سیاح داخلی و خارجی از آثار تاریخی این ولایت دیدن میکنند .
 - ۶- کوتل مشهور است در شمال شهر کابل که در دامنه آن شهر ی بهمان نام آباد شده است .
 - ۷- از ولسوالی های ولایت بغلان .
 - ۸- مرکز ولایت جوزجان .
 - ۹- مرکز ولایت غور .
- صفحه ۴۶

ریاضی دانهای قدیم ، برای حل بعضی از مسائل حسابی ، قاعدهای را بکار میبردند که به حساب خطائین مشهور بود و با پیشرفت ریاضیات بخصوص «الجبر» که توسط آن بسیاری از مسائل دشوار را می توان حل کرد ، حساب خطائین بتدریج متروک شد تا آنجا که امروز از آن جز در کتابهای قدیمی ، اثری دیده نمیشود .

و ما آنرا بعنوان سر گر می در اینجامی آوریم . اساس حساب خطائین ، بر دو خطا نهاده شده بود ، یعنی وقتی که مساله طرح میشد ، کسی که از او سوال شده بود ، عدد دلخواهی را در نظر میگرفت و مطابق جزئیات مساله عملیات حسابی را انجام میداد ، در آخر کار اگر نتیجه صحیح بدست می آمد ، کار تمام بود و اگر نتیجه غلط می بود ، دو باره عدد دلخواه دیگری را در نظر میگرفت و باز به عملیات حسابی میپرداخت ، اگر این هم نتیجه اش غلط ظاهر میشد به کمک قاعده حساب خطائین ، از دو خطائی که رخ داده بود ، می توانست جواب صحیح را استخراج کند که البته از دو خطایک صحیح را بدست آوردن ، بدست خود کار جالبی است . بد نیست که شما هم حساب خطائین را بدانید و به کمک آن بعضی از مسائل حسابی را حل کنید هر چه باشد ، دانستن از ندانستن بهتر است .

البته میدانید که در هر مساله حسابی هدف اصلی یافتن عددیست که برای ما مجهول است . پس وقتی که مساله ای طرح میشود ، شما ابتدا عدد دلخواهی را بجای عدد مجهول فرض کنید و اسم آنرا «مفروض اول» بگذارید سپس مطابق سوالی که شده است عملیات را ادامه دهید ، در پایان کار ببینید که تفاوت نتیجه ای که بدست می آید با نتیجه ای که باید بدست آید چه اندازه است و آیا نتیجه غلطی که بدست آمده بیشتر از نتیجه مطلوب است یا کمتر ؟ این تفاوت را اگر زیاد تر باشد «خطای زاید» و اگر کمتر باشد «خطای ناقص» نام بدهید و یاد داشت کنید . سپس عدد دلخواه دیگری را در نظر بگیرید و اسم آنرا «مفروض دوم» بگذارید و به عملیات ادامه دهید و باز تفاوت نتیجه را اندازه گیری کنید و خطای زاید یا ناقص آنرا معلوم کرده یاد داشت نمایید ، خطائی که در عملیات او ظاهر شده خواه زاید باشد یا ناقص «خطای اول» نامیده میشود و خطائی که بار دوم ظاهر شده چه زاید و چه ناقص ، «خطای دوم» نامیده میشود . آنگاه مفروض اول را در خطای دوم ضرب کنید و حاصل آنرا یاد داشت کنید ، این حاصل «محفوظ اول» نام دارد ، بعد از آن مفروض دوم را در خطای اول ضرب و حاصل ضرب را که «محفوظ دوم» نامیده میشود ، یاد داشت کنید ، اگر هر دو خطائی که ظاهر شده است .

در زیر ذره بین

زاویه ای را که مساوی ۱۴ درجه است در زیر ذره بین که اشیاء را ۲۰ مرتبه بزرگتر نشان میدهد ، می گذاریم ، زاویه مذکور چند درجه به نظر خواهد رسید ؟

جواب صحیح آن در هفته آینده منتشر میشود .

آیا این مورد خنای رومی شناسید؟

- ۱- در هرات متولد شده است .
- ۲- با تیمور و شاهرخ معاشرت کرده است .
- ۳- بزیا نهایی ترکی جغتایی و عربی آشنایی داشته است .
- ۴- تاریخی بنام مجمع التواریخ در چهار جلد نوشته است .
- ۵- در سال ۸۳۴ وفات یافته است .
- ۶- نام پدرش لطف الله بوده است .

در صورتیکه از روی نشانی های فوق هویت او را تشخیص نموده ، لطفاً به اداره مجله ژوندون ، شعبه سرگرمی اطلاع دهید وگرنه تا هفته آینده که جواب صحیح نشر میشود منتظر باشید .

جواب پرسشهای هفته گذشته :

جواب مسأله ای از هندسه

هر دو مثلث قائم الزاویه می باشند به دلیل اینکه در هندسه ثابت شده که هر مربعی که روی وتر مثلث قائم الزاویه ساخته شود ، با مجموع مربعهای که روی دو ضلع مجاور به زاویه قائمه ساخته میشود ، برابر

است و بنا براین هر مثلثی که مربع یک ضلع آن مساوی به مجموع مربع های دو ضلع دیگرش باشد ، آن مثلث قائم الزاویه است و در مثلثی که در هفته گذشته از آنها یاد شد ، هر دو باین قضیه تطبیق میشود .

جواب اعداد نا معلوم

جواب مسأله ضرب که بعضی از اعداد آن نامعلوم بود در این کلیشه بیان شده است .

$$\begin{array}{r} 415 \\ 312 \\ \hline 830 \\ 3330 \\ 1245 \\ \hline 15153 \end{array}$$



حل جدول اطلاعات عمومی

شماره ۲۸ و ۲۷

یک سوال حسابی

میدانید که عدد ۲۴ را با ۳ رقم مشابه ۲۴ = ۸ + ۸ + ۸ می توان نمایش داد آیا می توانید با استفاده از علامات چهار عمل اصلی حساب همین عدد را بوسیله سه رقم مشابه دیگر نمایش دهید .

بقیه حساب خط اتین ..

زاید یا هردو ناقص باشند ، تفاوت محفوظ اول و محفوظ دوم را بر تفاوت خطای اول و خطای دوم تقسیم کنید خارج قسمت همان عددی است که مجهول بوده و مطلوب میباشد .
اما اگر از دو خطا یکی زاید و دیگری ناقص باشد ، مجموع محفوظ اول و محفوظ دوم را بر مجموع خطای اول و خطای دوم تقسیم کنید ، خارج قسمت عددی خواهد بود که در جستجوی آن میباید شد .

جواب معمای منظوم

جلال است ، اگر بر عدد جیم که سه است عدد یک که نماینده الف می باشد بیفزاییم ، عدد چهار بدست می آید که معادل دال میباشد وبقیه این نام هم (لال) است .

جواب سوال حسابی

حل این را بشنو از من مسو صدق و یقین
ایکه هستی در میان اتصال دانش یادگار
گو شواوری را که وصف آن بیان فرموده ای
قیمت و وزنش را می با تو گویم گوش دار
هست وزن لعل ثلث و ثمن متقالی تمام
در کم و بیشش نباشد هیچکس را اختیار
هست و زنش این چنین و قیمتش گویم بگو
چارده کم ربع دینار است نزد هو شیاء
هست مروری و ادانیک و گمن متقالی ولی
قیمت آن پنج دینار است ربعی زر بیا
وزن زر ربعی ز دینار است نه پیش و نه کم
قیمت آن هست یک دینار زر با عیار

جواب مسأله دقت

نقشه ای که با حرف دهی نمایش داده است نقشه المتاده خانه است .

۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
و	ا	س	ل	ی	ن	ب	ی	د	ا	ر	ی	و
و	س	م	ا	ز	ر	د	ه	ش	و	و	و	و
و	ن	و	ر	ی	ر	ن	ا	ن	و	و	و	و
و	ک	خ	م	س	و	ا	ک	ا	ن	و	و	و
و	س	ی	ر	ز	م	د	ی	و	و	و	و	و
و	ج	و	م	ن	ی	ه	م	ح	ر	ا	ب	و
و	ا	خ	م	ع	س	ب	ش	و	ر	ی	و	و
و	م	ت	ج	م	ه	و	ر	ی	ت	و	و	و
و	ی	و	ن	س	ک	و	خ	ر	ب	و	و	و

حل جدول کلمات متقاطع



طیاره کیهانی هوائی (قبل از پرتاب)

کیهانی ترانسپورتی دارای شمشه دو مرحله ای با قرار گرفتن موازی مرحله هامیباشد. هر دو مرحله کشتی کیهانی قابل باز گشت میباشند، و انجن های کشتی کیهانی (هر دو مرحله) بیک وقت فعال میشوند. مرحله اول از دو بلاک راکتی بدون پیلوت نجات دهنده با انجن هائیکه بمواد سوخت جامد فعالیت می نمایند تشکیل گردیده است. مرحله دوم بالدار بوده دارای پیلوت میباشند. این مرحله دارای انجن که درین شمه از موفقیت های تخنیک راکتی استفاده بعمل آمده است. یعنی درین مرحله از مواد سوخت که دارای انرژی عالی است و هم راکتی استفاده بعمل آمده است و هم چنان پرتاب عمودی استفاده میگردد. یگانه عنصری سیستم که در انای پرواز از دست می رود عبارت از تانکی های مواد سوخت مرحله دو می است. آیا حقیقت نیست که این کشتی کیهانی ترانسپورتی کدام وسیله بسیار مشهور را بیاد شما می آورد شمشه طیاره عصری شکاری که در زیر بدنه آن تانکی های اضافگی مواد سوخت و در انجن تعبیل دهنده بازوی آویزان میباشند نظر اندازند پرواز این قسم طیارات عصری شکاری چندین مرتبه در رسم گنشت های هوائی عسکری نمایش داده شده است. فقط کشتی های ترانسپورتی کیهانی دارای تانکی های بزرگ مواد سوخت خواهند بود. اندازم این بقیه در صفحه ۵۸

بزرگ از میدان هوائی پرواز نموده و وقتی که سرعت طیاره بزرگ پاندازه لازمی می رسد. طیاره کوچک از آن جدا شده و بیکمک انجن های خود به مدار لازمه داخل میگردد. و طیاره اولی درعین فرمان به میدان هوائی مراجعت مینماید. طیاره مداری «طیاره کوچک» وظایف خود را در مدار حل نموده از مدار لازمه خارج گردیده و همچنان نشست را در میدان هوائی انجام میدهد.

پرتاب افقی ویا پرتاب طیاره و ی برای کشتی های کیهانی چندین مرتبه ای بسیار مناسب می باشد اگر چه در پرتاب راکتی بار مفید زیاد تر انتقال داده میشود.

پرتاب افقی امکانات آنرا تهیه می نماید که مانور جنا حی را در داخل ساختن کشتی به مدار اجرا کرده و مرحله دوم را بدون محدودیت زاویه جنبی (آزموتی) در وقت ول حوزه فعال سازد. و از بنجا چنین نتیجه می گیریم که سیستم ترانسپورتی با پرتاب افقی دارای قابلیت مانور زیادتر است لیکن این را هم باید خاطر نشان بسازیم که علی و تهیه

و تمام آنها باید بتوانند در اتموسفیر پرواز نموده، بمدار نزدیک زمین داخل گردیده برای مدت زیادی درین مدار باقی مانده، بعد از آن مانند طیاره نشست خویش را در میدان هوائی انجام بدهند. و چیزی که درینجا بسیار مهم است، اینست که باید عناصر زیاد سیستم ها برای استفاده لانی باقی بماند قسم دستگاه را با اساسات کامل می توان دستگاه هوائی - کیهانی ویا طیاره مداری نامید.

در تجسس ویا پالیدن شمه های کشتی های ترانسپورتی جدید، مفکوره های علمی و تخنیکی راه دوم دارومطلق را طی کرده است شمه آیدالی که بتواند تمام مقتضیات این قسم دستگاه را جواب بدهد عبارت از شمه دو مرحله ای است که باید مرحله های مذکور بصورت فولادی بسته شوند. هر دو مرحله قابل باز گشت. پیلوت دار بوده، دارای بالها بوده، پرتاب و نشست آن از میدان های هوائی باید صورت بگیرد. این قسم کشتی به شکل دو طیاره آماده میشود در زیر طیاره بزرگ و در بالای آن طیاره کوچک قرار می گیرد. طیاره



مرحله دوم کشتی ترانسپورتی کیهانی

- ۱- قسمت تهاول. ۲- کابین عملیات کیهانی. ۳- کلکتور بارشویه. ۴- ترتبات برای بارشویه.
- ۵- بارشویه (سنگه کینین). ۶- ترتبات شمشه تهاول. ۷- دوار طیاره. ۸- انجن راکتی بی صلی. ۹- انجن راکتی بی صلی. ۱۰- انجن راکتی بی صلی.
- ۱۱- بالی و تهاول. ۱۲- شمشه. ۱۳- قسمت بارشویه. ۱۴- شمشه کیهانی. ۱۵- دوار طیاره.



مترجم: ژول بین

آخرین معمای جدولی

از معما های جدولی خوشم نمی آید. همینکه در صفحات آخری جر اید و یا مجلات معمای جدولی به نظر می خورد گویا حالت تسووع پوایسم دست میدهد. پلی وقتی بود که... در صنف سوم فا کولنه که ارتقا جست ارتباط من پالینا فوق العاده خوب و نور مال بود.

روزی بدون اینکه اراده ای داشته باشم در مسکو به سراغ کا کا گام رسیدم و خواستم او را ببینم. به شکل خود را به اورسا ندادم. همینکه دروازه او رسیدم دیدم که از منزل خارج میشود. در حالیکه در یک دمتش عینک عیاش دیده میشد و در دست دیگرش روزنامه.

او می ولودها!... کشوری در افریقا که از حرف ساخته شده. میدانای؟

البته پنده سعی کردم هر چه زودتر جواب درستی سریع ارائه کنم. کا کا جانم لبخند رضایت پخش نمود و دفعتا آنچه گفته بودم روی خانه های جدول نوشت.

از طرف دیگر میدانید اگر من نمی توانستم به این سوالش جواب بگویم تا چه اندازه مفوم میشد. این حالت او را بد نبود اگر انسان به چشم میدید. همینجا بود که او عینک عیاش را به چشم میگذاشت و یکراست مسست بسوی دایره المعارف خود میرفت.

تعداد خانه های معمای جدولی هر آن کمتر و کمتر میشود و جانات کسیکه مصروف خانه پری آنست هر چه بیشتر علایم رضایت و خوشحالی می خورانی و این خود عالمی از عوالم روانشنا سی است که به آن رسیده ای.

من هم به معما ها پناه بردم. معمای جدولی از جزئیات زندگی من شد. در مترو، در سرویس های برقی (ترلیبو سی)، روی دراز چوکی های پارک ها در طعمه مخانه لیلیه ما و حتی در وقت رفتار همواره به خانه پری آن میبهر داختم. و باید بگویم که همدم لکچر استادان نیز حواسم مشغول چار خانه های معمای بود.

این عمل نزدیک بود مرا از زندگی دور سازد ولی درین باره چیزی نمی گویم زیرا با وجود این هم موفق شوم به صنف سوم ارتقاء جویم.

درین صنف پالینا رابطه نورمال و عاری داشتیم. و چند کلمه ای هم در باره او. لینا البته که مرا درک نمی توانست. مرا انسان ساده می پنداشت و هر معمای مرا مورد تمسخر قرار میداد. بعضی وقت ها معما هایم مفقود میشد زیرا لینا آنها را میگرفت پنهان میکرد و یا اینکه در باطله دانی می انداخت. خاصتا این عکس العمل لینا وقتی قوت گرفت که ما یک فلم را تماشا کردیم. خوب بخاطر ندادم نام فلم چه بود ولی همینقدر می دانم که مصروف یافتن یکی از شهر های زیلاند جدید که از هفت حرف ترکیب شده بود بودم اینجا بود که دفعتا فلم قطع شد و چراغهای سینما روشن از مریعات با حرئی پسر میشود گردید. بعضی ها ازین عمل ناراحت

زیرا که نمی فهمم. و در همین جاست که به ادویه فروشی نظرم می افتد. مرد مستی را می بینم که شیوی خاکستری رنگی به سر داشته از ادویه فروشی خارج میشد من بسوی او روان شدم «ببخشید: نباتی که برای طبابت از آن استفاده میشود.» اینرا که نمی فهمم. و در همین جاست که به ادویه فروشی نظرم می افتد. مرد مستی را می بینم که شیوی خاکستری رنگی به سر داشته از ادویه فروشی خارج میشد من بسوی او روان شدم «ببخشید: نباتی که برای طبابت از آن استفاده می کنند...»

و معمارا برایش نشان میدهم. او نظری به روزنامه ای اندازد. خانه های معما را حساب میکند بعد از جیش بسته ای را برون می آورد و به آرامی و راحت میخواند «ژوستر» من از او تشکر میکنم او میگوید: - بفرمائید. لطف شماست. دستهایم را بهم فشار میدهم و به راهی که دارم روان می شوم. نا گهان صدای همان پسر مرد: - ببخشید عمودی آن چیست. - چراغ الکترونی هیچ بخاطر نمی



درس نامه نگاری

قسمی از درس يك استاد رشته باشد برای هیچ زنی جالب نیست روز نامه نگاری : اما زنی که قطعه قطعه شده باشد - روز نامه ای که قطعه قطعه شده برای همه روز نامه ها جالب است .

طمع دهاتی

آقای که بتازگی در روستا خانه ای ساخته بود مشغول چین چس های جلو منزل خود بود یکی از اهالی دهکده نزد او آمده گفت : - اگر با بایسکل تان کاری ندارید اجازه بدهید من بان پشهر بروم و بر گردم . مرد با لحن محبت آمیزی گفت : - خواهش میکنم بایسکل را بپیرید و هر وقت کار تان تمام شد بیاورید . طرف های غروب بود که مرد دهاتی بر گشت و گفت : - بایسکل شما را آوردم . - تشکر زحمات میشود آنرا در کارا بگذارید . دهاتی چند لحظه پا به پاشد و بعد گفت : - انعام پنده را مرحمت نمی فرمائید .



بدون شرح



وقتی داماد برای خانه رفتن عجله میکند

علاج بیخوابی

صحبت از بی خوابی و ناراحتی ها و طرق معالجه آن بود . یکی از حاضران از دیگری پرسید : - شما هر وقت بیخوابی سوختن بزند چه میکنید . - يك بو تل کنیاك بر میدارم و به فاصله های معین گیلا سی از آن می خورم . - و آنوقت خوابتان میبرد . - تخیر از بیدار ماندن لذت برم .

بخاطر ما می آید . و کنار يك جواهر فروشی موفق شدیم نام یکی از سنگها دیگر مثل اینکه معد نچی بود نام یکی از منرال های کمیاب را گرفت دختری از مغازه نساجی خارج شدو کلمه های ذیقیمت را پیدا کیم . يك نفر «کتان» را به ما کمک کرد . خلاصه اینکه تا به چهار راهی رسیدیم پاچه اشخاصی نبود که بر نخوریم ، مورخ ، جغرافیه دان ، انجنیران ، طبخان ، شاگردان ... درین جابه ساعت نظر انداختم . خدای من دیر شد . و مثل اینکه پرواز کنم خودم را به اولین تکسی انداختم و آدرس دایم تکسی ران پرسید : - چه حادثه ای درین جا رخ داده است ؟

- هیچ ، هیچ ، معمای جدولی را خانه پری می نمایند . تکسی ران به من گفت : - يك لحظه صبر کنید اکنون .. و خودش خود را در بین جمعیتی که معمای جدولی را حل می کردند رسانید . واضح است که لینا به انتظار من نشسته بود . و شما خود میدانید که همین معمای جدوالی ، آخرین معمای جدولی در حیات من بود . از همان تاریخ است که تا کنون از معمای جدولی خوشم نمی آید و حتی اگر آنرا ببینم حالت تهوع برایم دست می دهد .

و آن جوان دو باره به فکر میبرد . بعد ازین هر سه ماهه راه رفتن ادامه دادیم قدم به قدم و دقیقه به دقیقه به یافتن کلمات و حرف می پرداختیم تقریباً اضافه از نیم معما خانه پری شده بود . کلمات هم یکی دنبال دیگر

توانم بیاورم هر دو می ایستیم و فکر میکنیم . او میگوید : - درین نزدیکی ها دوستی داورم له و اسپا کر ینپوف نام دارد چندی قبل تلویزیونش شکست و چراغهای آن ... شاید او بداند ...

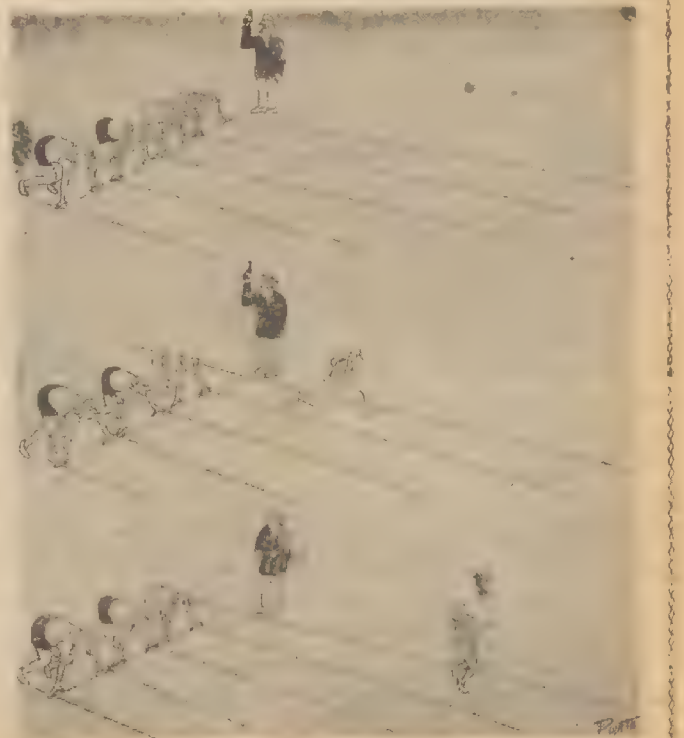
روی موافق به او نشان میدهم : البته ، ولی بعدا تدرید می نماید . «زیرا من باید پوره ساعت شش شام به وعده ام حاضر شوم و فقط به او پیشنهاد میکنم که این موضوع را ممکن است از کس دیگری بپرسیم .

رفیق «دو» فروش» من به يك چشم به هم زدن مرا برها میکند و از آنطرف سرک جوان خوش لباسی را که يك چمدان در دست دارد پا خود می آورد چمدانش بدان می ماند که گو یا تلویزیونی را حمل میکند . نا مبرده از دور صدا می زند .

- بپشتود . و غیر از آن هیچ سوال دیگری ندارید ؟

- چطور نداریم . اینست چهار دهم عمودی (حادثه ای در رادیو تختیک» .

و آن جوان دو باره به فکر میبرد . بعد ازین هر سه ماهه راه رفتن ادامه دادیم قدم به قدم و دقیقه به دقیقه به یافتن کلمات و حرف می پرداختیم تقریباً اضافه از نیم معما خانه پری شده بود . کلمات هم یکی دنبال دیگر



بدون شرح

هردی با نقاب بقیه

تا اینجا داستان :

وصل میساخت قاعده این دروازه باغ بسته و قفل میبود رای نخستین پلی پای که پیدا کرد از یک مو قر بود و بعد از آن متوجه شد که دروازه کاملاً باز بود رای به عجله از دروازه بیرون رفت و دید که چاپ تایرهای موتور به طرف راست پیچیده است. رای اظهار داشت ، پدر برای اطمینان خاطر اولتر باید تمام کنج و کنار باغ را بگردیم ، من بعضی از حساسیه ها را با خبر ساخته به کمک می طلم وقتی رای این کار را کرد جان بنت تمام باغ را گشته بود و کوچکترین اثری از ایلا بدست نیافر رای گفت ، من به شهر رفته برای دیک گاردون تلفون میکنم. وقتی رای حرف میزد صدا یش آرام بود.

ربع ساعت بعد رای از پا یسکل خود در مقابل دروازه منزل فرود آمد تا به عجله از انکشاف جدید به پدرش راپور دهد.

رای اظهار داشت، پدر لین تلفون را بریده اند ، اما من يك مو قر کرایه کرده ام که تا چند دقیقه دیگر از ورکشاپ میرسد ، ما سعی خود مان را در تعقیب چاپ عرابه های موتر میکنم. موتری که به کرایه گرفته بود از راه رسید و در همان لحظه بر حسب تصادف روشنی چراغهای دیک هم پیدا شد .

گاردن نگاهی به قیافه های نارام آندو افکنده پیش از آنکه جریان واقعه را بداند سخت دچار ناراحتی گردید دیک از موتر فرود آمده يك مقدار صحبت های جدی در اطراف موضوع بین آنها رد و بدل شد، دیک بدنبال پل پاها تا به مطبخ رفته از آنجا مجدداً مسیر چاپ پای ها را به سمت بیرون دنبال کرد و در بیرون عمارت دید که الك هم از راه رسیده است و در حالیکه خود ش راخم کرده به کمک يك چراغ دستی روی بدقت زمین را معاینه میکند ، الك بدیدن دیک اظهار نظر کرد ، در اینجا چاپ خفیف يك عرابه است که ممکنست از يك پا یسکل باشد

گنتر مامور لایق پولیس به تعقیب سازمان بقیه ها زندگی اش را از کف داد. الك معاون کمیسر پو لیس به تشویق دیک گاردون به تعقیب مایتلند پیر که مردی موژی است میباید. رای بنت جوان که نزد مایتلند کار میکند، به اثر تشویق لولا بسا نوپارتمان لوکس به کرایه گرفته می خواهد به خدمت خود نزد مایتلند پیروخانه دهد و تلاش خواهرش برای ادامه کار او نزد مایتلند به کدا م نتیجه نمی رسد او را ترک میکند. دیک از طرف وزارت خارجه انگلیس مامور حفاظت يك سند میشود. اما اسناد از سیف منزل لارد فار میلی بطرز اسرار آمیزی به سرقت میرود با تحقیقات پو لیس ها کن مدیر کل بیرون می فشار میشود. اما هاکن بطرز عجیبی فرار میکند و اکسون پولیس به اثر اشتباهی که دارد بکس هایی را که مرا جعین در شعبات حفظیه استیشن های ریل به امانت می سپرنه در دفتر مرکزی تفتیش مینماید. در انانی تفتیش بمبی در دفتر پو لیس منقلب میشود و اینک بقیه داستان.

رای صدا زد ، پدر چراغ رابیاور چراغ را همراه خود بیاور. جان بنت عجله کرد و بدنبال رای وارد مطبخ شد دروازه آشپز خانه بسته بود ما لیکن قفل نبود يك چیزی سفید رنگ به روی زمین افتیده بود رای آنرا بر داشت و در یافت که يك توتنه از پیشبند سفید ایلا میباشد ، پدر و پسر یکی پسوی دیگر دیدند و رای شتا با وارد اتاق خود رفته مجدداً پایک لایتن مقاومت در برابر شمال بر گشت رای چراغ را روشن کرده به عجله از پله های زینه فرود آمد.

رای با نهایت هیجان و نا راحتی گفت، ممکنست در با غچه با شد پس از گفتن این جمله را دروازه باز کرده در تاریکی با آواز بلند ایلا را صدا زد باران سیل آسا می بارید پدر و پسر هر دو کاملاً تر شده اند، رای توسط نور چراغ هنوز چند قدم نبرداشته بودند که سطح زمین را روشن ساخت پهلوی خیابان مرطوب در زیر باران متوجه ، چندین پسل پای شد دفعته در میان چاپ های پای متوجه چاپ پوت ایلا شد، در لب سبزه ها آثار پل پای محو گردید ولی در مقابل دروازه فرعی مجدداً پل پاها معلوم شد این معبر سرک را با چمنی در عقب عمارت ما یترری

پدر و پسر هر دو به افکار شان غرق بودند و در باره موضوعات خاصی می اندیشیدند طبعاً میبایست که رای با پدرش در باره لولا حرف بزنند او این کار را کرد رای اظهار نظر کرد پدر تصور نمی کنم که لولازن پلی بوده باشد او غالباً نمیتوانست بفهمد که برای من چه دسیسه ی در کار بوده است نقشه سازمان بقیه در مورد من با چنان مهارت و استادی طرح شده بود که تا آن ساعت که گاردون حقیقت ماجرا را بمن نگفته بود تصور می نمودم واقعا من قاتل برادی هستم. بنت سرش را شور داد.

رای به دنباله حرف خود اضافه نمود ، من همیشه فکر مینمودم که مایتلند بایقه ها به نحوی ارتباً ط داشت و وقتی متوجه این حقیقت شدم که دایم مایتلند به کلپ هیرون آهد، پدر تو چرا ناراحتی ؟ جان بنت صدا زد ، ایلا از مطبخ جوابی نیامد.

بنت به رای گفت، من نمیخواهم که بخاطر شستن ظروف تنها در آشپز خانه بماند.

رای او را صدا یزن که بیاید. رای از جای بلند شده در وازه راپاز کرد ، مطبخ در تاریکی مطلق فرورفته بود.

ایلا در جوار بش اظهار داشت: نه برادر جان. حال دیگر هیچ چیز باعث ناراحتی نمی شود و قتی جان بنت متوجه گرفتگی خاطر دخترش شد و در چهره ایلا آثار غم و اندوه را مشا هده نمود پرسید : منظور تو اولین حرفها چیست دخترم؟ من معنای حرفهای ترا نفهمیدم؟

ایلا جواب داد : من به يك موضوع بسیار رنج آور اندیشیدم ام پدر. و آنکه از آن ملاقات و حشمتنا ك شبانه برای پدرش حكا یسب کرد.

در خالیکه نفس در سینه رای بند آمده بود پرسید : چه گفتی ؟ بقیه میخواهد باتو ازدواج کند ؟ این باور کردنی نیست . تو صورت او را دیدی ؟

ایلا سرش را بعنوان تردید شور داده اظهار داشت: بقیه ماسکی به صورتش زدن بود بهتر است زیاد درین باره حرف نزنیم. ایلا بر خاسته شروع کرد به جمع نمودن ظروف و نانخور ی مدتها بعد رای او را در جمع کردن سر میز کمک شد. وقتی ایلا از مطبخ برگشت گفت:

کاروش مسخره میساخت. اما حال امروز شام بنظر م و حشمتنا ك می آید. شمال کلکین راپشت باز کرده چراغ ها را خاموش ساخت. باران سیل آسا از آسمان فرو می آمد.

رای جواب داد: حال تمام شبها برای من دلپذیر شده است. رای در حالیکه می خندید صدا یش گریه آلود بود ، هنوز هیچکس در باره آن لحظات حساس که پمرکش منتهی میشد حرفی نزده بود و از آن ترس کشنده که پیش از اجرای حکم اعدام به او دست داده بود حرفی بمیان نیامده بود اصلاً کسی نمیخواست از آن لحظات یاد آوری شود و خاطره آن میرفت که جزو رویای و حشمتنا ك و خوا بهای دهشت ناکی به فراموشی سپرده شود. جان بنت وقتی میخواست است از اتاق بیرون رود خطاب به ایلا گفت. دخترم دروازه را ببند و قفل کن.

تصور نکنم تایر موتور دارای چنین پروفیل نازک باشد و بلکه بیشتر احتمال دارد از یک موتور سا یکل باشد.

دیک رای وپدرش رایبه دا خل منزل فرستاده معتقد بود که آنها زود تر لباس شانرا تبدیل کنند و تا وقتی او والک از سایر اقدما ت احتیاطی شان فارغ میشوند آنها خود را آماده پسازند جان بست و پسرش بالا پوش های پارانی را پوشیده از منزل بیرون آمدند سوار موتور روزن رویس زرد رنگ شدند و موتور در همان لحظه به حرکت در آمد .

جای تایر های موتور پس از پنج میل راه یخوبی نمایان بود و از وسط یک دهکده گذشته بود، پولیس موقع کمی پیشتر یک موتور ویک موتور سایکل را در حال عبور دیده بود.

الک سوال کرد ، موتور سا یکل درست از عقب موتور حرکت میکرد؟ پولیس جواب داد، نی مو تر سایکل در حدود صد متر دور تر از موتور روان بود.

من میخواستم نمبر موتور سایکل را یاد داشت گفتم زیرا بدون چراغ حرکت میکرد ، و او را جریمه نمایم، اما موتور سایکل سوار به اشا ره من اعتنایی ننموده تو قف نکرد.

یک میل دیگر هم پیش رفتند تا اینکه به روی یک جاده سخت تازه قیر شده رسیدند درینجا جای تایر را کم کردند پس از یک میلی راه دیگر آنها پر سر سه راهی رسیدند .

دوراه آن قیر شده بود و اثر تایر موتور دیده نمیشد ، راه سومی هم باوصف آنکه روی سرک نرمتر بود بازم جای تایر روی این سرک هم معلوم نمیشد.

دیک اظهار داشت، پس باید اونها از یکی از همین دو سرک قی شده رارفته باشند.

ما اول همین راهی که به سمت راست پیچیده آزمایش میکنیم . این جاده قابه دهکده بعدی قیر شده بود، ولی وقتی دیک از پولیس محافظ سوا لگ موتور را گرفت پولیس اظهار بیخبری کرد و هیچ عراده ای را ندیده بود که در آن فاصله کو تاه از آنجا رد شده باشند.

دیک خطاب به دیگران گفت ، ما باید برگردیم تردید ونا را حتی قلبش را بشدت در آن لحظه میفشرد

روی موتور را برگردانده با سرعت سر سام آوری از راهی که آمده بود آهنگ برگشت نمود . وقتی مجدداً به حصه سه راهی رسید به سمت راست یعنی به سرک نو پیچید با سرعت زیاد آن راه را میپیمودند و هنوز چندان پیش نرفته بودند که دیک متوجه چراغهای عقبی یک موتور در مقابل شد و هم چرخ غ احتیاط را دید که پشت مو تر گذاشته بودند دیک امید وار بود به هدف رسیده باشد.

وقتی در نزدیکی موتور پرک زد و فرود آمد متوجه شد که آن موتو ی نبود که آنها دنبالش میکردند بلکه موتو ی متعلق به شخصی دیگری بود که با تر پنچری در گوشه جاده پارک کرده و راننده آن در صند تبدیل تایر بود اما راننده موتو تو ا نیست به آنها چند علامه و شماره مزید بدهد آن مرد اظهار داشت : سه ربع ساعت پیشتر یک موتو از پهلویش رد شده بود و او یخوبی نو عیت و مدل موتو را شنا خته بود حتی مارکه فابریکه تولید کننده مو تر رایبه دیک معلومات داده علاوه نمود که یک موتو سایکل سوار هم از عقب موتو روان بود، یک موتور سایکل از نوع دید اندیان بود.

الک پرسید : به چه فاصله موتور سایکل موتو را تعقیب میکرد ؟

جوابی که آن مرد داد این بود: تصور میکنم در حدود صد متر از موتو فاصله داشت پس از این فاصله آنها معلومات بیشتری در باره آن موتو بدست آوردند، اما در دهکده بعدی کسی موتو سکیل رانیده بود ، و همچنان در تمام توقف گاه های بعدی که موتو را دستا ند شده بود کسی از موتور سایکل سرا غی به آنها نداد.

پاسی از نیمه شب گذشته بود که آنها موتو را که دنبالش بودند پیدا کردند.

این موتو در بیرون یک کارا ج در ناحیه شور هام توقف کرده بود الک نخستین کسی بود که خود شرابه موتو رساند. در داخل کارا ج صاحب دستگاه در تلاش خالی کردن جای برای موتو تازه وارد بود. در داخل موتو کسی رانیده .

وقتی الک خود شرابه صاحب کارا ج معرفی کرد آن مرد در پاسخ گفت: بلی ۱۵ دقیقه پیش این موتو به اینجا رسیده است . راننده موتو رفته است

که در شهر برای خود جای بود و پاش پیدا کند .

به کمک یک چراغ دستی آنها داخل موتو را معاینه کردند . هیچ تردیدی برای آنها باقی نماند که ایلا در همین موتو بوده است ، یک توتنه شانه موی سر از عاج که جان بنت در یک سالگره ایلا به دخترش تحفه داده بود در گوشه سمت عقبی موتو پیدا شد . الک اظهار نظر کرد تعقیب راننده هیچ مفهومی ندارد .

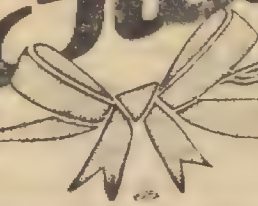
یکانه شانس ما اینست که صبر

کنم تا او شخصاً به کارا ج بر گردد و غالباً او اینکار را نخواهد کرد ؛ آنها پولیس محل را برای مشوره فرا خواندند .

آمر پولیس منطقه نظرش را این طور بیان داشت این یک منطقه وسیعست و اگر راننده متعلق به یک باند دزد ها و چنانیکار ها باشد در این صورت گمان نکنم شما به آسا نی موفق به پیدا کردن بشوید .

بنیه در صفحه ۶۱





انتخاب از: م مین پور.

انتظار

باز آ که از فرات تو دل بیقرار شد .
چشم سفید بر رخت در انتظار شد
چشمان شب نخفته یو تنها بیهمن
دیشب بیار چشم تو اختر شمار شد
تا رفتی از کنار من ای لاله روی من
از خون دیده دامن من لاله زار شد
چندان گریستم که بر آتش نشستم شمع
در پیش اشک دیده من شر مسار شد
تصویر چهره تو بر امواج اشک من
مانند عکس آئینه هوج دارد شد
ای رای بر دلی که ندارد امید وصل
بیچاره عاشقی که به هجران دچار شد
چشما بی فروغ من از بسکه اشک ریخت
چون شمع نیمه مرده روی مزار شد
بارد گردلی که شکستش بارها
از سادگی به لطف تو امید وار شد
دیشب نسیم یاد تو چون بر دلم وزید
خرم تراز شکوفه صبح بهار شد

اتر حضرت الله

شب پر از اضطراب

بسکه دارم صعب اضطراب امشب
نیست يك لحظه درم ژام خواب امشب
می سوزم دو آرزو سراپا چو شمع
تا که گرم بدور خود آب امشب
خورده بر من تیری زمرگان آن شوخ
میخورم بی خود چو پیچ و تاب امشب
مست هستم ساقیا از می لعل لبش
جام دیگری بس است زان می تاب امشب
کلبه ام تاریک و بی نور است خدا یا یکی
کاش آید در برم آن قرص مهتاب امشب
اشک می ریزم ز دوریش ز چشم
تا که جاری شد ز چشم خون آب امشب
رفته از دل مرا حضرتنا صبر و قرار
در دلم بسکه است شرار امشب

از : فرید دهناد طهماس

آخرین شعر من

اگر من شعر میگفتم .
تو را با قهر .
برای آنکه شعر اولین را میسر و دم .
از خویش می راندم .
تو را ...
از آن خواندن و زین براندن .
در وجودت آنچه دیدم می نوشتم .
الهام شعر خود ز دنیا وام میگرفتم .
اگر من شعر میگفتم .
برای آنکه شعر آخرین را می
سردم .
برای تو .
میدانی چه میکردم ؟
در خود گور میکنم .
لبانم را
و برای خود
در تو .
نقش بوسه می کشتم .
و برای خود
در تو .
اگر من شعر میگفتم .
برای آتش شعر م .
دریفا !
تو را با گریه بازای .
که شعر آخرین را .
در خویش می خواند م .
نه من بودم که میگفتم .
و باری .
نه تو بودی که میخوا ندی .

از : علی شاه ناشاد

فرستاده : پروین مجید یار

نوبهار و من خزانم

تو بهار را دوست میداری و من
خواهان خزانم .
تو در بهار و عمری و من بخزان زندگی
نزدیکم .
تو بر رخسار خود بهاری داری که
چون گلی نو شکفته است .
اما من چشمانی فر سوده دارم که
به خور شید ، نیم رنگ خزان می ماند
من قدمی بیش ندارم ، قدمی به
پیش بر میدارم و بیمه ، آغوش افسرده
خود را برای من گشوده است .
تا بستان سوزان عشق بهم می
رسیم .

خو من هستی

ای امید زندگیم ای گل نیلوفر ای
ایکه از خوبان عالم نزد من زیباتری
این دل درد آشنای بی سروسامان من
می طبد در آرزوی صبح و صلت هر گری
تویی جانان در میان جمله خوبان بی بدیل
این سخن از صد گویم نباشد سرسری
همچو مرغ بی نوای در میان آشیان
گریه دارم از اسیری و زبی بال و پری
خوب میدانم در بالا گشته ناز و عشوات
گرمی بازار تراز بسکه دارد مشتری
صد دل دیوانه مدیون دو چشم
مست توست
تا بکی غافل ز حال عاشقان ابدی
در گرفتار سوختن رجمی نما رجمی
ای که در خرم هستی من چون آ ذری



سری لاک اکنون غذای فوری برای اطفال

سری لاک جدید با ترکیب شیر قیما قدر
و شکر به بچتن ضرورت ندارد. آنرا صرف
همراه آب مخلوط نمایند.

بلی! سری لاک جدید با ترکیب شیر
و شکر عجب غذای فوری برای اطفال است

در هر گنجی و در هر زمان سری لاک را همراه آب مخلوط نمایند غذای طفل در یک
لحظه آماده میشود. ویتامین و دیگر مواد آن ترکیب شده سری لاک را خیلی
مغذی - مولد انرژی و قوت ساخته است و در رشد سالم استخوانها و دندانها
طفل غذای مطلوب است.
بر علاوه سری لاک اقتصادی ترین غذای طفل است.



Cérélac[®] NESTLÉ

نستلی معروف ترین و معتبر ترین اسم در ساخت تغذیه طفل.

خریداری سلاحها و مهمات حربی

نیست که بسیاری از کشور های اتو مساعی زیاد علمی را در امتحان و تجربه کردن تولیدات متحدین خود بخرج میدهند .

تشکیلات خوبی برای همکاری و ساحه تولید سلاح و مهمات حربی در ناتو وجود دارد . مأمورین و کارکنان ناتو در بروسل يك اداره بزرگی دارند که وظیفه آن معمولاً تدویر مجالس منظم بین مدیران سلاحهای کشور های عضو میباشد . قطع نظر از این اداره ، در اداره دیگری وجود دارد که بصورت غیر رسمی مصروف همکاری در ساحه سلاح ها و تجهیزات نظامی می باشد . اینها عبارتند از اداره گروپ اروپائی و اداره اتحاد اروپائی غربی .

اداره گروپ اروپائی از اعضای کشور های اروپائی ناتو بااستثنای فرانسه و برتگال تشکیل شده است . گر چه این يك اداره رسمی ناتو نیست فرانسه ادعا دارد که تضامین فیصله های گروپ اروپائی تحت تأثیر و نفوذ امریکا میگردد از اینرو ترجیح داده است تا با اداره اتحاد اروپائی غربی کار کند .

هردوی این اداره ها راه خوبی را برای انتقاد از پروژه های که مشتمل بر خریداری سلاح از کشور های خارجی می باشد تشکیل میدهد . در پیمان ناتو قرار داد های دفاعی زیادی وجود دارد . اگر قرار شود که مصارف ناتو تقلیل یابد ، يك تعداد از این قرار داد ها از بین میرود . البته تمام مقامات صلاحیتدار کشور های عضو میخواهند این زبان ها متوجه کشورهای غیر از خود شان گردد .

درین قسمت نقش ایالات متحده امریکا و بدرجه کمتر نقش فرانسه قابل یاد آوری است . هر دو کشور صنایع انکشاف یافته تولید سلاح های نظامی دارند . هر دو فشار اعظمی خود را بر کشور های دوست خود

می اندازند تا سلاحهای تولیدی کشور های مذکور را بخرند .

نا در مقابل این خریداری ها ، اموال شانرا بخرند ولی خود اداره ندارند با اینهم فرانسه در يك قسمت زیاد

از مساعی و همکاری کشور های ناتو سهم گرفته است و میخواهد این سهم و همکاری خود را زیاد سازد .

ایالات متحده امریکا يك پالیسی مشخصی را درین حصه اتخاذ نموده که باسناد آن هر قلم از سلاحهای نظامی را که مورد استفاده قوای مسلح آن قرار میگیرد باید در امریکا تولید کرده گر چه در این آن در کشور های خارج از امریکا هم صورت گرفته باشد . (خریداری طیارات هرپر انگلیسی يك امر استثنائی بوده است .

بعد از این امریکا طیارات هرپر را از خود امریکا تهیه خواهد کرد) دلیلش که برای این امر ارائه شده

اینست که پیشرفت سریع شوروی میتواند ذخایر سلاح را بروی امریکا طمع کند . ولی تضعیف قوای ناتو از رهگذر عدم موثریت و عدم کفایت سیستم موجوده خطرناکتر از این امکان است که شاید امریکا در جنگی ارسال سلاحها را بروی خود قطع به بیند .

اما باید گفت که ایالات متحده امریکا یکی از کشور های بزرگ ناتو در حصه ریسرچ و انکشاف سلاحهای حربی محسوب میگردد .

امریکا در قسمت سلاحهای غیرذروی به تنهایی باندازه تمام مصارف سایر کشور های عضو ناتو مصرف میکند . علاوه ایالات متحده امریکا مجبور است تا سالانه باندازه یکمیلیارد پوند سترلینگ ر از

کشور های اروپائی در برابر تادیات و خریداری های نظامی جبیره و تلافی

بقیه صفحه ۱۰

سفیدپوستان اقلیت...

با حفظ اینکه از ناگواریهای استعمار تبعیض آگاه است روانخواهد دید که برادران سیاه پوست افریقای آن از طرف يك اقلیت سفید پوست مورد استثمار و بهره گیری قرار گیرد بناء مبارزات آنها در برابر این رژیم های اقلیت سفید پوست حمایت خواهند نمود .

ولی رویهمرفته آنچه قابل پیش بینی میباشد این است که نخست از همه حکومت موزمبیق وانگولا بدست افریقای های سیاه پوست تشکیل میشود و علاوه دیر یاز و د سیاه پوستهای افریقای جنوبی و رودیشیا زمام امور کشور شانرا بدست خواهد گرفت .

مسافرت پر ثمر

اسرار اطفال اختطاف شده

جسد اتونیلایا افتیده بود ، پیدا کردیم . برای دقایق طولانی چنان جلو می نمود که مردم خشمگین نفرت و انزجار را که در دل داشتند نشان سزار ترانیو! خواهند کرد . اما نارسوال دولت با زحمت فراوان توانست خودش را از چنگ مردم نجات داده از وسط آن جمعیت انبوه بیرون رود . در حالیکه دستها یسرا بهم گره کرده وبالا نگاه داشته بود هر لحظه خطاب بمردم غضبناک می گفت : ما هر چه در توان داریم برای پیدا کردن ناپدید شده گان ورستگیری جنایتکاران دریغ نخواهیم کرد . من بشما وعده میدهم که از تلاش خود تا زمان دستگیری فاعلین این جنایت وحشیانه دست بر نخواهیم داشت . زیرا این حادثه ما را هم در بدترین وضعی قرار داده است . ختم



تابوت والنتی از طرف عده کثیری از مردم در یک تابوت سفید رنگ و به گورستان شما یعت میشود . اختطاف سه دختر چنان معمای شده که سه سال پیش سه پسر از ناحیه اسپرو در فاصله ۱۶۰ کیلومتری شهر ناپدید شدند و تا امروز هیچ اثری از آنها بدست نیا آمده است . از چپ به راست دو مینیکو والکانو « ۱۰ ساله » جوژه لالی کانا ۱۰ ساله و انزو اسکوریا . اینها هم از در راه مهربانه اختطاف شدند و چنان ناپدید شدند که تصور می رود زمین چاک شده و آنها را بلعیده باشد اکنون مردم سوال میکنند آیا اختطاف کنندگان بچنگ پولیس نخواهند افتاد .

بروید و دو باره به هتل مراجعه کرده بده که کلید دومی اتاق را داشته به در بان بگویید که کسی در غیاب است وانگشتر های الماس شما را بشما وارد اتاق تان شده است . کسی

داشت : بچتم که هر کسی باشد . من انگشتری های الماسم را دوباره بدست آوردم . پیدا کردن سارق کار پولیس است . من به همین قناعت میکنم که اشیا کم شده خودم را یافته ام . سپس رویش را به طرف آل ویتس بر گردانیده گفت : اجازه میدهم شما را به یک نوشابه دعوت کنم ؟ پشت میز بار آل ویتس از هانری کاتر پرسید : چرا شما نسبت به من اینقدر محبت نشان دادید . چرا چنین مرحمتی بزرگ در حق من روا داشتند . هانری کاتر گفت : این بخشایش به خاطر هزار دالر می باشد شما مرا به این بازی کشا نیدید و حال نوبت منست . این بازی درست یک هزار دالر برای شما خرج دارد تا به آزادی برسید . اگر شما این پول را بمن نپردازید ، فردا نزد مامور نظیمه مراجعه کرده ، به لانگ خواهیم گفت : که من سر انجام شما را شناخته ام که همان مورفی کشیش هستید می فهمید که چه می گویم . آل ویتس پاسخ داد : بلی . حتی اگر عینک هم به چشم نگذارم می فهمم که شما از من تقاضای باج می کنید باج گیری به خاطر ...

هانری کاتر حرفش را قطع کرد : عینا ، شما بمن مدیون هستید . به خاطر ناراحتی های که از دست شما برای من خلق شده است .

آل ویتس پرسید : چرا نه بیش و نه کم از هزار دالر مطالبه نمی کنید .

چشمهای کاتر برقی زده جواب داد : برای اینکه شما پول بیشتر ندارید .

صحیح . حتی من هزار دالر هم ندارم . اما راه آنرا بلیم که چگونه ماهر دو از این ماجرا صاحب پول شویم . مگر شما به آن دلچسپی ندارید .

کاتر نگاهی به قیافه آل ویتس انداخته ، سرش را شورد داد .

آل ویتس در پاسخ گفت : خوبست پس شما انگشتر ها را بمن بدهیدو به منزل خود برگردید . شما یک شب رادر هتل بگذرانید . به سینما

پس پولیس فکر کرده که این صندوقچه گم مال او باید باشد . مال وملکیت خطر ناکی به این حساب او سفر بی ثمری کرده است . آل ویتس باز رنگی خاص موضوع را در ذهنش حلای کرده از آن نتیجه گیری نمود و آنگاه سرش را بلند کرده به قیافه مامور نظیمه دید و اظهار داشت : هنوز کر ممس دور است و من این سالین صندوقچه را با محتویات آن هیچگاه در عمرم ندیده ام . بنابر این بطور قطع میتوانم گفت : که این صندوقچه گم مال من نمی باشد .

لانگ مامور نظیمه خندیده اظهار کرد : شما هم بنظرم بسیار شریفتر از آن جلوه کردید . لانگ پیرس از آن دروازه کلبه را باز کرد و چشم آل ویتس به جواهر فروش ریور نالس افتید .

لانگ مامور نظیمه پرسید : شما این اقارا می شناسید .

کاتر به چهره آل ویتس خیره شده ، سرش را به علامت نفی تکان داد : نه این اقارا هرگز ندیده ام . این شخص مورفی کشیش نیست . لانگ جلدی شده گفت : اگر این شخص مورفی کشیش نمی باشد و اگر کسی نیست که برای گرفتار کردن او تعقیب میکنم ، پس مورفی کشیش چه کسی باید باشد . کاتر در جواب مامور نظیمه اظهار

نانکی های مواد سوخت دومرتبه نسبت به خود کشتی کیهانی کلان تر بوده و بجای انجن های تعجیل دهنده باوروتی رو بلاك ایا کتیفی بزرگ که بمواد سوخت جامد فعالیت مینما یدو بحیث وسیله نجات دهنده و استفاده آینده فعالیت خواهند کرد نصب گردید .

فیلا نواقص کشتی های پیسلوت دار کیهانی را دو چیز گفته بودیم یکی از آنها کافی نبودن قابلیت بار آنها و دیگری يك مرتبه نمی بودن شان اگر حقیقت را بگویم نواقص آنها از رو زیاد است بطور مثال کشتی های موجوده کیهانی دارای قابلیت مانور کم بوده ، نشستن و از ذریعه پاراشوت انجام میدهند و برای پالیدن و حمل و نقل در دستگاه های فرود آورده شده خدمات مخصوص ضروری است . بدین لحاظ یکی از جمله مهمترین تقاضا ها به دستگاه های کیهانی بیولوت دار عبارت از بلند بودن قابلیت مانور آنها است تا الحال تمام کشتی های کیهانی پرواز را بمدار مشکل انجام داده و در سطح مداری ممانور را تا مین نکرد . زیرا این مانور با مصرف زیاد مواد سوخت ارتباط دارد . لیکن این را باید خاطر نشان بسازیم که اجرای مانور از طرف کشتی کیهانی نه فقط برای نشست کشتی در نقطه معینه ضروری است بلکه ساختن دستگاه های کیهانی که دارای قابلیت مانور عالی باشند تمام امکانات فضا نوردی را در مدار نزدیک سیاره زمین وسیع تر میسازد . می توان اقامت مصنوعی را بعد ازین پرتاب نکرده بلکه در قسمت باربری کشتی آن را بمدار رساننده خدمات و ترمیم آنها را در فضا کیهانی انجام داده ، مواد تحقیقاتی را که ذریعه اقامت مصنوعی صورت گرفته و حتی خود قمر مصنوعی را در صورت خراب شدن آن به سیاره زمین انتقال داده بكمك دستگاه های بیولوت دار کیهانی قابلیت مانور عالی باشند میتوان . خدمات مانور معاونه را در فضای کیهانی ترتیب و تنظیم کرد . کشتی های کیهانی نجات موجوده ، کشتی کیهانی که خطر روپرو شده باشد وقتی و هتل شده میتواند که پرتاب این راکت در انهای گذشتن کشتی عارضه دار از محل پرتاب صورت بگیرد . و این عمل در شبانه روز يك دفعه امکان پذیر است . فعلا تصور کنید که تخلیه فوری

ذریعه طیاره مسافر

داخل شدن به اتمو سفیر میبا شد . نا گفته نماند که اداره باید در دو محیط که از یک دیگر فرق دارد صورت بگیرد . زیرا اتمو سفیر و خلای کیهانی ترتیبات جدید و اتقاضا کرده و باید ارگان های اداروی انجن های ریا کتیفی گازی و ایرو دنیا یکی جدید شامل ساخته شوند . از ارگان های اداروی ایرو دنیا میکی برای پرواز در طبقات ضخیم اتمو سفیر و از انجن های ریا کتیفی ویا سوپله های گازی برای پرواز در پرواز فضای کیهانی و در اتمو سفیر فوقانی رفیق استفاده میشود . این قسم یکجا ساختن ترتیبات در تخنیک مجبوری و غیر قبولی است مگر بدون آن امکان پذیر نیست .

مانور جناحی و مانور نظر بمسافه از طرف طیاره هوایی کیهانی بكمك اقوه ایرو دنیا میکی از طریق اداره نظریه زاویه میلان و زاویه پیشرو (هجومی) صورت گرفته میتواند . اندازه مسافه جناحی مربوط به کیفیت ایرو دنیا میکی مرحله مداری است . هر قدر که این رقم بلند باشد بهمان اندازه مسافه جناحی زیاد تر میشود . برای اینکه مسافه جناحی در حدود مثبت ، منفی ۲۰۰۰ کیلومتر برسد یعنی امکان انحراف بطرف چپ و یا راست پرواز به همین اندازه باشد در آن صورت مرحله مداری دارای کیفیت ایرو دنیا میکی تقریبا اداره وی ، دنیا میکی و غیره باشد ۱۳۳ در انهای فرود آمدن باشد .

علیشیر نوائی

مراد که با اینگونه اندیشه ها خوب آشنایی داشت ، از استعمال دقیق توضیحات کیمیا گر که میگفت برای تغییر دادن ماهیت مواد (نا قص) و ارتقای آن بدر جات عالیته به ماده ای بنام (اکسیژن) ضرورت است و طرق پیچیده بدست آوردن این ماده را در لابلائی معلومات اسرار آمیز ، مستعجاب بیان میداشت . چنانچه خسته شد ، اما جرات نکرد سخنان عظیم را که به علم اسرار آمیز خود عشق میورزید و بهترین دوره زندگی خود را در راه بدست آوردن طایفه از مس صنف کرده بود قطع نماید .

با آفتاب ، نقره با مہتاب و مس ، زهره موافقت دارند و امثال این ها سخنبا گفت ... سخنان کیمیا گر تا رفته بیشتر در لابلائی زده های اسرار و رموز پیچیده میشد . او تمام مواد معدنی را به دو گروه تقسیم کرد . گروه نخستین را بنام (مواد ناقص) یا (معلول) یاد کرد و در باره اینکه میتوان نواقص موجود در نهاد این مواد را از طریق عملیات کیمیای دور ساخت و آنها را به درجات عالیه تر ارتقا داد ، یعنی میتوان از مہتاب نقره و از مس طلا بدست آورد .

عمله دستگاه مداری ضروری بود و کشتی ترانسپور تی که باید با آن وصل گردد عارضه دار میباشد . کشتی دیگری که بمدار توجیه می گردد زاویه افقی آن ها فرق دارد . درین شرایط هیچ چیز امکان پذیر نیست مگر کشتی ترانسپور تی که دارای خواص ایرو دنیا میکی است میتواند مانور لازمه را اجرا کند . برای این مقصد آن میتوان نند بسط اتمو سفیر داخل گردیده بعد از دادن تغییرات لازمه واپس به مدار داخل شود ، از طریق داخل شدن چندین مرتبه ثی به اتمو سفیر می توان تا اندازه سطح مدار دستگاه کیهانی را تغییر داد . البته این و هم باید فراموش نکنیم که مصرف مواد سوخت بسیار زیاد می گردد . وقتیکه مقتضیات جدید رابه کشتی کیهانی محول میسازند در آن صورت ما فکر می کنیم که چه چیز را باید مکمل ترو مجهز تر بسازیم آیا کشتی های کیهانی عصری ویا طیارات عصری . بالاخره ما باین نتیجه می رسیم که راه رسیدن به کشتی کیهانی جدید از طیارات باید شروع گردد . مرحله مداری این کشتی کیهانی جدید باید هر چیزی داشته باشد که یک طیاره دارد بطور مثال باید دارای بدنه بزرگ و طولی بالها ، سیستم باطیمیان برای داخل شدن بنشست شانس ارگان های اداره وی ، دنیا میکی و غیره باشد مگر تهیه طیاره کیهانی هوایی چندین مرتبه قابل استفاده نیز يك مساله آسان نیست . يك عده پرابلم تخنیک و علمی باید سر از نو حل شود . بطور مثال حفاظت از حرارت مرحله مداری در زمان داخل شدن آن بمدار ضخیم اتمو سفیر باید تغییر بخورد . درین صورت تهیه میتو د های جدید حفاظت حرارتی و مواد جدید حفاظت حرارتی حتی و ضروری است .

نسبت به دستگاه های فرود آورده شده کشتی های کیهانی ، مرحله مداری طیاره کیهانی ، هوایی باید دارای انرژی زیاد را نه در طبقات ضخیم اتمو سفیر بلکه در ارتفاعات زیاد پراکنده سازد . در نتیجه گرم شدن مرحله مداری مربوط به زاویه

انجام داده ، مواد تحقیقاتی را که ذریعه اقامت مصنوعی صورت گرفته و حتی خود قمر مصنوعی را در صورت خراب شدن آن به سیاره زمین انتقال داده بكمك دستگاه های بیولوت دار کیهانی قابلیت مانور عالی باشند میتوان . خدمات مانور معاونه را در فضای کیهانی ترتیب و تنظیم کرد . کشتی های کیهانی نجات موجوده ، کشتی کیهانی که خطر روپرو شده باشد وقتی و هتل شده میتواند که پرتاب این راکت در انهای گذشتن کشتی عارضه دار از محل پرتاب صورت بگیرد . و این عمل در شبانه روز يك دفعه امکان پذیر است . فعلا تصور کنید که تخلیه فوری

علی شیر نوایی

نا گهان بوی نا مطبو عی ازیک اجاق به دماغش رسید، کیمیا گر بشناب از جابر خاسته دوید و مدنی زیاد روی مواد تحت تجر به خود را مصروف ساخت. سلطان مراد کوشید بحث را از سر شروع کند.

چون شام شد، عبدالاحد خوان هموار کرد هر دو در همین اطاق درپرتو خیره شمع، ضمن بحث از کیمیا ویا علم بدیع، با صرف نان و لشمش سد جوع نمودند.

سلطان مراد خواهش کرد تا مدتی درینجا با استاد بماند و یکی باوی کار کرده، از نزدیک به اسرار (اکسیر) آشنایی پیدا کند. کیمیا گرا این خوا هش را بدون هیچگونه عرض پذیرفت.

عالم جوان، روز دوم پاشور و حرارت بی سابقه گرو یده کیمیاشد و آنقدر در تجارب این فن فرو رفت که در جریان کار های آزمایشی با مواد کیمیای دست و لبها یش سوخت.

او ساعتها در باره تغییر ماده ها با عبدا لواحد مصروف بحث میشد و بعضا باوی مناقشه نیزمینمود چون سر گرم کار میگروید، نمیتوانست طلاع صبح و غروب خورشید را متوجه شود. مدت پانزده روز طور مسلسل بدینگونه تجارب مورد ضرورت را ادامه داد. او که در مسئله تبدیل شدن مس به طلا از طریق کیمیا عقلش قدنمیداد معلومات بدست آمده را برای ادامه تحقیقات عمیق تر بعدی خود بستمند دانست و بالاخره پاکیمیا کر مانند پسر و پدر وداع نموده از آنجا خارج گردید.

وقت از ظهر گذشته بود. همینکه سلطان مراد به شهر داخل شد، از حرکت عاملان و سیا هیان از نگاه ابران واز دوش و تلاش پسر بچه ها احساس کرد که حالتی غیبی عادی وجود دارد و متعین شد که باید حتما حاره مهمی روی داده باشد. رنگریزی را که دستان رنگ آلود خود را تکان داده جلومیرفت. متوقف ساختن راجع به وضع جاری سوال کرد: رنگریزی بابی صبری طور مختصر گفت:

(جانم، در ده خیسالی زیاد است

نمیدانم کدام يك را برایت بگویم) و بسرعت در راه خود روان شد. سلطان مراد به شور آمد. از عقب مردم، پیش رفت، چون خسته و کوفته با رنگ پریده به میدان دیوانخانه رسید. دیدر آنجا انبوهی بزرگ از مردم گرد آمده اند. اکثر آنها کاسیان شهر و دهقانان ژنده پوشی تشکیل میدادند که از اطراف ودهات آنجا آمده بودند گرچه دست آنها خالی بود، اما آتش خشمی که در چشمان شان میدرخشید و وضع جدی و مصممی که از چهره های شان پدیدار بود، نشان میداد که حالتی دهشت انگیز و آماده انفجار بخود گرفته اند سلطان مراد که زمانی محاصره شهر ها و جنگهای کوچک و بزرگ را از نزدیک دیده بود از مشاهد این وضع تکان خورد. جمعیت با حالت عصبی پیچ و تاب میخورد و صدای شور و هلهله نیرو مند در هوا بلند میشد، رنگتاز روی سپاه هیان پریده، با وضی حاکی از هراس وچشمان (اللق - بلق) در گوشه و کنار حرکت میکردند. سلطان مراد مانند کسیکه هنگام عبور از رود خانه نخست مواضع کم آبر را بدقت امتحان کرده و سپس بمواضع عمیق تر نزدیک میشود، آهسته آهسته خود را در قلب جمعیت رسانید. همه، از عاملان، ازبیداد مباشران وازسنگینی مالیات شکایت داشتند و عده ای از عاملان را آشکارا تحقیر میکردند. صد ها آواز یکجا با هم بلند می شد:

- خواجه عبدالله، خواجه قطب الدین و نظام الدین بختیار اینجا، در برابر ما احضار شدند. مرد ریش سفینی که ظاهرا وضع آرامی داشت، با گریه وزاری به سلطان مراد شکایت کرد: فر مانروا مسلمان است و دستور هایش نیز مسلمانند، اما اینهمه بیداد و احتی بدکیشان هم بر اهل خود روا نمیدانند انصاف و عدالت از اینجا رخت پر بسته است.... ما نانه خراب شدیم! در حالیکه سلطان مراد بالبهای لرزان او را تسلیت میداد، یکی از دهقانان ژنده پوش که چهره اش از خشم

زیاد تفتیده بود، از زیر کوشهای او فریاد کشید:

«تا زمانیکه توغان بیک بدست ما تسلیم داده نشود، از اینجا نخواهیم رفت!»

سلطان مراد شانه او را تکان داده پرسید:

- برادر، کدام توغان بیک را میگوئی؟

- یکی از ار ازل است که تازه پیدا شده... ما او را میشنا سیم توغان بیک....

- دهقان، بدون توجه به سلطان مراد در میان امواج مردم ناپدید شد.

سلطان مراد در زیر فشار جمعیت پر جوش و خروش افتان و خیزان هر طرف حرکت کرد. از خلال جملات بریده - بریده ای که باخشم و تحقیر و سوز درد اظهار میشد، توانست به علت اصلی این غلیان پی برود: همینکه سلطان با عده ای از ستور ها هرات راترك گفته است، مسئولین امور جمع آوری زکات و مالیات، خواجه عبدالله، خواجه قطب الدین نظام الدین بختیار و سایر مباشران برطبق میل خود مالیات تازه ای بر مردم تحمیل کرده اند و با تمام قوا کوشیده اند تا این مالیات را که نه برای خزانه دولت، بلکه برای خود وضع کرده بودند، با استفاده از موقع هر چه زود تر جمع آوری نمایند و بخاطر انجام این کار بوسایل کثیف و نا روایی متوسل شده اند و با روا داشتن انواع بیداد و ستم، حقوق عامه را پا مال کرده اند.

سلطان مراد که تلاش داشت به مثابه «سر آمد» دانشمندان زمان تبارز کند، تاکنون از چگونگی ژندگی جامعه دور میزیست و از درد و آلام آن بیگانه بود. مرغ اندیشه

بقیه صفحه ۵۹

ارز شهای اسلامی

او پرسید در آسمان نظریات علمی در بین غباد کتب قطور و ضخیم و در میدان مناظرات عالمانه پروازی کرد. او هیچگاه در باره مسایلی از قبیل اینکه جامعه چیست، چطور ر میزید، چطور می اندیشد، از چه رنج میبرد و چگونه میتواند مشکلات خویش را حل نماید و مسایلی امثال اینها هرگز نیندیشیده بود بقیه او مردم بگروهی اطلاق میشد که از نعمت دانش و سواد بی بهره اند. چون او معتقد بود که فقط از طریق علم ممکن است (انسان واقعی) بار آمد، عامه مردم را در هر کار و زهر جا قربانی جهالت می پنداشت. با دیدن این صحنه، اساس اینهمه پندار های او کاملا فرو ریخت.

همانطوریکه انسان در برابر حادثه فوق العاده بزرگ، ما حول خود را کاملا از یاد برده فقط دستخوش هیجان و احساسات ناشی از آن واقعه می گردد، عالم جوان نیز با تمام وجود خود، در اندیشه درد و آلام عامه مردم فرو رفت. او بدون اعتنا به هیجن شدید خود در آغوش این جمعیت پر از شور و التهاب عوامل این حادثه را مورد ارزیابی قرار داد و نزد خود چنین نتیجه گیری کرد: (ذواتی چون خواجه عبدالله و خواجه قطب الدین که در عین داشتن سمت های مهمی، از علم و دانش نیز بهره ای کافی ندارند بخاطر منافع شخصی خویش اینهمه خور گامگی و بیداد بر جمعیت روا داشته اند اینها در حقیقت امر، بدترین جا هلانند. اصلا برای اینکه شخص بتواند انسان کامل بار آید، غیر از دانش، بیک سلسله صفات دیگر نیز ضرورت است اینگونه عنا صری که آرمش را بر هم میزنند مستحق سنگین ترین مجازات اند)

باقی دارد

مفلوب سازند بلا درنگ همه عهد هارا نقض کرده بر طاق نسیان و فراموشی قرار میدادند.

پس از آشنائی باین واقعیت ها و حکمت های حیاتی و جهانی اسلام انسان بخوبی میتواند درک کند و تشخیص دهد که کلمات سه گانه عدل، احسان و پرداخت به نزدیکان که تطبیق عملی آنها را اسلام به صراحت در آیات مبارکه قرآنی تاکید مینماید

ژو ندون

مردی با نقاب بقیه

اما يك چیز در نظر ديك معما یی تر و اسرار آمیز تر از هر چیزی می آمدو آنها لارک شدن موتور وسایکل از نیمه راه بود . اگر این موضوع حقیقت میداشت که موتور سائیکل سوار به فاصله ۱۰۰ متر از عقب موتور روان بوده و بین دو قریه دفعتا فایدید شده پس میبایست پیدایش کند .

الك اظهار داشت : بهتر است بر گردیم ، این موضوع بدون تردید مسلم است که آنها با ماد موازل ایلا در نیمه راه از موتور پیاده شده اند ، و حال تعقیب موتور سائیکلت سوار یگانه هدف ما را تشکیل میدهد . و میتوان با حدس قریب به حقیقت اینطور نتیجه گیری کرد که موتور سائیکلت سوار ایلا را با خود بر داشته است . و این موتور سائیکلت سوار یا خود بقیه و یا یکی از ماموران زیر دستش باید باشند .

دیک گفت : آنها در بین شوهام و ماری ناپدید شده اند . آقای بنت شما این ناحیه را می شناسید همین طور نیست ؟ آیا در ناحیه ماری کدنام محلی وجود ندارد که احتمالا آنها به آنجا رفته باشند ؟

بنت به تأیید حرفهای دیک جواب داد : من این ناحیه را خوب بلدم . در خواشی ماری چندین خانه وجود دارد . شاید هم در ماری فیلد رفته باشند . اما به راستی تصوات آنها نمی توانم بکنم که ایلا را در آنجا پروه باشند .

دیک در حالیکه موتورا آهسته کرد و به راهی که آمده بودند برگشت از جان بنت پرسید . ماری فیلد چگونه جایی هست ؟

— ماری فیلد يك ساحه سنگلاخ است که کسی از آن استفاده نکرده . شرکت چند سال آنجا را خریده است .

وقتی جان بنت این توضیح را داد آن ها راه ماری فیلد را در پیش گرفتند مثل رفتار موزچه پیش میرفتند . و در راه ماری فیلد به تنهانه پولیس دیک از پولیس موقع پرسید : محلی رسیده توقف کردند تا مگر از آنجا معلومات تازه در باره اتفاقاتی که ممکنست روی داده باشد حاصل

شماره ۲۷ و ۲۸

پیش رفتند . زیرا آنطرف دیگر دیوار کسی نمیتوانست آنها را ببیند . الك محض با انعکاسی که روشنی چراغ موتور به روی دنده پیشروی موتور سائیکل ایجاد کرد متوجه و جود موتور سائیکل در آنجا شد و سر انجام او تنها به کشف خود نایل آمدند . دیک بسوی موتور برگشته چراغ موتور را طوری عیار کرد که موتور سائیکل در روشنی آن کاملا بخوبی دیده میشد . موتور سائیکل کاملا جدید بود . و رنگ آنرا با مالش آماده تغییر داده بودند .

چراغهای موتور سائیکل سرد و خاموش بود . الك اطراف آنرا چرخ زد . در قسمت عقب سمیت موتور سائیکل يك خریطه پراز ابزار بسته بود که الك تسمه چرمی آنرا باز کرد .

الك در مورد موتور سائیکل اظهار نظر کرد : قاعده کمپنی تولید کننده اسم خریدار جدید را با اسم خود کمپنی به روی خریطه سامان و ابزار می نویسد .

آنها خریطه را از پشت موتور سائیکل پایین آوردند و الك آخرین تاب تسمه را هم باز کرد . و سر خریطه را پس زد .

الك صدایی از تعجب در آورد : آه خدای بزرگ ! بهروی پوش چرمی آدرس صفا و پاک به نظرش خورد : جوشا براد — کارولی هاوس خیابان کاوندی .

ایلا همینکه به مطبخ وارد شدند نخستین چیزی که جلب توجه اشرا کرد این بود که يك سر میزی شسته را جهت خشک شدن آویخته بود از روی آریسمان به صحن اتاق افتیده بود .

تا میخواست بر گردد که بصورت بی محابا از پشت سر کسی دستمال مرطوبی را جلو دهانش قرار داده سرو صورت او را در آن دستمال پیچیدند يك بازوی قوی دور گردنش فشار آورد . دست دیگر دهانش را محکم گرفته سرش را به طرف پایین خم ساخت . ایلا سعی نمود فریاد بزند .

اما مجال آنرا نیافت . ایلا خواست لگدی به دروازه بزند . اما يك دست قوی روی زانویش گذاشته شد . ایلا صدایی را شنید مانند پاره کردن پارچه و توسط آن هر دو پایش را از حصه زانو ها بستند . در حالیکه احساس نمود هوای سرد وارد مطبخ گردید ایلا دریافت که دروازه را باز

کرده ویرا کشان کشان به باغ بردند .

ایلا يك آواز را کنار گوشش شنید که به وی امر میکرد : زود باش حرکت کن . ایلا متوجه شد که پا هایش را دو باره باز کردند . او نمیتوانست اطراف خود را ببیند منتها احساس مینمود که دانه های باران پارچه ایرا که دور کلاهش بسته بودند مرطوب ساخته بود و مرطوبت به اثر وزش شدید باد از پارچه نفوذ کرده بصورتش بخیه میخورد . شمال پا چنان شدتی بصورتش میوزید که گاهی نفس کشیدن را برایش مشکل میساخت

درست وقتی پایش در يك چقوری پر از لجن در کنار سرك فرو رفت آن وقتی بود که ایلا متوجه شد بر روی خیابان كوچك پهلوی عمارت میباشد ولی بمجرد درك این موضوع متوجه شد که محكمش گرفته به شدت به داخل يك موتور انداخته شد . ایلا حس نمود که يك نفر دیگر در سمیت موتور پهلویش نشست و موتور به حرکت افتاد . پس از آن يك دست با مهارت دستمال را از دور كله و صورتش دور کرد .

در یکی از چوکی های پیشروی موتور يك چهره گندمی و تاریکی نشسته بود که ایلا نتوانست او را بشناسد . ایلا پرسید : شما از من چه می خواهید . شما کی هستید . اما پیش از آنکه جواب آن مرد را بشنود متوجه شد که در پنجه بقیه گیر آمده است . آن مرد اظهار داشت : من آخرین شانس را بتو میدهم . با پایان یافتن همین امشب شانس تو هم به سر میرسد .

ایلا در حالیکه سعی مینمود از ارتعاش صدایش جلو گیری کرده باشد گفت : شما از جان من چه میخواهید . — تو باید با من حاضر به ازدواج شوی . و مکلف هستی فردا سر صبح خود را برای رفتن ازین سر زمین آماده بسازی ، من نسبت به تو آنقدر اعتماد دارم که حرفهایت را درین مورد باور میکنم . بگو آیا حاضری با من ازدواج کنی و آیا حاضری با من به سر زمین دیگری غیر از اینجا بروی .

ایلا سرش را به شدت بعنوان نفی تکان داد و سعی او برای دیدن صورت بقیه بطاعت تاریکی درون موتور بجایی نکشید . و لهنذا اینطور پاسخ داد : من هرگز این کار را از نخواهم کرد .

باقیدار

افغانستان می‌خواهد...

ج- بی تفاوت نخواهیم ماند، آنچه قابل توجه میباشد اینست که اگر بالفرض مقابله‌ای صورت بگیرد عواقب آن از آنچه تصور میشود برای منطقه ما وخیم تر خواهد بود.

س- قدرت نظامی خود را با پاکستان چگونه مقایسه مینماید؟
ج- متأسفانه نمیتوانم این سوال شما را جواب دهم.

س- در صورت بروز مقابله آ یا هند کم خواهد کرد؟
ج- با زحم تکرار میکنم که در صورت بروز

یک واقعه ناگوار بین افغانستان و پاکستان ساحه‌ای محدود نخواهد ماند.

س- درباره تسلیم شدن بعضی از بلوچها چه میگوید؟
ج- تسلیم شدن بلوچها صحت و حقیقت ندارد، زیرا ایشان برای یک پسر نسیم می جنگند.

س- در صورت مقابله با پاکستان چگونه واژ کجا میتواند کمک بگیرد؟
ج- دفاع از خود وظیفه هر ملت است از

چنین وضعی نباید تصور کرد که وا فسات محدود مانده میتواند.

س- بناغلی بوتو بارها دوستی خود را با شاه ایران مخصوصا در قبال تهدید هند تذکر داده است نظر شما چیست؟

ج- شاهنشاه ایران که دارای افق نگاه وسیع و دوقال مسایل منطقه و جهان میباشد، ارزیابی ایشان با ارزیابی ایکه بوتو میکند، قطعاً مطابقت ندارد.

س- روابط شما با چین چگونه است؟
ج- روابط ما و چین مال و دو ستانه میباشد.

س- آیا با چین تجارت دارید؟
ج- بله.

س- آیا با چین تجارت دارید؟
ج- بله.

س- آیا با چین تجارت دارید؟
ج- بله.

س- آیا با چین تجارت دارید؟
ج- بله.

س- آیا با چین تجارت دارید؟
ج- بله.

س- آیا با چین تجارت دارید؟
ج- بله.

س- آیا با چین تجارت دارید؟
ج- بله.

س- آیا با چین تجارت دارید؟
ج- بله.

س- آیا با چین تجارت دارید؟
ج- بله.

س- آیا با چین تجارت دارید؟
ج- بله.

س- آیا با چین تجارت دارید؟
ج- بله.

س- آیا با چین تجارت دارید؟
ج- بله.

س- آیا با چین تجارت دارید؟
ج- بله.

س- آیا با چین تجارت دارید؟
ج- بله.

س- آیا با چین تجارت دارید؟
ج- بله.

س- آیا با چین تجارت دارید؟
ج- بله.

س- آیا با چین تجارت دارید؟
ج- بله.

س- آیا با چین تجارت دارید؟
ج- بله.

سال ۱۹۷۵ بحیث...

برای ترتیب و تنظیم امور نشراتی اطلاعاتی و کلتوری مربوط به سال بین المللی زنان در افغانیستان در روز یک کمیته ددقوی تعیین گردید.

دو جلسه که ساعت ۱۰ صبح روز ۳۰ منبیله بریاست پوهاند دوکتور نوین وزیر اطلاعات و کلتور و آن وزارت دابرشد بعد از بحث

بقیه صفحه ۲۸

شاعر کلاسیک پښتو

پښتو در قریب ۱۶ و ۱۹، تالیف کرده، در قطار یک تعداد شعرا ی کلاسیک پښتو اشعار خو شحال خان خټک را نیز به دنیای غرب معرفی کرد.

دانشمند افغانیستان شناس معروف نا روی، گ مور گینستیر نی دژائر دامی خود راجع به خوشحال خان خټک روی فعالیت های ادبی و خصوصیت های آثار او به تفصیل حرف میزند.

از جمله دانشمندان افغانیستان شناس اتحاد شوروی م. گ. اسلاموف، گ. ف. گرس. و. ا. لیوشینس. و. ا. پرو مورین، در آثار متعددی که پرداخته اند، اندیشه های خویش را در پس امون هیراث علمی و ادبی خو شحال خان بیان داشته اند.

مردم اتحاد شوروی طی سالهای اخیر با نشر مجموعه های چون «از (آثار منظوم افغانی) ۱۹۵۵ و (شاه

عزرا آسپا) م. م. ۱۹۵۷ با آثار خو شحال خان آشنا شدند.

این اثر که از نظر شما میگذرد، برای معرفی زندگی و آثار شاعر بزرگ مردم آزادی دوست افغان خو شحال خان خټک برای مردم ازبکستان شوروی، نخستین گام محسوب میشود.

از اشتراک در مسابقات آسیای در سفر به اتحاد شوروی نیز موفقیت های چشمگیری را نصیب شده بود.

در مسابقاتیکه از طرف ریاست المپیک جهت انتخاب تیم ملی پهلوانی دایر شده بود با تبارز دادن استعداد و لیاقت عضویت تیم ملی افغانیستان را کمایی کرد.

اسلم جوان خونسرد، برده یار و متین است از زمانیکه به ورزش آغاز کرده در چندین مسابقات داخلی با کسب پیروزی های زیاده میدا نهای مسابقه را ترک گفته است چنانچه وی قبل

بقیه صفحه ۴۵

پهلوان اسلم

اسلم جوان خونسرد، برده یار و متین است از زمانیکه به ورزش آغاز کرده در چندین مسابقات داخلی با کسب پیروزی های زیاده میدا نهای مسابقه را ترک گفته است چنانچه وی قبل

اسلم جوان خونسرد، برده یار و متین است از زمانیکه به ورزش آغاز کرده در چندین مسابقات داخلی با کسب پیروزی های زیاده میدا نهای مسابقه را ترک گفته است چنانچه وی قبل

اسلم جوان خونسرد، برده یار و متین است از زمانیکه به ورزش آغاز کرده در چندین مسابقات داخلی با کسب پیروزی های زیاده میدا نهای مسابقه را ترک گفته است چنانچه وی قبل

اسلم جوان خونسرد، برده یار و متین است از زمانیکه به ورزش آغاز کرده در چندین مسابقات داخلی با کسب پیروزی های زیاده میدا نهای مسابقه را ترک گفته است چنانچه وی قبل

اسلم جوان خونسرد، برده یار و متین است از زمانیکه به ورزش آغاز کرده در چندین مسابقات داخلی با کسب پیروزی های زیاده میدا نهای مسابقه را ترک گفته است چنانچه وی قبل

اسلم جوان خونسرد، برده یار و متین است از زمانیکه به ورزش آغاز کرده در چندین مسابقات داخلی با کسب پیروزی های زیاده میدا نهای مسابقه را ترک گفته است چنانچه وی قبل

اسلم جوان خونسرد، برده یار و متین است از زمانیکه به ورزش آغاز کرده در چندین مسابقات داخلی با کسب پیروزی های زیاده میدا نهای مسابقه را ترک گفته است چنانچه وی قبل

اسلم جوان خونسرد، برده یار و متین است از زمانیکه به ورزش آغاز کرده در چندین مسابقات داخلی با کسب پیروزی های زیاده میدا نهای مسابقه را ترک گفته است چنانچه وی قبل

اسلم جوان خونسرد، برده یار و متین است از زمانیکه به ورزش آغاز کرده در چندین مسابقات داخلی با کسب پیروزی های زیاده میدا نهای مسابقه را ترک گفته است چنانچه وی قبل

اسلم جوان خونسرد، برده یار و متین است از زمانیکه به ورزش آغاز کرده در چندین مسابقات داخلی با کسب پیروزی های زیاده میدا نهای مسابقه را ترک گفته است چنانچه وی قبل

اسلم جوان خونسرد، برده یار و متین است از زمانیکه به ورزش آغاز کرده در چندین مسابقات داخلی با کسب پیروزی های زیاده میدا نهای مسابقه را ترک گفته است چنانچه وی قبل

اسلم جوان خونسرد، برده یار و متین است از زمانیکه به ورزش آغاز کرده در چندین مسابقات داخلی با کسب پیروزی های زیاده میدا نهای مسابقه را ترک گفته است چنانچه وی قبل

د خټگر لور

د خټگر دواړو ملگرو دچای په څښلو باندی پیل وکړ او پخپله دی بیا دملک حمید دکور په لوری باندی وخوځیده. په لاره روانؤ او چرتونه یی وهل اود ځانه سر یی همدغه دوعاوی کولی چه :

خدای (ج) خودی دملک په زړه کښی د رحم بوتی رازرغون کړی چه له جنجا لونسو څخه خلاص شم .

په خوړنده سرسره یی دملک تر کوره پوری مزل ووايه اوچه دکلا مخی ته ورورسیده نووی لیده چه ملک ولاړدی اود څوتو نورومخورو کلیوالو سره مجلس کړی. دختگر هلوونه زېره شول، په زړه باندی یسی د ویری باد را والوت او په تریدلی بڼه، ریریدلی وجود اوښده ژبه سره یی دسلام اچولو شرعی. او انسانی ادب پرځای کړ .

دملک دامر سره سم کښینا ست او هلو هم ورسره دغه جرئت نهؤ چه دخلکو او کلیوا لو ترمنځ لهملک څخه خپل پور وغواړی. یوه گړی وروسته له ملک سره ناست خلک ټول ولاړل او ملک خپل یوه ناظرته ورغړ کړچه :

انیتش

ژوندون

مسؤل مدیر :

علی محمد «بریالی»
معاون روستا باختری

مېتمم ع.م عثمان زاده

دمسؤل مدیر ددفتربلفون: ۲۶۸۴۹

دمسؤل مدیردکور تلفون: ۲۱۹۶۰

سوچبورډ ۲۶۸۵۱

د معاون ددفترباطلی تلفون ۱۰

دتوزیع او شکایات مدیریت ارتباطی

تلفون ۵۹

پته: انصاری واپ

داشرالایه

په باندنیو هیوادو کښی ۲۴ دالر

دوی گڼی په ۱۳ افغانی

په کابل کښی ۱۵۰۰ افغانی

دولتی مطبعه

شماره ۲۷ = ۲۸

ملگرو ورباندی په غوسه شول او تردی چه دخپرو په ترڅ کښی سره دجنگ مرحلی ته ورسیدل ، هغوی دواړه په کلکه سره اصرار کاوه چه موزه خپله مزدوری له تا څخه غواړو تارواستلی یو اومون هلو هم ملک حمید نه پیژنو .

له خټگراما څخه لاره ورکوه چه څه وکړی، هر څومره اوهری خواته یی چه فکر کاوه نو خپله هیله به یی له ناکامی سره مخامخ لیدله او بیا یی دواړو خټگرو ملگرو ته وویل چه -

(تاسو بایدزما له زړه څخه راشی مزدور خو دمزدور له زړه څخه راځی داچه ملک راباندی ظالم شو نصیر به کوو او خدای ته به یی سپارو. زه څه وکړم نن چه ورغلم او مزدوری می ور څخه و غوښتله نردیؤ چه هملته می پسی پلن کړی او بیادرن غوندی را څخه په خپل موشکی آس باندی سپور شو او حکو متی ته

دهغه نه وروسته خټگرخپلو دکلا وهلو ملگرو ته په عذر سره وویل چه -

زوی ته در څخه وکړی . که څه هم چه دملک پوند زوی موسی جان یوه بله ښځه هم لری خو اولادی نه کیږی او اوس همدغه شانی قصد لری .

چارگل دخپلو خبرو په پای کښی پسی ور زیاته کړه -

(پام کوه زما خبری دی چاته له خولی ونه زوی چه روزی به راباندی ودروی، هسی دی خپله غمه خوره او پته خوله گرزه .)

د لږخند خبرو اوزړه خواله کولو نه وروسته خټگر بیا دخپل کورلاره ونيوله. په ځان نه پوهیده چه څه کوی او چیرته ځی خود یوه سرسام په شانی یی مخ په وړاندی گامونه پورته کول او دادی چه خپل کورته راو رسید. هغه دوه تنه لاورته ناست وو اود ډیر ځم له آمله یی ورباندی سترگی برگی، برگی ختلی وی .

دسلام اچولو نه وروسته دواړو

بقیه صفحه ۵۹

توستان های من

کاکا قاسم نامه راخواند . په یکیار موح شادی وغم هرو برچهره اش دودیدنه . اسماعیل اذدیروان نمودن نامه عذر خواسته بود. او نامه نوشته نمی توانست زیرا پرسترافتاده بود ودر جنگی بایکی ازمتجاوزین زخم برداشته بودعه کلشوم چیچ ژر.

«اوه بچه بیچاره، آایا دست وپایش خوب است کاکا قاسم امر کرد :
«دیوانه شو. اوتگفته که خوب است؟ پس خوب است»

نامه رادوباره به پاکت گذارد . بطرف کارش روان شد وباخود گفت .
«این آحمقان بچیمه ز خمی کرده . . مثلیکه جای به ملک خود شان کم است امتنی هابه آشیانه دیگران می تازند»

خبر نامه اسماعیل هه جا پیچیده وقتیکه همان شام خانه می رفتم کاکا فضل سراز کلکین اتاقش بیرون نمود وپرسید :
«درست است ، بچه کاکا قاسم خط خودش خانه»
«بلی درستست»

((میچکس)) خودش یاد گرفت . «مه عه کلشوم رادرس می دادم واد یاد گرفت»
کاکا فضل خندید :

((عجب است مه حالا اوزه ازلست بیسوادان خط می زنم .
تمام راه خوش بودم احساسی خوشی می کردم . گرمای نری دسرپای وجودم می دود .
پایان قسمت اول

صفحه ۶۲

بلاخره صدا کرد :
«کاکا قاسم نامه ای از اسماعیل»
کاکا اسماعیل بیلش را انداخت . بطرف عه کلشوم دودید ونامه راز دستش قبیید .
«خدا را شکر بلاخره»
همه کلشوم بمن نگاه کرد.
«لطفا بخان اذخوشی خطما یادم برقت. نامه را بته برایش»
ولی کاکا قاسم هنوز نامه را بدست داشت.
«اوه ای اگر تومبتانی بخوانی من هم می تانم»
شماچه فکر می کنید ؟ اوزنامه راخواند بلی . بلی. اوخودش نامه راخواند . باآنکه اسماعیل دوباره آن با همان حروف لغتی ((آنهان)) نوشته بود او عجب آدمی بود هنگامیکه من عه کلشوم رادرس دادم . اونیژ یادمی گرفت بلی عشق پسرش برنرفت کینه اش پیروز شده بود.
پس عشق فوی تراز نفرت است ؟ درآن دور ها روی این مطلب بسیار فکر نکردم . ولی هنگامیکه به سفرداز زندگی دست زدم . رمزه . بسیار اند و ه ها وشادی هادوا چشمدم بیشتر ازآنچه در کودکی فکر می کردی . نه بیدم . بلی عشق جاویدان است در حالیکه نفرت گذراست این نفرت نیست که چرخ زندگی رابحرکت می آورد - این عشق است .
توستان های دوست داشتی من مندم درازای زندگی چیچ های زیاد دیدم ودرک کردم که فقط در عشق نیروی آدمی نهفته است عشق فرزندان ، عشق وطنی که او بیروانید .



والمجلة طبع
 في
 كتابه لوسي شميره

